



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# نوآوری، بشرشنوفاپی

سید حسین اسحاقی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نوآوری، بستر شکوفایی

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۶	نوآوری، بستر شکوفایی
۱۶	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۱۹	فهرست مطالب
۳۵	دیبچه
۳۷	پیش‌گفتار
۴۳	بخش اول: ویژگی‌ها و راه‌های پرورش خلاقیت و نوآوری
۴۳	اشاره
۴۵	درآمد
۴۷	فصل اول: کلیات
۴۷	اشاره
۴۷	۱. تعریف خلاقیت
۴۷	اشاره
۴۸	الف) خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی
۴۹	ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی
۵۰	۲. تعریف نوآوری
۵۰	۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری
۵۲	۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری
۵۲	اشاره
۵۲	الف) ساختار سازمانی
۵۲	ب) فرهنگ سازمانی
۵۳	ج) متغیرهای منابع انسانی
۵۳	۵. فرصت‌های خلاقیت

۵۳	۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری
۵۴	۷. امکان تقویت خلاقیت
۵۶	۸. اصول خلاقیت
۵۶	اشاره
۵۶	اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند
۵۸	اصل دوم: همه ایده های جدید همسنگ نیستند
۵۹	اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می شود
۶۰	فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان
۶۰	اشاره
۶۰	۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت
۶۳	۲. اصول کلی پرورش خلاقیت
۶۳	اشاره
۶۳	الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص
۶۳	ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول
۶۳	ج) قرار دادن فرصت هایی برای خود آموزی و یادگیری اکتشافی
۶۳	د) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان
۶۴	ه) سرمشق قراردادن رفتارهای آفریننده برای کودکان
۶۴	و) استفاده از روش ها و فنون ویژه بالا بردن سطح آفرینندگی
۶۵	۳. دیگر روش های پرورش خلاقیت
۶۵	اشاره
۶۵	الف) تجربه
۶۵	ب) بازی های فکری
۶۶	ج) صنایع دستی
۶۶	د) هنرهای زیبا
۶۷	ه) مطالعه
۶۷	و) نویسندگی

۶۷	..... (ز) حل خلاق مسائل روزمره
۶۸	..... ۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت
۶۹	..... ۵. عوامل باز دارنده خلاقیت
۷۱	..... فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری
۷۱	..... اشاره
۷۱	..... ۱. ویژگی‌های خلاقیت
۷۳	..... ۲. ویژگی‌های افراد خلاق
۷۳	..... اشاره
۷۴	..... الف) سلامت فکر و روان
۷۴	..... ب) انعطاف پذیری
۷۴	..... ج) ابتکار
۷۵	..... د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی
۷۵	..... ه) استقلال رأی و داوری
۷۵	..... و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند
۷۶	..... ز) کنجکاوی
۷۶	..... ح) اعتماد به نفس
۷۶	..... ط) داشتن هدف در زندگی
۷۷	..... ی) زندگی کردن با توجه به حال
۷۷	..... ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران
۷۷	..... ل) انرژی فراوان
۷۷	..... م) تنوع طلب بودن
۷۷	..... ن) نگرشی مثبت داشتن
۷۸	..... س) برخورد صحیح با مشکلات
۷۹	..... ۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری
۷۹	..... ۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری
۷۹	..... اشاره

- الف) فضای خلاق ..... ۸۰
- ب) دادن وقت برای خلاقیت ..... ۸۰
- ج) برقراری سیستم پیشنهادات ..... ۸۰
- د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت ..... ۸۰
۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری ..... ۸۱
- اشاره ..... ۸۱
- الف) انگیزه ها ..... ۸۱
- اشاره ..... ۸۱
- یک \_ انگیزه های بیرونی ..... ۸۱
- اشاره ..... ۸۱
- اول \_ بحران های جامعه ..... ۸۱
- دوم \_ سطح توقعات جامعه ..... ۸۳
- دو \_ انگیزه های درونی ..... ۸۳
- اشاره ..... ۸۳
- اول \_ استعداد ذاتی فرد ..... ۸۳
- دوم \_ نیازهای درونی ..... ۸۳
- سوم \_ بحران های شخصی ..... ۸۳
- ب) ابزار ها ..... ۸۵
۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت‌های خفته ..... ۸۵
- اشاره ..... ۸۵
- الف) قبول وجود ذخیره بی‌کران خلاقیت در درون انسان ..... ۸۵
- ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای ..... ۸۵
- ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها ..... ۸۵
- د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت ..... ۸۷
- ه) آرامش فکر و مثبت اندیشی ..... ۸۷
۷. موانع خلاقیت ..... ۸۷



۸۷ ..... اشاره

۸۷ ..... الف) موانع فردی

۸۹ ..... ب) موانع بیرونی

۹۰ ..... ۸. روش‌هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده‌های بزرگ در ذهن

۹۰ ..... اشاره

۹۱ ..... الف) زیاد مطالعه کنید

۹۱ ..... ب) فرصت‌هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید

۹۲ ..... ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید

۹۲ ..... د) از افکار دیگران بهره بجویید

۹۲ ..... ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید

۹۳ ..... و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید

۹۳ ..... ز) به رفیق خود مراجعه کنید

۹۴ ..... ح) به توانایی‌هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت بپردازید

۹۴ ..... ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید

۹۴ ..... ی) ایده‌های گذشته را از نو بسازید

۹۵ ..... ک) از قدرت نهفته در درونتان یاری بخواهید

۹۵ ..... ۹. ویژگی‌های سازمان خلاق

۹۵ ..... اشاره

۹۶ ..... الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد

۹۶ ..... ب) فرهنگ ارتقای بهره‌وری

۹۶ ..... ج) مدیران همیشه در صحنه

۹۷ ..... د) رقابت کامل و فشرده

۹۷ ..... ه) توجه به تمام و کمال به مشتری‌ها

۹۷ ..... و) امکان گردش شغلی

۹۷ ..... ز) فرهنگ کار تیمی

۹۸ ..... ح) امنیت شغلی

- ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر ..... ۹۸
- ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی ..... ۹۸
- ک) کار گروهی ..... ۹۸
- ل) استقبال مدیران از عامل تغییر ..... ۹۸
۱۰. سازمان و تکنیک‌های توسعه خلاقیت گروهی ..... ۱۰۰
- اشاره ..... ۱۰۰
- الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری) ..... ۱۰۰
- ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر ..... ۱۰۰
- ج) گردش تخیلی ..... ۱۰۳
- د) تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون ..... ۱۰۴
- ه) تفکر موازی ..... ۱۰۴
- و) ارتباط اجباری ..... ۱۰۵
۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت ..... ۱۰۵
- بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها) ..... ۱۰۸
- اشاره ..... ۱۰۸
- درآمد ..... ۱۱۰
- فصل اول: تولید علم و توسعه علمی ..... ۱۱۲
- اشاره ..... ۱۱۲
۱. تولید علم ..... ۱۱۲
۲. فرهنگ و تولید علم ..... ۱۱۶
۳. ویژگی‌های فرهنگ علمی ..... ۱۱۸
- اشاره ..... ۱۱۸
- الف) ارزش بودن اندیشه علمی ..... ۱۱۸
- ب) قدرت علمی ..... ۱۱۹
- ج) توان تولید فکر و نظریه ..... ۱۲۰
- د) شخصیت علمی ..... ۱۲۰

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان ..... ۱۲۱
۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی ..... ۱۲۳
۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام ..... ۱۲۴
۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران ..... ۱۲۶
- اشاره ..... ۱۲۶
- الف) پیش‌داوری ..... ۱۲۷
- ب) جزمیت و جمود ..... ۱۲۸
- ج) هم‌رنگی با جماعت ..... ۱۲۸
- د) تلقین پذیری ..... ۱۲۸
- هـ) تقلید ..... ۱۲۸
- و) شخصیت‌پرستی ..... ۱۲۹
- ز) تعصب ..... ۱۲۹
- ح) جدی نگرفتن زندگی ..... ۱۲۹
- ط) داشتن دیدگاه پست به کار ..... ۱۲۹
- ی) مصرف‌زدگی ..... ۱۲۹
- ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت ..... ۱۳۱
۸. نگاه هدف‌مند و مولد به علم ..... ۱۳۱
۹. پایگاه توسعه علمی ..... ۱۳۳
۱۰. موانع توسعه علمی ..... ۱۳۵
۱۱. راه‌کارهای توسعه علمی ..... ۱۳۷
- فصل دوم: انگیزه‌های تولید علم ..... ۱۳۹
- اشاره ..... ۱۳۹
۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛ ۲. کشف حقیقت؛ ..... ۱۳۹
۲. کشف حقیقت؛ ..... ۱۳۹
۳. دفاع از اندیشه دینی. ..... ۱۳۹
۴. انجام دادن تکلیف ..... ۱۴۰

۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی ..... ۱۴۲
- فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها ..... ۱۴۳
- اشاره ..... ۱۴۳
۱. موانع تولید علم ..... ۱۴۳
- اشاره ..... ۱۴۳
- الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران ..... ۱۴۴
- ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل ..... ۱۴۵
- ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان ..... ۱۴۶
- اشاره ..... ۱۴۶
- یک \_ نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها ..... ۱۴۶
- دو \_ زمینه ها و عوامل گریز نخبگان ..... ۱۴۸
- سه \_ فرار مغزها از ایران ..... ۱۵۱
- چهار \_ بسترسازی برای فعالیت نخبگان ..... ۱۵۲
- د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی ..... ۱۵۶
- ه) عدم بومی سازی علوم غربی ..... ۱۵۷
- و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها ..... ۱۶۲
- ز) دیگر موانع تولید علم ..... ۱۶۴
۲. راه کارهای عملیاتی کردن تولید علم ..... ۱۶۷
- اشاره ..... ۱۶۷
- الف) شناخت ظرفیتها ..... ۱۶۷
- ب) آگاهی از نیازها ..... ۱۶۷
- ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی ..... ۱۶۷
- د) اولویت گذاری ..... ۱۶۹
- ه) تقسیم کار ..... ۱۶۹
- و) ارتباط کشور با پژوهش ..... ۱۶۹
- ز) هماهنگی آموزش با پژوهش ..... ۱۷۰

ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی	۱۷۰
ط) رهبری پژوهش	۱۷۰
ی) جذب و نگه داری نخبگان	۱۷۰
بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله و رهبری	۱۷۲
اشاره	۱۷۲
درآمد	۱۷۴
فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله	۱۷۶
اشاره	۱۷۶
۱. عرصه های نوآوری	۱۷۶
۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری	۱۷۸
۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی	۱۸۰
۴. راه کارهای بلندمدت در تولید علم و نوآوری ۱	۱۸۱
اشاره	۱۸۱
الف) آشناسازی جامعه با جلوه های مختلف فرهنگ بیگانه	۱۸۱
ب) شناخت و معرفی همه جانبه اسلام	۱۸۴
ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام	۱۸۵
د) نهادینه سازی فرهنگ تولید	۱۸۶
ه) فعال سازی باورها و انگیزه های دینی جامعه	۱۸۸
فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری	۱۸۹
اشاره	۱۸۹
۱. تولید علم	۱۹۱
۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی	۱۹۳
۳. هدف های نهضت تولید علم	۱۹۵
۴. گستره تولید علم و نوآوری	۱۹۷
۵. موانع تولید علم	۲۰۰
اشاره	۲۰۰

- الف) یأس و ناامیدی ..... ۲۰۰
- ب) وجود افکار التقاطی ..... ۲۰۱
- ج) تحجر علمی ..... ۲۰۱
- د) هرج و مرج علمی ..... ۲۰۲
- ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی ..... ۲۰۲
- و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران ..... ۲۰۳
- ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی ..... ۲۰۴
- ح) غرب زدگی و مهره‌سازی ..... ۲۰۴
۶. راه‌کارهای تحقق تولید علم و نوآوری ..... ۲۰۵
- اشاره ..... ۲۰۵
- الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم ..... ۲۰۵
- ب) ایجاد روحیه خودباوری ..... ۲۰۶
- ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی ..... ۲۰۷
- د) شکستن جزم‌گرایی و ابهت علوم غربی ..... ۲۰۸
- ه) تبیین آثار سوء مصرف‌گرایی ..... ۲۰۸
- و) نظریه پردازی ..... ۲۰۹
- ز) کاربردی کردن پژوهش‌ها ..... ۲۱۱
- اشاره ..... ۲۱۱
- فرجام سخن ..... ۲۱۲
- وظایف حکومت ..... ۲۱۲
- نهاد حوزه ..... ۲۱۳
- دانشگاه ..... ۲۱۵
- کتاب نامه ..... ۲۱۸
- اشاره ..... ۲۱۸
- الف) کتاب‌ها ..... ۲۱۸
- ب) نشریات ..... ۲۲۱

۲۲۳ ----- پرسش های مسابقه ای برگرفته از کتاب «نوآوری؛ بستر شکوفایی» -----

۲۳۳ ----- درباره مرکز -----

سرشناسه: اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: نوآوری، بستر شکوفایی / حسین اسحاقی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۹۰.

ویژه سال نوآوری و شکوفایی؛ ۱.

شابک: ۲۳۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۴۸-۷:

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۶۹] - ۱۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: نوآوری

موضوع: نوآوری -- مدیریت

موضوع: نوآوری -- جنبه های اجتماعی

موضوع: اندیشه و تفکر خلاق

موضوع: خلاقیت

موضوع: علوم -- نوآوری

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: HD۴۵/الف۹۴۶ن۹۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۶۵۸/۵۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۱۱۶۷



ص: ۱

اشاره

ص: ۲

نوآوری، بستر شکوفایی

کد: ۱۲۹۰

نویسنده: سیدحسین اسحاقی

ویراستار: رقیه چاوشی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

نوبت چاپ: اول / اردیبهشت ۱۳۸۷

شمارگان: ۵۰۰۰

بها: ۲۳۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: IRC@IRIB.ir Emial:

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ \_ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۴۸-۷ / ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۴۸-۷

## فهرست مطالب

دبیاچه ۱

پیش گفتار ۳

بخش اول: ویژگی ها و راه های پرورش خلاقیت و نوآوری

درآمد ۱۱

فصل اول: کلیات ۱۳

۱. تعریف خلاقیت ۱۳

الف) خلاقیت از دیدگاه روانشناسی ۱۳

ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی ۱۴

۲. تعریف نوآوری ۱۵

۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری ۱۵

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری ۱۷

الف) ساختار سازمانی ۱۷

ب) فرهنگ سازمانی ۱۷

ج) متغیرهای منابع انسانی ۱۸

۵. فرصت های خلاقیت ۱۸

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری ۱۸

۷. امکان تقویت خلاقیت ۱۹

۸. اصول خلاقیت ۲۱

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند ۲۱

اصل دوم: همه ایده های جدید هم سنگ نیستند ۲۲

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف

تقویت می شود ۲۳

فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان ۲۴

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت ۲۴

۲. اصول کلی پرورش خلاقیت ۲۶

الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص ۲۶

ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول ۲۶

ج) قرار دادن فرصت هایی برای خودآموزی و یادگیری اکتشافی ۲۶

د) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان ۲۶

ه) سرمشق قرار دادن رفتارهای آفریننده برای کودکان ۲۷

و) استفاده از روش ها و فنون ویژه بالا بردن سطح آفرینندگی ۲۷

۳. دیگر روش های پرورش خلاقیت ۲۸

الف) تجربه ۲۸

ب) بازی های فکری ۲۸

ج) صنایع دستی ۲۸

د) هنرهای زیبا ۲۸

ه) مطالعه ۲۹

و) نویسندگی ۲۹

ز) حل خلاق مسائل روزمره ۲۹

۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت ۳۰

۵. عوامل باز دارنده خلاقیت ۳۱

فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری ۳۳

۱. ویژگی های خلاقیت ۳۳

۲. ویژگی های افراد خلاق ۳۴

الف) سلامت فکر و روان ۳۵

ب) انعطاف پذیری ۳۵

ج) ابتکار ۳۵

د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی ۳۶

ه) استقلال رأی و داوری ۳۶

و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند ۳۶

ز) کنجکاوی ۳۷

ح) اعتماد به نفس ۳۷

ط) داشتن هدف در زندگی ۳۷

ی) زندگی کردن با توجه به حال ۳۸

ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران ۳۸

ل) انرژی فراوان ۳۸

م) تنوع طلب بودن ۳۸

ن) نگرشی مثبت داشتن ۳۸

س) برخورد صحیح با مشکلات ۳۸

۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری ۳۹

۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری ۳۹

الف) فضای خلاق ۴۰

ب) دادن وقت برای خلاقیت ۴۰

ج) برقراری سیستم پیشنهادات ۴۰

د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت ۴۰

۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری ۴۱

الف) انگیزه ها ۴۱

یک \_ انگیزه های بیرونی ۴۱

اول \_ بحران های جامعه ۴۱

دوم \_ سطح توقعات جامعه ۴۲

دو \_ انگیزه های درونی ۴۲

اول \_ استعداد ذاتی فرد ۴۲

دوم \_ نیازهای درونی ۴۲

سوم \_ بحران های شخصی ۴۲

ب) ابزارها ۴۳

۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته ۴۳

الف) قبول وجود ذخیره بیکران خلاقیت در درون انسان ۴۳

ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای ۴۳

ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها ۴۳

د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت ۴۴

هـ) آرامش فکر و مثبت اندیشی ۴۴

۷. موانع خلاقیت ۴۴

الف) موانع فردی ۴۴

ب) موانع بیرونی ۴۶

۸. روش هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده های بزرگ در ذهن ۴۷

الف) زیاد مطالعه کنید ۴۸

ب) فرصت هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید ۴۸

ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید ۴۹

د) از افکار دیگران بهره بجوید ۴۹

ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید ۴۹

و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید ۵۰

ز) به رفیق خود مراجعه کنید ۵۰



ح) به توانایی هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت بپردازید ۵۱

ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید ۵۱

ی) ایده های گذشته را از نو بسازید ۵۱

ک) از قدرت نهفته درونتان یاری بخواهید ۵۲

۹. ویژگی های سازمان خلاق ۵۲

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد ۵۲

ب) فرهنگ ارتقای بهره وری ۵۲

ج) مدیران همیشه در صحنه ۵۲

د) رقابت کامل و فشرده ۵۳

هـ) توجه به تمام و کمال به مشتری ها ۵۳

و) امکان گردش شغلی ۵۳

ز) فرهنگ کار تیمی ۵۳

ح) امنیت شغلی ۵۴

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر ۵۴

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی ۵۴

ک) کار گروهی ۵۴

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر ۵۴

۱۰. سازمان و تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی ۵۵

الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری) ۵۵

ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر ۵۵

ج) گردش تخیلی ۵۸

د) تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون ۵۹

ه) تفکر موازی ۵۹

(و) ارتباط اجباری ۶۰

۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت ۶۰

بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها)

درآمد ۶۵

فصل اول: تولید علم و توسعه علمی ۶۷

۱. تولید علم ۶۷

۲. فرهنگ و تولید علم ۷۰

۳. ویژگی های فرهنگ علمی ۷۲

الف) ارزش بودن اندیشه علمی ۷۲

ب) قدرت علمی ۷۳

ج) توان تولید فکر و نظریه ۷۴

د) شخصیت علمی ۷۴

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان ۷۵

۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی ۷۷

۶. ضرورت پرچم داری تولید علم در جهان اسلام ۷۸

۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران ۸۰

الف) پیشداوری ۸۱

ب) جزمیت و جمود ۸۲

ج) هم رنگی با جماعت ۸۲

د) تلقین پذیری ۸۲

ه) تقلید ۸۲

و) شخصیت پرستی ۸۳

ز) تعصب ۸۳

ح) جدی نگرفتن زندگی ۸۳

ط) داشتن دیدگاه پست به کار ۸۳

ی) مصرفزدگی ۸۳

ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت ۸۴

۸. نگاه هدف مند و مولد به علم ۸۴

۹. پایگاه توسعه علمی ۸۶

۱۰. موانع توسعه علمی ۸۸

۱۱. راه کارهای توسعه علمی ۹۰

فصل دوم: انگیزه های تولید علم ۹۲

۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛ ۹۲

۲. کشف حقیقت؛ ۹۲

۳. دفاع از اندیشه دینی. ۹۲

۴. انجام دادن تکلیف ۹۳

۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی ۹۵

فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها ۹۶

۱. موانع تولید علم ۹۶



ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل ۹۷

ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان ۹۸

یک \_ نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها ۹۸

دو \_ زمینه ها و عوامل گریز نخبگان ۱۰۰

سه \_ فرار مغزها از ایران ۱۰۳

چهار \_ بسترسازی برای فعالیت نخبگان ۱۰۵

د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی ۱۰۸

ه) \_ عدم بومی سازی علوم غربی ۱۰۹

و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها ۱۱۴

ز) دیگر موانع تولید علم ۱۱۶

۲. راه کارهای عملیاتی کردن تولید علم ۱۱۹

الف) شناخت ظرفیت ها ۱۱۹

ب) آگاهی از نیازها ۱۱۹

ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی ۱۱۹

د) اولویت گذاری ۱۲۰

ه) \_ تقسیم کار ۱۲۰

و) ارتباط کشور با پژوهش ۱۲۰

ز) هماهنگی آموزش با پژوهش ۱۲۱

ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی ۱۲۱

ط) رهبری پژوهش ۱۲۱

ی) جذب و نگه داری نخبگان ۱۲۱

بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام(ره) و رهبری

درآمد ۱۲۵

فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام(ره) ۱۲۷

۱. عرصه های نوآوری ۱۲۷

۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری ۱۲۹

۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی ۱۳۱

۴. راه کارهای بلندمدت در تولید علم و نوآوری ۱۳۲

الف) آشناسازی جامعه با جلوه های مختلف فرهنگ بیگانه ۱۳۲

ب) شناخت و معرفی همه جانبه اسلام ۱۳۵

ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام ۱۳۶

د) نهادینه سازی فرهنگ تولید ۱۳۷

هـ) فعال سازی باورها و انگیزه های دینی جامعه ۱۳۹

فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری ۱۴۰

۱. تولید علم ۱۴۲

۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی ۱۴۴

۳. هدف های نهضت تولید علم ۱۴۶

۴. گستره تولید علم و نوآوری ۱۴۸

۵. موانع تولید علم ۱۵۱





ب) وجود افکار التقاطی ۱۵۲

ج) تحجر علمی ۱۵۲

د) هرج و مرج علمی ۱۵۳

ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی ۱۵۳

و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران ۱۵۴

ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی ۱۵۵

ح) غرب زدگی و مهره سازی ۱۵۵

۶. راه کارهای تحقق تولید علم و نوآوری ۱۵۶

الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم ۱۵۶

ب) ایجاد روحیه خودباوری ۱۵۷

ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی ۱۵۸

د) شکستن جزم گرایی و ابهت علوم غربی ۱۵۹

ه) تبیین آثار سوء مصرف گرایی ۱۵۹

و) نظریه پردازی ۱۶۰

ز) کاربردی کردن پژوهش ها ۱۶۲

فرجام سخن ۱۶۳

وظایف حکومت ۱۶۳

نهاد حوزه ۱۶۴

دانشگاه ۱۶۶

کتاب نامه ۱۶۹

الف) کتاب ها ۱۶۹

ب) نشریات ۱۷۲

**دیباچه**

## دیباچه

مدتی است که مقام معظم رهبری مدظله العالی، سکان دار حرکت تکاملی نظام اسلامی، موضوع تولید علم، نهضت نرم افزاری و نوآوری علمی را مهم ترین نیاز جامعه تشخیص داده و بارها در مجامع حوزوی و دانشگاهی بر ضرورت تحقق آن تأکید داشته است. امسال را نیز در طلیعه نوروز «سال نوآوری و شکوفایی»، نامیدند و به صراحت گفتند که امسال باید فضای نوآوری کشور را فرا بگیرد و همه مسئولان، خود را موظف بدانند با بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کارهای نو و ابتکاری و راه های میان بُر را در سایه مدیریت درست، دوران‌دیشی حکیمانه در فعالیت کشور وارد کنند تا کام مردم از ثمره این تلاش ها شیرین شود.

البته تحقق نوآوری و نهضت نرم افزاری با تبیین چرایی و چیستی آن پایان نمی پذیرد، بلکه برای به انجام رسیدن این نهضت عزمی جدی لازم است تا بر اساس راه کارهای ارائه شده، موانع تفکر خلاق و نوآوری از میان برداشته شود و هر یک به میزان سهم خود مشارکت فعالانه داشته باشند. رهبر فرزانه انقلاب در توصیه های چندین ساله خود، تنها به ارائه راه کارهای کلان بسنده نکرده، بلکه وظایف و مسئولیت های هر بخش اعم از حوزه، دانشگاه، پژوهش گران، نخبگان، مسئولان اجرایی و آحاد

مردم را برشمردند و عملی شدن این مهم را در پرتو همت و یاری همگانی ممکن دانسته‌اند، مشروط بر اینکه تشویق به حرکت جهادی در تولید علم صورت گیرد و با ایجاد روحیه خودباوری و خودآگاهی جمعی، جزم گرایی علوم غربی شکسته شود و با نظریه پردازی، عمل گرا کردن پژوهش‌ها، میدان‌دادن به جوانان محقق و تبدیل تولید علم و نوآوری به ارزش و باور عمومی، رهروان این راه دشوار به مقصود خود نزدیک شوند.

این مجموعه نیز با بررسی مفهوم خلاقیت و نوآوری و موانع تولید علم و ارائه راهبرد تولید علم و نوآوری از منظر امام رحمه الله و رهبر فرزانه انقلاب کوشیده است تا دست مایه ای مناسب فراروی برنامه ریزان و برنامه سازان ارجمند جهت تحقق رهنمودهای رهبر معظم انقلاب قرار دهد و امید است تلاش پژوهش‌گر ارجمند جناب آقای سیدحسین اسحاقی و جناب آقای حسین بهرامیان ارزیاب علمی اثر، مورد رضایت الهی، مقام عظمای ولایت و بهره برداران گرامی قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

## پیش‌گفتار

## پیش‌گفتار

سال ۱۳۸۷ را رهبر معظم انقلاب اسلامی سال «نوآوری و شکوفایی» نام‌گذاری کرده است. این اقدام که با هدف فرهنگ‌سازی و نشان‌دادن نقطه عزیمت کشور صورت گرفت، به اصول و تصمیم‌هایی نیازمند است که نوآوری و خلاقیت و پایان‌دادن به کلیشه‌ها و تکرارها، در صدر آن قرار دارد. بی‌تردید، نخستین مخاطبان این خواسته، مسئولان و دست‌اندرکاران کشور و سپس آحاد ایران اسلامی هستند که شایسته است در زندگی خود بیش از پیش دست به نوآوری بزنند.

نام‌گذاری سال‌ها از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۷۳ با تأکید بر مسئله «تقویت وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی» آغاز شده، از نام‌گذاری سال ۱۳۷۸ به نام «امام خمینی رحمه الله» شفاف‌تر و جدی‌تر ادامه پیدا کرد. بدین ترتیب، امسال نیز سال «نوآوری و شکوفایی» نام گرفت. البته نام‌گذاری سال‌ها امر بی‌سابقه‌ای در جهان نیست و برای نمونه، مجمع عمومی سازمان ملل نیز برای هر سال نامی را برمی‌گزیند؛ رویه‌ای که از سال ۱۹۷۵م. تاکنون ادامه داشته است. سال کودک، سال زنان و سال حقوق بشر از جمله این نام‌گذاری‌هاست. سازمان ملل، گاه پیشاپیش نیز به نام‌گذاری اقدام می‌کند. این سازمان بر اساس پیشنهاد

«یونسکو». در سال ۲۰۰۵م. و در اواخر سال ۲۰۰۷م. سال ۲۰۰۹م. را سال «نجوم» نامیده و هدف‌ها و برنامه‌هایی را نیز به همین مناسبت پیش‌بینی کرده و تدارک دیده است. باید دانست که نام‌گذاری امسال با عنوان، «نوآوری و شکوفایی» از سوی رهبر معظم انقلاب را باید سرلوحه و راه‌کار پیشبردی نظام قرار دهیم و این شعار را به فرهنگ تبدیل کنیم. استفاده از خلاقیت‌ها، تولید دانش و تکیه بر پژوهش، نویدبخش توسعه هرچه بیشتر کشور خواهد بود. نام‌گذاری سال ۱۳۸۷ با عنوان سال «نوآوری و شکوفایی» باهدف جذب، شناسایی و استعدادیابی و سامان‌دهی نخبگان جامعه، مناسب‌ترین نام‌گذاری برای امسال بوده است. نکته مهم این است که راه‌های عملیاتی شدن این هدف، یعنی نوآوری و شکوفایی چیست و چگونه اجرایی می‌شود؟ در این مسیر باید شکوفایی استعدادها، یعنی فرصت‌های ارزشمند و ثروت‌های گران‌قدر فکری را همچون دیگر موهبت‌های الهی از قوه به فعل تبدیل کرد و باید این فرصت‌ها را برای رفع مشکلات و موانع زندگی شخصی و اجتماعی به کار برد. نوآوری، درصنعت و فن‌آوری محدود نمی‌شود، بلکه در زمینه‌های گوناگون، تعیین‌کننده و مهم است.

در این سال، باید اراده ملی، ایمان و باور قلبی و عناصر زیربنایی تقویت شود و هم‌زمان، عوامل محدودکننده مانند منفی‌نگری، ناامیدی و نداشتن اعتماد به نفس در ابعاد ملی، از ادبیات عام و خاص به ویژه جوانان و محیط‌های علمی و آموزشی برچیده شود.

در این میان، سازمان آموزش و پرورش در پیشبرد این امر نقش عمده‌ای دارد. تشکیل شوراهای راهبردی و اتاق‌های فکر، به کار بستن روش‌های درست یادگیری و یاددهی و ارزش‌یابی تکوینی و تکمیلی، از جمله راه‌های کشف استعدادها بالقوه است. برای رسیدن به نوآوری،

نوزایی، طرح ایده‌های نو و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه، داشتن اعتماد به نفس ضروری است. نخبگان جامعه وظیفه دارند در همه عرصه‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با دیدی فراتر و بازتر به منظور تحقق این شعار گام بردارند و همگان برای رسیدن به هدف بلندمدت سرزمین خود، باید بر اساس تجربه‌ها و اندوخته‌های کشورها و دیگر ملت‌ها عمل کنیم و از پیشرفت آنان در حد لازم و درست بهره بگیریم.

نوآوری را، چه انجام دادن کار به گونه‌ای دیگر و یافتن محدوده‌های جدید بدانیم و چه خلاقیت بارور شده یا هر نوع دگرگونی در فن‌آوری، موضوعی است که تصمیم‌گیری درباره آن نیازمند روش حساب‌شده است. شاید این همان نکته‌ای است که رهبر معظم انقلاب هوشمندانه فرمود:

ما نمی‌توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف، جدی‌تر و با نهایت شتاب، اما حساب‌شده، منظم و منضبط به جلو برویم. و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین‌المللی از تمایز ظرفیت‌ها برای دست‌یابی به پیشرفت‌های بزرگ استفاده کنیم.

مهم‌ترین نوآوری‌ها را می‌توان در دو محور نوآوری در فرآیند و نوآوری در محصول، دسته‌بندی و در همه عرصه‌ها همچون فرهنگ، سیاست و اقتصاد برای آن برنامه‌ریزی کرد. مسئله مهم در این زمینه، شناسایی پیش‌نیازهای نوآوری است. کنجکاوی شجاعانه، نوگرایی و ایده‌پردازی از لوازم ضروری کار است. نگاه زنجیره‌ای داشتن به عنوان‌های سال‌های مختلف پیش از این و پس از این، می‌تواند حلقه کامل‌کننده جهت‌گیری باشد. بر این اساس، نوآوری و شکوفایی حلقه کامل‌کننده برخی از اولویت‌های سال‌های پیش مانند وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی،

پرهیز از اسراف، رعایت صرفه‌جویی، قناعت و پایداری، اقتدار ملی، اشتغال‌آفرینی، نهضت خدمت‌گزاری و اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. جمع‌بندی زود هنگام درباره عنوان سال بعد و تهیه پیوست‌های مختلف از جمله تبلیغی و اجرایی و تهیه روشی برای کنترل و ارزیابی اقدام‌ها و تأثیرات لازم، از جمله موضوع‌هایی است که می‌توان در این بخش به آن توجه کرد.

نام‌گذاری سال‌ها عاملی حرکت‌آفرین است برای کشورها تا به سوی پیشرفت و تعالی در هر حوزه‌ای، هدفمند گام بردارند. میزان شتاب در این حرکت به مسائل متعددی برمی‌گردد. در این میان، مسئولان کشور در همه رده‌ها در رأس آن عوامل قرار می‌گیرند. کشور ما با داشتن میلیون‌ها جوان خلاق و تحصیل‌کرده، توانایی بالقوه برای شکوفا ساختن و بالندگی کشور در بسیاری از عرصه‌ها را دارد. البته فعلیت بخشیدن به این توانایی‌ها بیش از هر چیز اهمیت دارد و هنر مسئولان نظام در این است که زمینه بروز خلاقیت در گروه خلاق، پر انرژی و پر شتاب کشور را فراهم آورند و مانع از دل‌سردی و وازدگی آنان شوند. ناگفته نماند ما عادت کرده‌ایم نتیجه فعالیت‌هایمان را نه در قالب کیفی، بلکه در قالب کمی و در حد آمار و ارقام ارائه کنیم. حال آنکه چه خوب است، سال جدید را سال توجه به کیفیت‌ها قرار دهیم.

در کنار این اقدام‌ها، باید امکان رشد و بالندگی افراد متخصص و البته متعهد را در نظام مدیریتی کشور هموارتر کرد. همه ما به مسئله گردش نخبگان آگاهیم، ولی به راستی تا چه حد اسباب و لوازم آن را فراهم کرده‌ایم. نباید نخبگان و جوانان خلاق در پیچ‌وخم بوروکراسی اداری خود دل‌سرد شوند و زمینه بروز خلاقیت خود را در کشورهای



دیگر جست‌وجو کنند. ضمن آنکه خبرهای موفقیت ایرانیان در کشورهای دیگر را که در حوزه‌های مختلف علمی منشأ خدمات انسانی هستند، گویای ضعف مسئولان در جذب و به‌کارگیری این گونه افراد است.

بهترین راه برای حل این مشکل، ارزش‌گذاری تخصصی این افراد است؛ زیرا پیشرفت و شکوفایی کشور در گرو دانش و عمل متخصصان و افراد تحصیل‌کرده‌ای است که هم‌اکنون خودکفایی را در بسیاری از زمینه‌ها به ارمغان آورده‌اند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

انتظار من در سال ۱۳۸۷ نوآوری در بخش‌های مختلف دستگاه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و خدماتی کشور از جمله در دیپلماسی، حرکت به سمت علم و تحقیق، گسترش فرهنگ مطلوب در ارائه خدمات به همه قشرها به خصوص قشرهای محروم، در آبادانی کشور است.

... انتظارات مردم در سال جاری این است که فعالیت‌هایی که در سال‌های گذشته انجام شده و کارهایی که دولت در سال‌های اخیر انجام داده، به نتیجه و شکوفایی برسد و کام مردم از نتیجه این فعالیت‌ها و تلاش‌ها شیرین شود. بنابراین امسال را سال نوآوری و شکوفایی می‌نامم.

ایشان اظهار امیدواری کردند که در سال نوآوری و شکوفایی، در همه بخش‌ها به ویژه حوزه و دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی، از همه تجربه‌ها و اندیشه‌ها برای خلاقیت و نوآوری استفاده شود.

شایان ذکر است در گردآوری و تنظیم این اثر از سایت‌ها و منابعی که در پایان پژوهش آمده است، بهره برده‌ایم.



## بخش اول: ویژگی‌ها و راه‌های پرورش خلاقیت و نوآوری

### اشاره

بخش اول: ویژگی‌ها و راه‌های پرورش خلاقیت و نوآوری

زیر فصل‌ها



با پیشرفت روزافزون دانش و فن آوری و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارت‌هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فن آوری به پیش برود. هدف باید پرورش انسان‌هایی باشد که بتوانند با ذهنی خلاق با مشکلات روبه‌رو شوند و به حل آنها پردازند. به گونه‌ای که انسان‌ها به خوبی با یکدیگر بتوانند ارتباط برقرار کنند و با بهره‌گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو، مشکلات را از میان بردارند. امروزه مردم ما نیازمند آموزش خلاقیت‌پروری هستند تا با خلق افکار نو به سوی یک جامعه سعادت‌مند گام بردارند.

رشد فزاینده اطلاعات، سبب شده است هر انسانی از تجربه و دانشی بهره‌مند باشد که دیگری فرصت کسب آنها را ندارد. از این رو، به جریان‌انداختن اطلاعات برگرفته از دانش و تجربه در میان انسان‌ها یکی از راه‌های موفقیت در دنیای امروز است. هیچ کس نمی‌تواند به اطلاعات نهفته در گوشه ذهن هر کس پی ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت در می‌آید که انگیزه‌ای قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می‌شود. در این مرحله، سرنوشت انسان‌ها برای یکدیگر مهم است و در جهت رشد یکدیگر می‌کوشند و در نهایت، جریانی از دانش و تجربه‌ها میان آنها جاری می‌شود که همین امر، زمینه ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود.

یکی از عوامل مؤثر در بروز خلاقیت در یک جامعه، زمینه سازی و بستر سازی در میان انسان‌ها به منظور ایجاد فرهنگی است که در آن، همگان برای رشد دادن دیگری می‌کوشند و با اثر گذاری بر روی یکدیگر به پیشرفت جامعه کمک می‌کنند.

یکی از شرایط لازم برای پدیدار شدن افکار نو، وجود آرامش برای مغز است. به همین خاطر، لازم است انسان‌ها بکوشند در جامعه شرایطی را پدید آورند تا در بستر آن، مغز بیندیشد و تکامل یابد و سبب ساز افکار نو شود و شرایط برای سازندگی در جامعه فراهم شود. با افزایش سپرده گذاری‌های اخلاقی، می‌توان شرایط را برای شکل گیری محیطی آرام بخش در جامعه فراهم کرد. در مقابل، کاهش سپرده گذاری‌های اخلاقی در جامعه سبب می‌شود که زمینه برای گسسته شدن روابط اجتماعی گسترش یابد و با سست شدن پیوندهای اجتماعی، شرایط لازم برای بروز خلاقیت در جامعه سخت تر می‌شود؛ زیرا فرصتی برای اندیشیدن وجود نخواهد داشت.

## فصل اول: کلیات

### اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. تعریف خلاقیت

۲. تعریف نوآوری

۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

۵. فرصت‌های خلاقیت

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

۷. امکان تقویت خلاقیت

۸. اصول خلاقیت

### ۱. تعریف خلاقیت

### اشاره

۱. تعریف خلاقیت

برخی از تعریف‌های مهم درباره خلاقیت عبارتند از:

خلاقیت یعنی تلاش برای ایجاد یک تغییر هدفدار در توان اجتماعی یا اقتصادی سازمان؛

خلاقیت به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر، یا مفهوم جدید است؛

خلاقیت یعنی توانایی پرورش یا به وجود آوردن یک انگاره یا اندیشه جدید در بحث مدیریت، مانند به وجود آوردن یک

خلاقیت عبارت است از طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه طی شده قبلی به شکلی نوین.

### **الف) خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی**

الف) خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی

خلاقیت یکی از جنبه‌های اصلی اندیشیدن است. تفکر، عبارت است از فرآیند بازآرایی یا دگرگونی اطلاعات و نمادهای موجود در حافظه درازمدت.

بر اساس این تعریف، خلاقیت با قوه تخیل یا توانایی تصویرسازی ذهنی ارتباطی مستقیم دارد. این توانایی عبارت است از فرآیند تشکیل تصویرهایی از پدیده‌های ادراک شده در ذهن. بر این اساس، خلاقیت عبارت است از:



— فرآیند یافتن راه‌های جدید برای انجام دادن بهتر کارها؛

— توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسائل؛

— ارائه فکرها و طرح‌های نوین برای تولیدات و خدمات جدید و ادامه دادن آن حتی پس از نبود آن پدیده‌ها.

### **(ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی**

(ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی

خلاقیت یعنی ارائه فکر و طرح نوین برای بهبود و افزایش کمیت یا کیفیت فعالیت‌های سازمان؛ برای مثال افزایش بهره‌وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه‌ها، ارائه تولیدات یا خدمات از روش بهتر، رسیدن به تولیدات یا خدمات جدید و...

روبرت جی استرنبرگ و لیندا ای اوهارا در بررسی‌های خود، شش عامل را در خلاقیت افراد مؤثر دانسته‌اند:

الف) دانش: داشتن دانش پایه‌ای در زمینه‌ای محدود و کسب تجربه و تخصص در سالیان بسیار؛

ب) توانایی عقلانی: توانایی ارائه ایده خلاق از راه تعریف مجدد و برقراری ارتباطات جدید در مسائل؛

ج) سبک فکری: افراد خلاق معمولاً در برابر روش ارائه شده از سوی سازمان و مدیریت ارشد، سبک فکری ابداعی را برمی‌گزینند؛

د) انگیزش: افراد خلاق برای به فعل درآوردن ایده‌های خود برانگیخته می‌شوند؛

ه) شخصیت: افراد خلاق ویژگی‌های شخصیتی‌ای مانند؛ پی‌گیر بودن، مقاوم بودن در برابر فشارهای بیرونی و داخلی و نیز مقاوم بودن در برابر وسوسه هم‌رنگ جماعت شدن دارند؛

و) محیط: افراد خلاق در داخل محیط‌های حمایتی بیشتر امکان ظهور می‌یابند.

این محققان مشخص کردند که عمده‌ترین دلیل کارآیی نداشتن برنامه‌های آموزش خلاقیت، تأکید صرف این برنامه‌ها بر اندیشه خلاق به عنوان

یکی از شش منبع مؤثر در خلاقیت است. جایی که دیگر عوامل نیز نقشی بسزا در موفقیت و شکست برنامه‌های آموزش خلاقیت ایفا می‌کنند.

جورج اف نلر در کتاب هنر و علم خلاقیت برای خلاقیت، مراحل چهارگانه آمادگی، نهفتگی، اشراق و اثبات را ذکر کرده است. از این دید، افراد خلاق نخست با مسئله یا یک فرصت آشنا شده و سپس از راه جمع‌آوری اطلاعات با مسئله یا فرصت موردنظر درگیر می‌شوند. در مرحله بعد، افراد خلاق روی مسئله تمرکز می‌کنند.

در این مرحله، فعالیت سودمندی صورت نمی‌گیرد و فرد در نظم دادن به اندیشه‌ها، تجربه‌ها و زمینه‌های پیشین خود با هدف رسیدن به یک ایده نو می‌کوشد. درگیری ذهنی عمیق فرد، خودآگاه و ناخودآگاه، فراهم کردن فرصت برای اندیشیدن بر هر مسئله به خلق و ظهور ایده‌ای نو می‌انجامد. در نهایت، فرد خلاق درصدد برمی‌آید صلاحیت و پتانسیل ایده خویش را به اثبات برساند.

## ۲. تعریف نوآوری

### ۲. تعریف نوآوری

نوآوری یعنی خلاقیت آشکار شده و به مرحله عمل رسیده. به عبارت دیگر، نوآوری یعنی اندیشه خلاق تحقق یافته؛ ارائه محصول، فرآیند و خدمات جدید به بازار؛ به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید.

## ۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

### ۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

خلاقیت، بیشتر یک فعالیت فکری و ذهنی است و نوآوری، بیشتر جنبه عملی دارد. در حقیقت، محصول نهایی عمل و اندیشه خلاق تحقق یافته نوآوری است. نوآوری، مهارتی است که با بسیاری همکاری‌های دیگر همراه است. نوآوری، به دگرگونی‌های عمده در زمینه پیشرفت‌های فنی یا ارائه تازه‌ترین مفاهیم مدیریت یا شیوه‌های تولید گفته می‌شود. نوآوری،

پدیده‌ای چشم‌گیر و جنجالی است. نوآوری، پدیده‌ای نادر است که تنها عده‌ای خاص به آن می‌رسند. به عبارتی نوآوری، خلق چیز جدیدی است که هدفی معین را دنبال و به اجرا می‌رساند. بنابراین، به طور کلی نوآوری به هر گونه ایده جدید برای یک سازمان یا یک صنعت یا یک ملت یا در جهان گفته می‌شود. اگرچه واژه خلاقیت با نوآوری مترادف به کار می‌رود، به عقیده بیشتر پژوهش‌گران، دو اصطلاح نوآوری و خلاقیت مفهومی جداگانه دارند؛ خلاقیت، به آوردن چیز نو به مرحله وجود اشاره دارد، در حالی که نوآوری، بر آوردن چیزی نو به مرحله استفاده دلالت دارد.

میان نوآوری و تغییر نیز، تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال تغییر می‌تواند به بهبود رضایت شغلی یک فرد اطلاق شود، در حالی که نوآوری نتیجه و اثری بیش از یک فرد را در بر می‌گیرد و تأثیر آن، ورای دپارتمان ایجادکننده آن است. در تحقیق دیگری تغییر، ایجاد هر چیزی است که با گذشته تفاوت داشته باشد. اما نوآوری ایجاد ایده‌هایی است که برای سازمان جدید است. از این رو، تمام نوآوری‌ها می‌توانند منعکس‌کننده یک تغییر باشند، در حالی که تمام تغییرها، نوآوری نیستند. تغییر نتیجه‌ای از فرآیند خلاقیت و نوآوری است.

تغییر سازمانی، به عنوان اتخاذ یک فکر یا رفتار جدید به وسیله سازمان مشخص می‌شود، ولی نوآوری سازمان، اتخاذ یک ایده یا رفتار است که برای نوع وضعیت، سازمان، بازار و محیط کلی سازمان جدید است. اولین سازمانی که این ایده را معرفی می‌کند، به عنوان نوآور در نظر گرفته می‌شود و سازمانی که کپی می‌کند، یک تغییر را اتخاذ کرده است. بر اساس این تعریف‌ها، خلاقیت لازمه نوآوری است. اگرچه در عمل نمی‌توان این دو را از هم متمایز ساخت. می‌توان تصور کرد که خلاقیت بستر رشد و پیدایی نوآوری‌هاست. خلاقیت، پیدایی و تولید یک اندیشه و فکر نو است، در حالی که نوآوری، عملی ساختن آن اندیشه و فکر است. از خلاقیت تا نوآوری راهی طولانی در

پیش است و تا اندیش\_های نو به صورت محصولی یا خدمتی جدید درآید، زمانی طولانی می‌گذرد و تلاش‌ها و کوشش‌های بسیار به عمل می‌آید. گاهی ایده و اندیشه‌ای نو از ذهن فرد می‌تراود و در سال‌های بعد آن اندیشه نو به وسیله فرد دیگری به صورت نوآوری، در محصول یا خدمت شکوفا می‌شود. خلاقیت، به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو اشاره دارد و نوآوری، به معنای کاربردی ساختن آن افکار نو و تازه است.

#### ۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

##### اشاره

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

متغیرهای «ساختار سازمانی»، «فرهنگ» و «توانایی منابع انسانی» در ایجاد نوآوری مهم‌ترین عوامل اثرگذار هستند.

#### الف) ساختار سازمانی

الف) ساختار سازمانی

بر اساس پژوهش‌های گسترده، با توجه به متغیرهای ساختاری می‌توانیم سه گزاره را بیان کنیم. نخست اینکه ساختارهای مکانیکی، اثری مثبت بر نوآوری دارند؛ زیرا تخصص کاری آنها پایین‌تر است و قوانین کمتری دارند. همچنین انعطاف‌پذیری، قدرت سازگاری و بارور کردن را که پذیرش نوآوری‌ها را آسان‌تر می‌کند، بالا می‌برد. دوم اینکه دسترسی آسان به منابع فراوان، عامل کلیدی نوآوری است. فراوانی منابع، به مدیران این توانایی را می‌دهد که بتوانند برای نوآوری هزینه کنند و شکست‌ها را بپذیرند. در نهایت، ارتباط میان واحدها با سرعت بخشیدن در کنش متقابل خطوط سازمانی، به شکستن سدهای احتمالی در برابر نوآوری مدد می‌رساند. البته هیچ‌یک از این سه متغیر نمی‌تواند وجود داشته باشد، مگر اینکه مدیران ارشد به این سه عامل متعهد باشند.

#### ب) فرهنگ سازمانی

ب) فرهنگ سازمانی

سازمان‌های نوآور، فرهنگی مشابه دارند. آنها تجربه کردن را تشویق می‌کنند، به موفقیت‌ها و به شکست‌ها پاداش می‌دهند و از اشتباه‌ها تجربه کسب می‌کنند. یک فرهنگ نوآور، هفت ویژگی دارد:

پذیرش ابهام؛ شکیبایی در امور غیر عملی؛ کنترل‌های بیرونی کم؛ بردباری در سختی‌ها؛ شکیبایی در برخوردها؛ تأکید بر نتایج تا بر وسایل و تأکید بر نظام باز.

سازمان، از نزدیک محیط را کنترل می‌کند و فوری به دگرگونی‌ها آن‌گونه که اتفاق می‌افتند، پاسخ می‌دهد.

### ج) متغیرهای منابع انسانی

ج) متغیرهای منابع انسانی

در مقوله منابع انسانی درمی‌یابیم که سازمان‌های نوآور، فعالانه به امر آموزش و توسعه دانش اعضای خود به گونه‌ای روزآمد می‌پردازند. برای کارکنان خود امنیت شغلی در سطح عالی فراهم می‌آورند تا ترس از اخراج به خاطر اشتباه را کاهش دهند و به افراد جرئت می‌دهند که تغییرپذیر باشند. زمانی که اندیشه‌ای جدید تکامل می‌یابد، پیشتازان تغییر، فعالانه و با شور و شوق، اندیشه مطرح‌شده را پرورش می‌دهند و از آن حمایت می‌کنند. در نتیجه، بر مشکلات چیره می‌شوند و اطمینان می‌دهند که نوآوری به مرحله اجرا در خواهد آمد.

### ۵. فرصت‌های خلاقیت

۵. فرصت‌های خلاقیت

فرصت‌های خلاقیت در چهار گروه اعم از یک گروه فرصت داخلی و سه گروه فرصت‌های خارجی دسته‌بندی شده‌اند. گروه فرصت داخلی عبارت است از ۱. وقایع غیرمنتظره: مانند شکست‌ها یا موفقیت‌های پیش‌بینی نشده، ناسازگاری‌ها و نیازهای فرآیندی و دگرگونی‌های لازم در صنایع و بازارها و سه فرصت خارجی در محیط علمی و اجتماعی سازمان نیز عبارتند از: ۲. تغییرات جمعیتی، ۳. تغییر نگرش و ۴. دانش جدید.

### ۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

بر اثر خلاقیت و نوآوری امور زیر تحقق می‌یابند:

رشد و شکوفایی استعدادها و هدایت به سوی خودشکوفایی؛ موفقیت‌های فردی، شغلی و اجتماعی؛ پیدایش سازمان؛ تولیدات

خدمات؛ افزایش کمیت، گونه‌گونی تولیدات و خدمات؛ افزایش کیفیت تولیدات و خدمات و موفقیت در رقابت؛ کاهش هزینه‌ها، تباهی‌ها در منابع؛ افزایش انگیزش کاری کارکنان سازمان؛ افزایش سطح بهداشت روانی و رضایت شغلی کارکنان سازمان؛ افزایش بهره‌وری سازمان؛ موفقیت مجموعه مدیریت و کارکنان سازمان؛ رشد و بالندگی سازمان؛ تحریک و تشویق حس رقابت؛ کاهش بوروکراسی اداری «کاهش پشت میزنشینی و مشوق عمل‌گرایی»؛ تحریک و فراهم کردن عوامل تولید.

## ۷. امکان تقویت خلاقیت

### ۷. امکان تقویت خلاقیت

در گذشته، همه بر این باور بودند که خلاقیت را نمی‌توان تقویت کرد. چنین دیدگاهی نه تنها میان مردم، بلکه میان دانشمندان هم وجود داشت. با وجود آنکه در بیست سال اخیر، این دیدگاه هم کاملاً تغییر یافته، ولی هنوز ابهام و تردید زیادی در باب این مسئله وجود دارد.

افرادی که تفکری به طور ذاتی رادیکال دارند، تقویت و پرورش خلاقیت را هم ممکن نمی‌دانند. اما بر اساس دیدگاه‌های رئالیستی، پتانسیل‌های خلاقیت در افراد مختلف را می‌توان شناسایی و تا حد اکثر ممکن تقویت کرد. بنابراین در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان خلاقیت را تقویت کرد؟ باید بگوییم بله، این کار ممکن است. البته پرورش خلاقیت را نمی‌توان از ویژگی‌های ذاتی خلاقیت افراد آغاز کرد، بلکه باید به تقویت پتانسیل‌های خلاقانه آنها روی آوریم.

بسیاری از کارشناسان معتقدند عوامل ایجاد خلاقیت، شامل تنها یک درصد الهام و ۹۹ درصد انگیزه است و در این باره، اگر زمینه‌های بروز و نمود توانایی‌های افراد فراهم شود، انگیزه‌های آنها هم فرصت و میدان لازم برای شکل‌گیری را پیدا خواهند کرد.

اولین عاملی که در این میان مورد توجه کارشناسان بررسی خلاقیت قرار می گیرد، «شناخت» است. اگر شناخت را از راه مدل های پردازش اطلاعات و حل مسئله در ذهن افراد بررسی کنیم، به عملیات انتقال اطلاعات، ذخیره اطلاعات و اجزای پنهان دیگر هم توجه خواهیم کرد.

اتخاذ استراتژی های مناسب برای تشویق ایده های اصیل و جدید و تشویق دیگران به استفاده از راه های اکتشافی برای رسیدن به شناخت (مثل مقایسه، تطبیق و ترکیب اجزای مختلف) هم می تواند به عنوان راه مؤثری در این زمینه مطرح شود.

دومین عامل را می توان «عاطفه و احساسات افراد» دانست. این امر اهمیت زیادی دارد؛ زیرا معمولاً کار خلاقانه برای خود شخص هم معنی خاصی دارد. تکنیکی که برای آگاه ساختن فرد خلاق از اهمیت کارش به کار می رود، این است که راه استفاده کاربردی و عملی از کار خلاقانه او فراهم شود و مزایای این کار در جامعه و نیز برای شخص، تأکید شود. در چنین شرایطی، احساسات فرد برای پی گیری ایده خلاقانه هم بیشتر می شود.

عامل سوم به دیدگاه فرد خلاق در مورد خلاقیت برمی گردد. اگر او به توانایی خود در شکل دادن به ایده هایش ایمان داشته باشد، بنیان روان شناسانه انگیزه های او به شدت تقویت می شود. پرهیز از اظهارنظرهای دل سردکننده و نیز تلاش برای ارائه بازخوردهای مثبت به ایده های خلاقانه، در این باره اهمیت زیادی می یابد و باور فرد خلاق به خودش را افزایش می دهد.

توانایی فرد خلاق برای به کرسی نشاندن ایده های خود در جامعه و نیز توانایی او برای همکاری با دیگران در این عرصه، عامل چهارم است که در این باره باید بدان توجه شود. همکاری با دیگران و استفاده از ایده های احتمالی آنها هم می تواند به تقویت خلاقیت کمک کند. ارائه آزادی عمل به

اعضای گروه موجب می شود، آنها از لحاظ اجتماعی احساس راحتی کنند و راه برای همکاری مؤثر آنها با فرد خلاق هموار شود.

عامل پنجم که از مهم ترین عوامل نیز هست، «شرایط محیطی و اجتماعی» است که فرد خلاق در آن زندگی می کند. تحمل، مدارا و فراهم آوردن امکانات لازم برای فرد خلاق، عاملی است که هرگز نمی توان آن را نادیده انگاشت. محیط مناسب، خود، به شکل گیری ایده های جدید و پرورش پتانسیل های خلاقانه کمک می کند و انگیزه های فرد خلاق را به شدت تقویت می کند. اگر صبور باشید و ضمن توجه به این عوامل، به توانایی فرد خلاق ایمان داشته باشید، کمک شایانی به پرورش ایده های جدید خواهید کرد.

## ۸. اصول خلاقیت

### اشاره

#### ۸. اصول خلاقیت

#### زیر فصل ها

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

اصل دوم: همه ایده های جدید هم سنگ نیستند

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می شود

### اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

یک ایده جدید می تواند به نظریه جدید، یک محصول جدید، یک راه حل جدید برای یک مسئله یا یک مفهوم جدید برای یک اثر هنری باشد. ارائه یک چیز جدید، یعنی خلق یک چیز متمایز و خاص. نکته کاربردی اینجا این است که برای خلاق بودن باید آمادگی انحراف از سنت ها و روزمره گی ها را داشته باشیم. بسیاری از افراد به پیروی از راه کارها عادت کرده اند و از کشف و چالش با هر چیز جدیدی می ترسند. کشف چیزهای جدید، جسارت و روحیه ای جست و جوگر و کنجکاو می طلبد.

اما این ایده های جدید از کجا می آیند؟ جواب این است: ایده های جدید، در واقع همان ایده های قدیمی هستند که ترکیب و ترتیبی جدید یافته اند.



چگونه ما از ایده های قدیمی ایده های جدید می سازیم؟ واقعیت این است که ایده ها از عناصری تشکیل شده اند و ما دنبال ترکیب های جدیدی می گردیم که با پیوند دادن ایده های مختلف به هم، حذف بعضی عناصر و

جای گزین کردن آنها با عناصری دیگر به دست می‌آیند. برای مثال ایده تلفن همراه را در نظر بگیرید؛ این ایده از ترکیب ایده انتقال بی سیم اطلاعات و ایده تلفن حاصل شده است.

اصل اول، مفهوم تلویحی دیگری هم دارد و آن اینکه عناصر خلاقه به ذخیره اطلاعاتی ای بستگی دارد که برای «بازآرایی» در اختیار داریم. هرچه دامنه اطلاعاتی شما محدودتر باشد، منابع کمتری برای خلق ایده‌های جدید (عناصر کمتری برای ترکیب کردن) خواهید داشت. به همین دلیل است که کنجکاوی روشنگرانه و کسب دانش، به تقویت نیروی خلاقه کمک می‌کند. نیز از همین روست که برای حل مسائل مختلف، مشورت کردن با افراد مختلف با تخصص‌های متفاوت، مفید واقع می‌شود.

### اصل دوم: همه ایده‌های جدید هم‌سنگ نیستند

اصل دوم: همه ایده‌های جدید هم‌سنگ نیستند

خلاقیت، تنها خلق ایده‌های جدید نیست؛ خلاقیت ارزشمند، خلق ایده‌های جدید و مفید است.

خلاقیت را می‌توان به دو نوع کاربردی و هنری تقسیم کرد. خلاقیت هنری شامل خلاقیت در آثار هنری و بیان احساس هنرمند در قالب‌های مختلف هنری است. گرچه تفکر قضاوت‌کننده، با خلاقیت هنری متضاد نیست، اما تقویت تفکر قضاوت‌کننده، به طور قطع به تقویت تفکر خلاق هنری نمی‌انجامد. در حالی که تفکر قضاوت‌کننده، در فرآیند خلاقیت کاربردی ضروری است.

خلاقیت کاربردی، مانند طراحی یک محصول یا ارائه یک نظریه علمی، دو مرحله دارد. نخست ایده‌سازی، دوم ایده‌سنجی. تفکر قضاوت‌کننده در اینجا به ما کمک می‌کند، بسنجیم که هر یک از این ایده‌های جدید تا چه حد عملی و سودمند هستند.

بعضی معتقدند که میدان دادن به تفکر قضاوت کننده به تفکر خلاق آسیب می زند و آن را محدود می کند. در این مورد باید گفت که لازم نیست همیشه قضاوت کننده باشیم. در واقع باید دو مرحله ای عمل کنیم. نخست میدان را به تفکر خلاق بدهیم و بدون ارزش یابی و محدودیت به طرح ایده های جدید پردازیم. سپس در مرحله دوم با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت ها به ارزش یابی ایده ها پردازیم.

### **اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می شود**

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می شود

ذخیره اطلاعاتی ما منبع عناصر سازنده ایده های جدید ما را تشکیل می دهد. با این حال نباید فراموش کرد که گاهی ایده های سودمند، از منابع غیرمنتظره می آیند. بنابراین، اگر می خواهیم خلاق باشیم، باید خود را برای کشف روابط میان امور مختلف و حتی شاید به ظاهر بی ربط آماده کنیم. این در درجه اول، یعنی اینکه باید دامنه اطلاعاتی خود را گسترش دهیم. افراد خلاق عموماً افرادی هستند که زیاد می خوانند، بسیار کنجکاو و معمولاً به اکتشاف در موضوع هایی مصمم هستند که ممکن است بلافاصله نتیجه ندهند. در درجه دوم باید مطمئن شویم روند مطالعه ما به درک عمیق از ارتباط میان مفاهیم کلیدی می انجامد. مطالعه، تنها به معنی از بر کردن قطعه هایی از اطلاعات بی ربط نیست. ما باید اطلاعاتی که داریم، از جنبه های مختلف و به گونه ای سازمان مند بررسی کنیم تا به شناخت عمیق تری از آنها دست پیدا کنیم.

## فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان

### اشاره

فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان

زیر فصل ها

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

۲. اصول کلی پرورش خلاقیت

۳. دیگر روش‌های پرورش خلاقیت

۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت

۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

### ۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

محیط مساعد برای ایجاد رفتارهای خلاق را می‌توان از راه‌های متفاوت به وجود آورد و باید آن را بر اساس اصولی که به رفتار خلاق منجر می‌شود و تحقیقات مختلف آن را تأیید کرده است، بنا کرد. محیط یا جوی که به تحقق چنین هدفی می‌انجامد، باید شامل سه عامل اصلی باشد که عبارتند از:

۱. عامل فیزیکی؛

۲. عامل عقلانی؛

۳. عامل عاطفی؛

برای رسیدن به این هدف، به موارد زیر باید توجه داشت:

الف) تشویق کودک به داشتن نظریه‌های نو؛

ب) تشویق حس کنجکاوی کودکانه؛

ج) توجه به خود شکوفایی؛

د) ایجاد اعتماد به نفس در کودک؛

هـ) آزادی روانی؛

و) عدم ارزش یابی فرد با معیارهای خارجی؛

ز) پذیرش بدون قید و شرط کودک.

موانع رشد خلاقیت می تواند شامل موارد زیر باشد: عدم اعتماد به نفس؛ محافظه کاری؛ متعهد نبودن؛ وابستگی و جمود فکری؛ تمایل به هم‌زندگی و هم‌گونی؛ توانایی نداشتن در تحمل ابهام و تضاد؛ نداشتن پیچیدگی ذهنی لازم برای بررسی مسائل؛ استفاده نکردن از دو نیمه کره مغز؛ نداشتن تمرکز ذهنی؛ مقاوم نبودن؛ کم‌رویی و نداشتن انعطاف پذیری؛ اضطراب؛ تحقیر و خفقان که در ذیل به سه مورد زیر پرداخته شده است.

الف) اضطراب: هیچ چیز مثل اضطراب خلاقیت کش نیست. اضطراب، روند فکری را مختل می کند؛ جریان فکر را به یک نقطه ثابت می دوزد و از حرکت باز می دارد، به گونه‌ای که جریان فکری تمرکز خود را از دست می دهد. در سنین کودکی، بچه‌ها اضطراب پذیرند. اضطراب به تدریج در کودکان شروع می شود و در دوره‌های بعدی و میان‌سالی، یکی از عوامل آزاردهنده انسان به حساب می آید.

ب) تحقیر: مربیان و والدین این نکته را مد نظر داشته باشند که اگر کودک تحقیر شود، نمی تواند از خود خلاقیت نشان دهد. تحقیر کردن یعنی جلوی پرواز را گرفتن. تحقیر سبب می شود که جرئت و جسارت از کودک گرفته شود. تحقیر کردن، به معنای کشتن شخصیت کودک است و در مجموع، تحقیر یکی از عوامل بازدارنده خلاقیت کودکان به شمار می آید.

ج) خفقان: ترس و خفقان، عاملی برای جلوگیری از تفکر و محرومیت کودک از تخیل و محرومیت او از خلاقیت است. مربیان و والدین باید در موقعیت‌هایی که به دست می آورند، کودک را به دور از محیط خفقان آور، مورد آموزش و تربیت قرار دهند؛ زیرا این امر فراهم آوردن زمینه‌های بروز خلاقیت در کودک است.

## ۲. اصول کلی پرورش خلاقیت

### اشاره

#### ۲. اصول کلی پرورش خلاقیت

همه روان شناسان پرورشی و متخصصان آموزشی معتقدند که توانایی های آفریننده و شیوه های فکری واگرا را می توان به افراد، به ویژه به کودکان و نوجوانان، آموزش داد. ما اینجا به طور خلاصه به چند اصل کلی برای پرورش خلاقیت اشاره می کنیم.

#### الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص

الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص

سؤالاتی برسید که با چرا و چگونه آغاز می شوند، نه کجا و چه کسی و چه وقت. سؤال هایی طرح کنید که جواب های متعدد داشته باشند. سؤال هایی که تنها یک جواب دارند، به تفکر هم گرا منجر می شوند. سؤال هایی که جواب های متعددی را در یادگیرنده بر می انگیزانند، شوق تفکر واگرا و آفرینندگی است.

#### ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول

ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول

از سؤال های غیرمعمول که از دانش آموزان طرح می کنند و شما از عهده جواب آنها بر نمی آید، نهراسید. به آنها کمک کنید و با همکاری یکدیگر به جست و جو برای یافتن جواب این سؤال ها پردازید.

#### ج) قرار دادن فرصت هایی برای خود آموزی و یادگیری اکتشافی

#### د) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان

گورتزل پس از بررسی شرایط پرورشی ۴۰۰ نفر از افراد برجسته قرن بیستم، تأثیر شرایط پرورشی آموزشگاه ها و روش آموزشی معلمان را بر رشد توانایی های خلاق در کودکان به گونه زیر بیان داشته است. «معلمانی که بیش از معلمان دیگر مورد احترام و علاقه افراد نخبه مورد مطالعه ما قرار داشتند، معلمانی بودند که به این افراد امکان می دادند تا متناسب با توانایی هایشان پیش بروند. فرصت فعالیت کردن در موضوع های

دل خواهشان را به آنها می دادند و آنها را به تفکر وا می داشتند و کتاب های مهیج به آنها معرفی می کردند».

### **ه) سرمشق قراردادن رفتارهای آفریننده برای کودکان**

یلون و نیستاین در این مورد گفته اند: «دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی پس از مشاهده رفتارهای خلاق نشان داده شده در یک فیلم یا از سوی معلم، رفتارهای خلاق از خود نشان داده اند».

### **و) استفاده از روش ها و فنون ویژه بالا بردن سطح آفرینندگی**

معروف ترین این روش ها روش بارش مغزی است. در این روش معلم مسئله ای را به دانش آموزان می دهد و از آنها می خواهد تا هر چه راه حل برای مسئله به ذهنشان می رسد، بگویند. معلم دانش آموزان را برای دادن راه حل ها و اظهارنظرهای مختلف تقویت می کند، ولی پیش از ارائه تمامی راه حل ها از سوی دانش آموزان، درباره آنها هیچ گونه اظهار نظری نمی کند.

روش آموزش دیگری که به بالا- بردن سطح فعالیت های خلاق یادگیرندگان منجر می شود، آموزش مهارت های پژوهشی است. آموزش مهارت های پژوهشی به طرح و آزمودن فرضیه از سوی یادگیرندگان کمک می کند. روش های درست طرح فرضیه و آزمون فرضیه به وسیله کودکان به ایجاد طرز تفکر آفریننده در آنها منجر می شود.

افزون بر روش های فوق، روش مطالعه آفریننده نیز روش مؤثری در آموزش خلاقیت است. تورنس و هارمون نشان داده اند که می توان به کودکان آموزش داد تا مطالب را به طور آفریننده بخوانند. آنها در این باره راهنمایی های زیر را در اختیار دانش آموزان قرار داده اند:

وقتی که به خواندن مطالب یک کتاب می پردازید، به مورد استفاده های مختلف اطلاعاتی که در آن کتاب به آنها برمی خورید، بیندیشید. خیلی اهمیت دارد به راه هایی که می توانید اطلاعات خوانده شده را در زندگی شخصی و حرفه ای خود به کار ببندید، فکر کنید.



تنها به این سؤال اکتفا نکنید که مؤلف چه می گوید؛ از خود بپرسید که چگونه می توانم آنچه را نویسنده نوشته است، مورد استفاده قرار دهم. تنها به یک مورد اکتفا نکنید، تا آنجا که می توانید موارد استفاده بیشتری را بیابید و بعضی از آنها را برای مصارف آینده خود یادداشت کنید. ممکن است مدتی وقت لازم باشد تا این نوع مطالعه کردن را بیاموزید. با این حال، مایوس نشوید. بعد از دو سه روز خواهید دید که می توانید این روش مطالعه را به راحتی به کار ببندید.

### ۳. دیگر روش‌های پرورش خلاقیت

#### اشاره

۳. دیگر روش‌های پرورش خلاقیت

زیر فصل‌ها

الف) تجربه

ب) بازی‌های فکری

ج) صنایع دستی

د) هنرهای زیبا

ه) مطالعه

و) نویسندگی

ز) حل خلاق مسائل روزمره

#### الف) تجربه

الف) تجربه

تجربه‌هایی که هر شخص از سر می‌گذراند، مواد و مصالح ایده‌پردازی را تشکیل می‌دهند. سفر کردن و تماس‌های شخصی با افراد مختلف به خصوص کودکان، در این مورد بسیار مفید است.

#### ب) بازی‌های فکری

## ب) بازی های فکری

حل معما، جدول و بازی های مختلف فکری، ذهن ما را در جهت تفکر خلاق تمرین می دهد. در جریان بازی های فکری هرچه از دستورات عمل ها و عادت ها پرهیز کنیم و برای رسیدن به هدف از روش های جدید و جسورانه استفاده کنیم، هم لذت بازی و هم کارآمدی آنها بیشتر می شود.

## ج) صنایع دستی

### ج) صنایع دستی

کارهای دستی مثل: سبده سازی، تکه دوزی، تکه چسبانی، منبت کاری و مدل سازی، تمرین های مفیدی جهت تقویت نیروی خلاقه هستند، چنانچه طراحی کاردستی را نیز خودمان انجام دهیم سودمندتر خواهد بود.

## د) هنرهای زیبا

### د) هنرهای زیبا

خلق اثری هنری، عین خلاقیت است: نقاشی کردن، آهنگ سازی، مجسمه سازی و نمایش، به صورت حرفه ای هم که نباشد برای تقویت نیروی خلاقه بسیار مفید است.

**ه ( مطالعه**

ه) مطالعه

مطالعه قدرت تصور را تغذیه می کند. برای آنکه از مطالعه حداکثر استفاده را ببریم، ضمن انتخاب مطلب مناسب باید بکوشیم با آن به صورت فعالانه برخورد کنیم و نه فقط به عنوان تماشاچی. داستان هایی که مقداری از مطالب را به تصور خواننده واگذار می کنند، برای چنین منظوری بسیار مناسب اند. همچنین خواندن بیوگرافی ها می تواند بسیار پربار باشد. مطالعه باید با تعمق همراه باشد. در این صورت، ایده ها \_ بیشتر به وسیله عبارت هایی که کاملاً با فکر خلاق حاصله نامربوط است \_ به خاطرمان سرازیر می شوند. نیز یادداشت برداری در ضمن مطالعه، به فرآیند ایده جویی کمک می کند.

**و) نویسندگی**

و) نویسندگی

بر اساس آزمایش های علمی «روان بودن در نویسندگی»، شاخصی اساسی در سنجش استعداد خلاقیت ارزیابی شده است.

یک تمرین ساده و مؤثر در این زمینه این است که تصاویری را از روزنامه ها و مجله ها دریاورید و سعی کنید بر اساس آنها متن خودتان را بنویسید. حتی زیرنویس نوشتن برای عکس های آلبوم های اینترنتی تان را می توانید به یک تمرین خلاقه تبدیل کنید.

از نتایج مثبت و بلاگ نویسی هم یکی همین تمرین خلاقیت از طریق نویسندگی است.

**ز) حل خلاق مسائل روزمره**

ز) حل خلاق مسائل روزمره

بکوشید مسائلی را که در طول روز با آنها روبه رو می شوید، از طریق روش های خلاقه حل کنید. حتی با امور عادی و پیش پا افتاده ای مثل تمیز کردن اتاق و چیدن وسایل هم می توانید برخوردی خلاقانه داشته باشید.

#### ۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت

##### ۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت

بررسی و مطالعه زندگی انسان‌های خلاق، حاکی از آن است که هنگامی خلاقیت به شکوفایی می‌رسد که شخص بتواند بین آنچه در درون دارد و آنچه از محیط می‌آموزد، ارتباط برقرار کند. بدین معنا که طبیعت یا فطرت، با تربیت هماهنگ باشد. بنابراین، برای رشد و گسترش خلاقیت، باید مربیان تربیتی به نکته‌های زیر توجه کافی داشته باشند؛ سوالات بحث‌انگیز مطرح کنند؛ از وسایل کمک آموزشی بهره بگیرند؛ ارتباط مسائل درسی را با واقعیت‌های زندگی بیان کنند؛ از محرکات مختلف مثل تصاویر و نمودار استفاده کنند؛ به تخیلات دانش‌آموزان اهمیت دهند؛ اعتماد به نفس دانش‌آموزان را تقویت کنند؛ در دانش‌آموزان احساس آرامش ایجاد کنند، مطالب درسی را با مطلب قبلی و تجربه‌های دانش‌آموزان تنظیم کنند؛ به فعال بودن دانش‌آموزان در جریان درس توجه کنند؛ فرصت فکر کردن به دانش‌آموزان بدهند؛ تحقیق و جست‌وجو را تقویت کنند؛ به درک و فهمیدن بیش از حفظ کردن اهمیت دهند؛ به افکار و عقاید دانش‌آموزان احترام بگذارند؛ از پاسخ‌های عجیب و بی‌ربط دانش‌آموزان ناراحت نشوند و از استقبال کنند؛ به کیفیت یادگیری اهمیت بدهند؛ روش بحث و گفت‌وگو را انتخاب کنند؛ برخی مواقع از خود دانش‌آموزان بخواهند مسائلی را مطرح کنند؛ به راه‌ها و جواب‌های مختلف توجه کنند، نه اینکه فقط یک راه حل مشخص و معین را مدنظر داشته باشند و قدرت تجزیه و تحلیل و انتقادی بودن را در دانش‌آموزان رشد دهند.

روش تدریس معلم از نکته‌های مهم در امر پرورش خلاقیت است. بنابراین، روش تدریس او باید اکتشافی و فعال باشد، یعنی روش‌هایی را

به کار بندد که دانش آموزان را به فعالیت وادارد، جلسه‌های بحث و گفت‌وگو تشکیل دهد و آن را با مسائل روبه‌رو سازد. معلم باید دانش آموزان را به خطرپذیری معقول تشویق کند. منظور از خطرپذیری، به مخاطره انداختن زندگی نیست. دانشمندی همچون شکسپیر (نمایش نامه نویس) داستایوسکی (داستان‌نویس) و پیکاسو (نقاش) با خطرپذیری، به چنین موفقیت‌هایی دست یافتند. بنابراین شکبایی و صبر در برابر شکست را باید به دانش آموزان آموخت.

دانشمندان، دنیا را فقط سیاه و سفید نمی‌بینند و فعالیت‌هایشان را به صورت «قانون همه یا هیچ» تنظیم نمی‌کنند. آنها بارها عقیده و سبک خود را تغییر می‌دهند و بارها آثارشان را بازمینی می‌کنند تا نتیجه مطلوبی بگیرند و هیچ‌گاه آن را تکمیل شده نمی‌پندارند.

به دانش آموزان باید فرصت آزمایش و خطا داد و نباید به خاطر اشتباه در شیوه تفکر، آنها را تنبیه و جریمه کرد. برخی مواقع پاسخ دانش آموزان فقط به خاطر آنکه مورد انتظار معلم نیست و با اندیشه او هم‌خوانی ندارد، اشتباه تلقی می‌شود. در صورتی که خطا، زمینه‌ساز چالش فکری و ابزاری برای تکوین اندیشه است. از این‌رو، به دانش آموزان باید اجازه داد از خطا کردن نهراسند؛ زیرا همه افراد خطا می‌کنند و بهتر است آنها شهامت، شجاعت، تهور و جوشش فکری برای ابداع و خلاقیت داشته باشند و هنگام اشتباه به جای تنبیه و سرزنش، هدایت و ارشاد شوند.

## ۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

### ۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

۱. تلاش‌های قبل از بلوغ برای حذف خیال بافی؛

۲. محدودیت‌های بازدارنده قوه تدبیر و کنجکاوی کودکان؛

۳. تأکید زیاد بر پیش‌گیری (نحوه پاسخ‌گویی کودکان به مسائلی که مستلزم چاره‌اندیشی فرد هنگام قرار گرفتن در وضعیتی بن‌بست است، نشان می‌دهد که تأکید بر پیش‌گیری قوه تصور، بسیاری از کودکان را از رشد بازداشته است؛

۴. القای ترس و کم‌رویی؛

۵. تأکید بر مهارت‌های کلامی.

خطری که استعداد خلاق فرد را تهدید می‌کند، قضاوت یا ارزیابی تجربه فرد نیست، بلکه پیش داوری است که به تبع آن، تجربه‌های بسیاری را در حوزه دریافت را نمی‌یابند. خطری که آموزش‌های معمول چه در خانه و چه در مراکز آموزشی در بردارند، این است که نظرات نو و احتمال وقوع اعمال جدید، خیلی زود و بیش از اندازه انتقاد می‌شوند.

## فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری

### اشاره

فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری

زیر فصل ها

۱. ویژگی های خلاقیت

۲. ویژگی های افراد خلاق

۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری

۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری

۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته

۷. موانع خلاقیت

۸. روش هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده های بزرگ در ذهن

۹. ویژگی های سازمان خلاق

۱۰. سازمان و تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی

۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت

### ۱. ویژگی های خلاقیت

۱. ویژگی های خلاقیت

الف) خلاقیت می تواند خلق شکل ها یا صورت های جدیدی از ایده ها یا تولیدات پیشین باشد. در این صورت، به طور عمده، فکرها و ایده های گذشته اساس خلاقیت های تازه است.

ب) خلاقیت، امری است انحصاری و بیش تر حاصل تلاش فرد. بدین معنا، فرد ممکن است چیزی را خلق کند که قبلاً هیچ

گونه سابقه ذهنی از آن نداشته است، اگر چه آن چیز را به صورت‌های مشابه یا کاملاً یکسان، شخص دیگری در موقعیت خاصی کرده باشد.

ج) خلاقیت امری است توسعه‌پذیر و به عبارت دیگر، همه افراد توانایی خلاقیت را دارند.

د) خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کنکاش رشد می‌کند.

هـ) خلاقیت از طریق حساسیت در درک مسائل، قابل توسعه است.

و) اندیشه تخیلی و اندیشه عمیق، موجب برانگیختگی قدرت خلاقیت می‌شود.

ز) خلاقیت با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است. از این رو، برخورداری از اعتماد به نفس قوی برای رشد خلاقیت امری کاملاً ضروری است.



ح) خلاقیت کنجکاوی و تمایل برای دانستن و تجربه امور تازه یا ناشناخته است، از این رو، به کنجکاوی افراد، به خصوص کودکان باید بها داد.

ط) اندیشه ها و پیشنهادهای خلاق کودکان و دانش آموزان باید تشویق شود و زمینه ظهور آن فراهم آید.

ی) برای ظهور خلاقیت، شرایط محیطی باید به گونه ای باشد که اشتباه کردن، تجربه کردن و ریسک کردن در آن مجاز باشد.

## ۲. ویژگی های افراد خلاق

### اشاره

#### ۲. ویژگی های افراد خلاق

پیش از ذکر ویژگی های افراد خلاق و نوآور باید گفت کسی که زندگی خلاق دارد، احساس توان مندی را در خود پرورش می دهد. با مهر و محبت، ناکامی ها را می پذیرد و نیروهایش را در راه تحقق اهدافی که دارد بسیج می کند. ایام گران بهای عمر را به بطالت تباه نمی کند. خوب می داند که بی کاری و وقت گذرانی و به فراغت پرداختن بیش از اندازه، اسباب آزردهی خاطر می شود. انسان خلاق، دل بسته مادیات نیست. اتومبیل های گران قیمت و لباس های فاخر و خانه های مجلل ممکن است خوب باشند، اما برای او اصل نیستند. انسان خلاق، سعادت را در لقب ها و زندگی در محله های مشهور و خوش آب و هوا جست و جو نمی کند. انسان خلاق، از سرگرمی های انفعالی فاصله می گیرد. از انگاره های انفعالی حذر می کند و علاقه مند و بانشاط در جهت هدف هایش گام برمی دارد. به قدری محو زندگی است که فرصتی برای خودخواهی پیدا نمی کند و جان کلام آنکه، مشتاق و هدف گراست. احساس جوانی دائم دارد؛ احساسی که همه به آن نیاز دارند و متأسفانه بیشترشان از آن محروم هستند. اگر چنین است، زمان برنامه ریزی است، زمان ایجاد تصویر ذهنی سالمی است که اساس زندگی خلاق است، زمان شروع و شروع هرگز دیر نیست.

افراد خلاق یک سری ویژگی‌ها دارند که این ویژگی‌ها را می‌توان با درجه‌های متفاوت در همه افراد جامعه شاهد بود. خلاقیت به اثر سستی و کم‌کاری، راکد می‌ماند، ولی هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. بنابراین، باید سعی شود این ویژگی‌ها پرورش داده شوند تا خلاقیت دچار رکود نشود.

### **الف) سلامت فکر و روان**

الف) سلامت فکر و روان

افراد خلاق، افرادی هستند که از سلامت روانی برخوردارند. این افراد قادرند فکر، اندیشه و حرف‌های تازه را پشت سر هم مطرح کنند، بدون اینکه دچار رکود شوند.

بهره‌مندی از ذهنی سالم، باز و گشوده این امکان را برای قوه خلاقه فراهم می‌کند تا از آنچه می‌خواهد تصویر روشنی بیافریند. سرانجام، عملی منشأ موفقیت و پیروزی است که در ورای آن اندیشه‌ای سالم نهفته باشد، همان‌گونه که ورزش عضلات را قوی‌تر و سالم‌تر می‌کند، تفکر، مطالعه کتاب‌های خوب و مفید و نگارش تجربه‌ها، افکار و منش‌ها نیز سبب تقویت و سالم‌تر شدن روان و ذهن می‌شود و درنهایت، موجب باروری و شکوفایی خلاقیت می‌شوند.

### **ب) انعطاف پذیری**

ب) انعطاف پذیری

یعنی توانایی کنار گذاشتن چارچوب‌های ذهنی گذشته و توانایی دیدن اندیشه‌های جدید و بررسی افکار نو و پذیرش مناسب‌ترین و کارآمدترین باورها.

### **ج) ابتکار**

ج) ابتکار

یعنی به پشتوانه اندیشه سالم، ذهنی پویا و منعطف در هر زمان بتوان پیشنهاد تازه‌ای را یافت و ارائه داد. ارائه پیشنهاد جدید، خود، نوعی از خلاقیت و نوآوری است. انسان‌های خلاق، چشمه جوشانی از پیشنهاد‌های سازنده و مفید هستند.

**(د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی**

(د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی

افرادی که خلاقیت ندارند و تمایلی به بروز چنین امری را از خود نشان نمی‌دهند، هرگز سراغ سختی‌ها نمی‌روند و همواره در جست‌وجوی راه‌های بی‌دغدغه و آسان هستند، به گونه‌ای که معمولاً راه‌های پیموده شده را انتخاب می‌کنند و علاقه‌ای به خطر کردن و پذیرش وظایف سنگین را ندارند. این افراد خواهان سایبان امنیتی ساخته شده به دست دیگران هستند، در حالی که افراد خلاق و مبتکر همواره در تلاش و تکاپو هستند و به هر کور سویی رضایت نمی‌دهند و در جست‌وجوی منشأ نور می‌باشند.

بنابراین، پیچیدگی‌ها را انتخاب می‌کنند و به دنبال یافتن راه حلی ساده برای آنها هستند، ولی افرادی که تمایل به خلاقیت ندارند، به جای پرداختن به ریشه، خود را با برگ‌ها و شاخه‌ها سرگرم می‌کنند و با رفتن به سراغ مسائل ساده خود را قانع و ارضا می‌کنند.

**(ه) استقلال رأی و داوری**

(ه) استقلال رأی و داوری

افراد خلاق بر خلاف افرادی که تمایلی به خلاقیت ندارند، انسان‌هایی پیرو و دنباله‌رو نیستند و به دنبال تکیه‌گاهی در عالم بیرون نیستند تا به او چنگ بزنند، بلکه این افراد، صاحب فکر، اندیشه، سبک و روشی خاص هستند. آنها همواره مطیع بی‌چون و چرای مسئول بالاتر و افراد بانفوذ نیستند از جمع پیروی نمی‌کنند، بلکه بر اساس باورها و الگوی ذهنی خود و بر اساس منطق حاکم بر امور، استقلال رأی و قضاوت دارند.

**(و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند**

(و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند

افراد خلاق همیشه و در هر شرایطی ذهن و نیروی خود را بر یک موضوع ویژه متمرکز می‌کنند و به دنبال دستیابی به هدفی والا و بلندمرتبه هستند و با این عمل، بر قله رستگاری و موفقیت تکیه می‌زنند. همانند متمرکز شدن نور توسط ذره بین در یک نقطه و یا تمرکز لیزر در

یک نقطه که حتی در فولاد هم نفوذ می‌کند. اما انسان‌هایی که از خلاقیت کمتر برخوردارند، اهداف و مسئولیت‌های متعددی را برمی‌گزینند و در هیچ زمینه‌ای به طور کامل توفیق حاصل نمی‌کنند.

شاید با اندک تفکر مثال‌هایی از مدیران و مسئولان در محیط اطراف خود بیابیم که با قبول چندین مسئولیت و توانایی نداشتن در تمرکز روی یک نقطه، مدیر موفقی نبوده‌اند و یا برعکس. باید بدانیم که دست‌یابی به اهداف همواره در فضای ذهنی روشن و متمرکز و با ایستادگی و پشتکار میسر می‌شود.

### **(ز) کنجکاوی**

(ز) کنجکاوی

افراد خلاق حتی اگر به درجه‌های بالایی علمی برسند، در درون خود آرام و قرار نداشته و در جست‌وجوی دانستنی‌های بیشتری هستند. اگر راهی را که انتخاب کرده‌اند به نتیجه نرسد یا پی‌آمد خوشایندی نداشته باشد، به جای آنکه دست از فعالیت بردارند و افسوس بخورند، بیشتر می‌کوشند تا آن را به نتیجه مطلوب برسانند. افراد خلاق بیشتر یادگیرنده هستند تا یاددهنده و در همه حال کنجکاو.

### **(ح) اعتماد به نفس**

(ح) اعتماد به نفس

افراد خلاق انگیزه فراوانی برای رشد و پیشرفت و موفقیت دارند. از خودشان راضی هستند و به خود اعتماد لازم را دارند. آنها گرچه در زندگی با مسائل و مشکلات روبه‌رو هستند، به حل آنها ایمان دارند. افراد خلاق از خود تنفر ندارند و از هر لحظه زندگی لذت می‌برند.

### **(ط) داشتن هدف در زندگی**

(ط) داشتن هدف در زندگی

افراد خلاق در زندگی خود احساس پوچی، بی‌هدفی و خلأ ندارند. آنها احساس می‌کنند که به دنیا آمده‌اند تا رسالتی بزرگ را به انجام برسانند، از این رو، وقت خود را تلف نمی‌کنند. افراد خلاق زندگی را دوست دارند.

**(ی) زندگی کردن با توجه به حال**

(ی) زندگی کردن با توجه به حال

افراد خلاق به جای آنکه زندگی را در گذشته و آینده جست‌وجو کنند، به حال توجه دارند و از آن لذت می‌برند. این افراد همیشه و در همه حال از زندگی لذت می‌برند؛ زیرا انتظار برای لذت بردن در آینده نابخردانه است.

**(ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران**

(ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران

این افراد به تأیید دیگران نیازی ندارند. بر عکس، بیشتر مردم که در پی کسب افتخارات هستند، آنها به این مسئله که عملکردشان به تأیید و پسند دیگران برسد یا اینکه همه اعمال آنها تحسین شود یا خیر، توجهی ندارند.

**(ل) انرژی فراوان**

(ل) انرژی فراوان

افراد خلاق انرژی و نیروی فراوانی دارند؛ زیرا نسبت به کار خود و به‌طور کلی زندگی هیجان خاصی دارند. البته توان و نیروی مافوق طبیعی ندارند، بلکه انرژی آنان حاصل عشق به زندگی است.

**(م) تنوع طلب بودن**

(م) تنوع طلب بودن

افراد خلاق از یکسان بودن و تغییرناپذیر بودن گریزانند. آنها دوست دارند در زندگی تغییر و تنوع ایجاد کنند و از یک رنگ بودن راضی نیستند.

**(ن) نگرشی مثبت داشتن**

(ن) نگرشی مثبت داشتن

افراد خلاق مثبت و سازنده هستند. تظاهر نمی‌کنند و دروغ گو نیستند. آنها واقع بین هستند و از مکر و ریا در زندگی بیزارند. همیشه نیمه پر لیوان را می‌بینند و کمتر به نقاط منفی می‌نگرند. آنان به آینده امید دارند.

## س) برخورد صحیح با مشکلات

س) برخورد صحیح با مشکلات

افراد خلاق با مسائل و مشکلات به درستی برخورد می کنند. آنها قهرمان پرست نیستند. آن قدر مشغول فعالیت و سازندگی در زندگی خود هستند که وقت خود را بیهوده صرف سرزنش و ملامت دیگران

نمی‌کنند. در مقابل مشکلات ناله و شکوه سر نمی‌دهند، بلکه برمی‌خیزند و به زندگی می‌پردازند. لحظات زندگی را صرف سازندگی و شکوفایی می‌کنند و مشکلات را از طریق عقل و منطق حل می‌کنند.

### ۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری

#### ۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری

مراحل خلاقیت ممکن است به فعالیت قوه درک و خرد انسان یا مراحل مجزا ولی به هم پیوسته تعریف شود که انسان را به ره‌یافت‌هایی هدایت کند. نویسندگان و صاحب‌نظران، این مراحل را به گونه‌های مختلف مطرح کرده‌اند. فرآیند خلاقیت، به ترتیب در برگیرنده مراحل روبه‌رو شدن با ایده یا مشکل، شدت روبه‌رو شدن و رابطه روبه‌رو شدن با محیط است که فرد خلاق را دربر گرفته است. یکی از صاحب‌نظران مدیریت، فرآیند خلاقیت را از اندیشه تا عمل به سه مرحله: به وجود آوردن اندیشه، پرورش اندیشه و به کارگیری اندیشه تقسیم کرده است. وی مراحل خلاقیت عملی و اجرایی تری را که از پنج مرحله تشکیل شده است، پیشنهاد می‌کند. این مراحل به ترتیب عبارتند از: جذب اطلاعات؛ الهام؛ آزمون؛ پالایش و عرضه.

آلبرشت معتقد است که شخص خلاق، اطلاعات پیرامون خود را جذب می‌کند و برای بررسی مسائل، ره‌یافت‌های مختلفی را بررسی می‌کند. زمانی که ذهن فرد خلاق از اطلاعات خام انباشته شد، به طور محسوس ناشدنی شروع به کار می‌کند و پس از تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات، ره‌یافتی برای مسئله ارائه می‌کند.

### ۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری

#### اشاره

#### ۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری

نویسندگان مختلف، شرایط و زمینه‌های متفاوتی را برای بروز خلاقیت در نظر دارند. به هر حال، راه‌های عمده‌ای که می‌تواند محرک خلاقیت باشد، عبارتند از:

## الف) فضای خلاق

### الف) فضای خلاق

یکی از راه‌های مهم ظهور نوآوری، به وجود آوردن فضای محرک خلاقیت است. بدین معنی که مدیریت باید همیشه آماده شنیدن ایده‌های جدید از هر کس در سازمان باشد. در واقع، سازمان باید در جست‌وجوی این گونه‌ها فکرها باشد و تنها منتظر ارائه اندیشه جدید نماند. به کارگیری سیستم مدیریت استعداد ابزار مؤثری در سازمان به شمار می‌رود. مدیران با بهره‌گیری از این ابزار می‌توانند، مهارت‌های کارکنان مستعد را به گونه‌ای درست گسترش دهند. ممکن است شما با افراد مستعد زیادی برخورد کنید که در سازمانی مشغول به کارند، ولی نمی‌توانند نتایج قابل توجهی تولید کنند. این به خاطر فقدان سیستم مدیریت استعداد مناسب روی می‌دهد. سیستم مدیریت استعداد، چهار عنصر دارد: جذب استعدادها؛ حفظ استعدادها؛ اداره و مدیریت استعدادها و کشف کردن استعدادها.

## ب) دادن وقت برای خلاقیت

### ب) دادن وقت برای خلاقیت

مؤسسه‌ها برای این منظور می‌توانند دفتر مخصوصی را به هر یک از کارکنانی که شایستگی لازم را دارند، اختصاص دهند.

## ج) برقراری سیستم پیشنهادات

### ج) برقراری سیستم پیشنهادات

یکی از روش‌های ترغیب خلاقیت، برقراری سیستم دریافت پیشنهادات است. بدین ترتیب، روشی برای ارائه پیشنهادات فراهم می‌شود.

## د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت

### د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت

گاهی گروه خاصی از کارکنان برای نوآوری و خلاقیت استخدام می‌شوند و در بعضی از سازمان‌ها این گروه را واحد تحقیق و توسعه می‌نامند. این گونه واحدها وقت‌شان را صرف یافتن ایده‌های جدید برای ارائه خدمات یا ساختن محصول و فن‌آوری می‌کنند و گاهی فقط تحقیق انجام می‌دهند. این گونه پژوهش‌ها برای پیشرفت دانش، بدون تلاش برای یافتن کاربرد فوری آن



صورت می گیرد. البته بعدها این اندیشه های محض می تواند جنبه کاربردی داشته باشد. ولی امروزه پژوهش های کاربردی بیشتر معمول و مورد توجه است.

## ۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

### اشاره

۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

حس درونی تفکر، انسان را قادر می سازد شرایطی را که وجود خارجی ندارند، در درون ذهن شبیه سازی کند و به وی این امکان را می دهد تا در امکانات یکسان با دیگران، برای خود فرصت های بهتری بیافریند. در واقع، امور خلاقیت شاید بیشتر اکتسابی باشد تا فطری و می توان با آموزش هایی این توانایی را در خود افزایش داد. مجموعه عواملی که سبب تشدید و ترغیب فرد به نوآوری می شوند به عوامل تشدیدکننده تعبیر می شوند که خود، به دو بخش کلی انگیزه ها و ابزارها تقسیم می شوند که در اینجا توضیح داده می شوند.

### الف) انگیزه ها

#### اشاره

الف) انگیزه ها

انگیزه های ترغیب کننده به نوآوری، می توانند به ویژگی ها و زندگی خصوصی افراد مربوط باشد یا اینکه به اجتماع محل سکونت فرد بستگی داشته باشد که ما در اینجا دلایل بروز هر یک را بررسی می کنیم.

### یک \_ انگیزه های بیرونی

#### اشاره

یک \_ انگیزه های بیرونی

به همه انگیزه هایی که از جامعه به فرد القا می شوند گفته می شود که خود بر اثر موارد زیر ناشی می شوند:

### اول \_ بحران های جامعه

می دانیم سرچشمه خلاقیت، نیاز است. بیشتر مواقع اگر نیازی در زندگی بشر مشاهده نشود، الزامی به خلاقیت وجود نخواهد داشت. نیازهای بشر معمولاً به طور یک نواخت بروز می یابند، مگر در شرایطی استثنایی، مانند بحران های مختلف از جمله بحران های طبیعی چون سیل و زلزله و آتشفشان و توفان و همچنین بلایایی که خود انسان مسبب آنهاست که بارزترین آنها جنگ است. نوع و دلیل بروز یک بحران در اینجا مدنظر

نیست و آنچه حائز اهمیت است، هجوم سیل عظیمی از نیازها پس از وقوع بحران است که می تواند در جامعه سبب یک انقلاب فکری در نزد افراد گوناگون شود و به شکل نوآوری و خلاقیت بروز کند.

### دوم \_ سطح توقعات جامعه

دوم \_ سطح توقعات جامعه

جامعه ای که در آن سیر صعودی پیشرفت حاکم باشد، هر روز از طرف تک تک اعضای خود شاهد خلاقیت و نوآوری است. در این جامعه، نوآوری به قشر اندیشمند محدود نمی شود و همه مردم را در برمی گیرد، به گونه ای که حتی تبه کاران نیز در این جامعه هر روز به فکر خلق روشی نو در روند کاری خود هستند.

### دو \_ انگیزه های درونی

#### اشاره

دو \_ انگیزه های درونی

انگیزه هایی را که از درون شخص منشا می گیرند، انگیزه های درونی می نامند که شامل موارد زیر است:

### اول \_ استعداد ذاتی فرد

اول \_ استعداد ذاتی فرد

این امر حتی بدون وجود هر گونه محرک خارجی ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه صورت گیرد و با داشتن هوشی متوسط و آموختن راه های افزایش تفکر خلاق، در همه نیازهای زندگی به دست آید.

### دوم \_ نیازهای درونی

دوم \_ نیازهای درونی

گاهی اوقات افراد در خود نیرویی احساس می کنند که همواره آنان را وا می دارد که در جهت کمک به دیگران و ارتقای سطح زندگی در جامعه، دست به نوآوری بزنند. این افراد از هر جنس و سن و شغلی می توانند باشند. به عنوان مثال، خانمی در امریکا که از آگهی های تجاری تلویزیون ناراضی بود، آنها را مطابق با ذوق خود دوباره می نوشت.

### سوم \_ بحران های شخصی

بحران های شخصی نیز مانند بحران های جامعه، می توانند محرک بسیار قوی در امر نوآوری برای شخص باشند.

## ب) ابزارها

ب) ابزارها

برخی فاکتورهای تعیین کننده برای دستیابی به تفکر خلاق وجود دارند که می توان از آنها به عنوان ابزارهای نوآوری یاد کرد. این ابزارها عبارتند از:

اراده؛ اعتماد به نفس؛ شبیه سازی؛ تغییر؛ مجاورت؛ تشابه؛ تباین؛ استمداد از دیگران و کمیت.

## ۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته

### اشاره

۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت های خفته

با علم و اعتقاد به آنچه که در پی می آید، با عمل به آنها و با مداومت در انجام آنها، هر انسانی حتی با کم ترین درجه خلاقیت قادر است جرقه مقدس را شعله ور سازد و خلاقیت خفته را بیدار کند.

## الف) قبول وجود ذخیره بی کران خلاقیت در درون انسان

الف) قبول وجود ذخیره بی کران خلاقیت در درون انسان

باید پذیرفت و باور داشت که این گوهر نفیس و گران بها در وجود همه ما از ابتدای خلقت تعبیه شده؛ زیرا خداوند ما را نمایندگان خود در روی زمین نامیده است. این فلسفه و این ایمان، منشأ بیداری اندیشه، فکر و پیدایش خلاقیت است.

## ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای

ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای

برای جلا دادن و غبارروبی گنجینه بی کران هوش، حکمت و خلاقیت، باید از دایره ای که ما را در بر گرفته است؛ خارج شد. باید مرزبندی های کلیشه ای و تجویز شده را شکست و پا به دنیای بیرون نهاد و از بیرون به خزانه عظیمی که خداوند در وجود خلیفه خود نهاده است، نگریست و از آن نهایت بهره را جست.

## ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها

ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها

باید همواره در فکر خلق ایده های جدید و تراوش اندیشه های نو بود. نباید با قانع شدن به آنچه هست، در جا زد و موجبات رکود و افسردگی

را فراهم ساخت. باید همواره در انجام کارهای نو ظهور و جدید پیش قدم بوده و مداومت کرد.

### **(د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت**

(د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت

بروز و ظهور خلاقیت، نیازمند آمادگی است و این آمادگی، در سایه تمرین و افزایش آگاهی و مهارت میسر می‌شود. هر چه دامنه دانش و مهارت گسترده تر باشد، احتمال بروز خلاقیت، ابتکار و نوآوری نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، هر روز با مطالعه، تحقیق، کار و تلاش باید موقعیتی را فراهم آورد تا بیشترین بهره از قوه خلاقه برده شود.

### **(هـ) آرامش فکر و مثبت اندیشی**

(هـ) آرامش فکر و مثبت اندیشی

مثبت اندیشی و آرامش، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی خلاقیت انسان‌هاست. به گونه‌ای که آرامش و مثبت‌نگری، زمینه فعالیت نیم کره چپ مغز که مسئول کارکرد منطقی، آگاهانه و تجزیه و تحلیل است فراهم‌تر می‌کند. در حالی که استرس، منفی اندیشی و منفی‌نگری، ترس، دودلی و اضطراب، نیم کره چپ را از کار می‌اندازد و زمینه فعالیت نیم کره راست مغز را که مسئول احساسات و هیجانات است، مهیا می‌کند.

## **۷. موانع خلاقیت**

### **اشاره**

۷. موانع خلاقیت

عوامل و موانع را می‌توان به دو دسته کلی «فردی» (درونی) و «محیطی» (بیرونی) تقسیم کرد. منظور از موانع درونی، عواملی است که به ویژگی‌های شخصی فرد مربوط می‌شود و موانع محیطی، به موقعیت‌هایی اطلاق می‌شود که فرد در رابطه با دیگران دارد.

### **الف) موانع فردی**

الف) موانع فردی

یک \_ عادت: اگر فرد در حل مسائل روشی را انتخاب کند که فقط در یک چارچوب خاصی قرار گیرد و همیشه بخواهد طبق آن الگو مشکلات را حل کند، به آن عادت می‌کند و بدون تفکر و تعمق به حل

مسائل می پردازد. بنابراین، فکر را محدود می کند و به خلاقیت، که لازمه اش تفکر و تعقل است، نخواهد رسید.

دو \_ ترس از موفق نشدن: با توجه به این واقعیت که چنانچه نتایج به دست آمده از اعمال انسان ها موفقیت آمیز باشد، انسان تشویق می شود و در غیر این صورت، با تنبیه و توبیخ روبه رو می شود، انسان ها به دنبال اموری می روند که موفقیت به همراه داشته باشد. از این رو، از ریسک کردن که لازمه خلاقیت است، دوری می کنند که این، مانع خلاقیت و آزمایش راه های گوناگون است.

سه \_ انعطاف ناپذیری: یکی دیگر از موانع خلاقیت این است که افراد در چارچوب و قالب مشخصی فکر و عمل می کنند و به جنبه های مختلف توجه ندارند که این مسئله، سبب محدودیت فکری می شود. همچنین برخی مواقع، تعصب و پیش داوری، مانع ارزیابی صحیح می شود.

چهار \_ نداشتن اعتماد به نفس: در برخی مواقع، افراد از توانایی و استعداد بالایی برخوردارند، اما جرئت، شهامت و اعتماد به خود را ندارند و فکر می کنند نظر آنها اشتباه است و حتی از بیان آن خودداری می کنند. این نگرش سبب می شود خود را باور نکنند و احساس خود کم بینی، حقارت، کم رویی و به طور کلی، ویژگی های شخصیتی منفی پیدا کنند. نداشتن اعتماد به خویشتن، مانعی برای بروز خلاقیت است.

پنج \_ دوری از موقعیت های مبهم: در بسیاری موارد انسان ها از امور و موقعیت هایی که پیچیده و مبهم هستند، دوری می کنند و به دنبال روش ها و راه حل های مطمئن و بدون دردسر می گردند. ابهام و اشکال در امور را نمی پسندند و نمی خواهند ذهن خود را مغشوش سازند. حال آنکه توجه کردن به موقعیت های مبهم و پیچیده، از ویژگی های انسان های خلاق است.



**(ب) موانع بیرونی**

(ب) موانع بیرونی

یک \_ آداب و رسوم: در بسیاری از موارد، آداب و رسوم و سنن اجتماعی افراد را مجبور می سازد که طبق الگوها و خواسته‌های فکری و رفتاری جامعه خود عمل کنند و به غیر از آن فکر نکنند. این جبر اجتماعی و ایجاد محدودیت و سنت پرستی که برخی مواقع حتی با انحراف‌ها همراه است، تعصب خاصی را ایجاد می کند که مانع خلاقیت است و جلوی ایجاد الگوی تازه را می گیرد.

دو \_ هم رنگی: در برخی موارد افراد از اینکه با دیگران متفاوت باشند، هراس دارند. از این رو، رأی و عقیده خود را با دیگران هماهنگ می کنند و راهی را برمی گزینند که دیگران در آن مسیر باشند. این عامل سبب می شود آنان در چارچوبی عمل کنند که دیگران عمل کرده‌اند. بنابراین، جلوی ابتکار و خلاقیت که لازمه آن، پاسخ‌های غیر معمول است، گرفته می شود.

سه \_ قوانین و مقررات: گرچه رعایت قوانین و مقررات برای هر فرد واجب است تا نظم در جامعه حکم فرما باشد، برخی مواقع نداشتن انعطاف در قوانین، مانع رشد تفکر خلاق است. برای مثال، قوانین آموزشی در تعلیم و تربیت بدون توجه به تفاوت های فردی خود، مانعی برای بروز خلاقیت دانش آموز است.

چهار \_ شغل: برخی مواقع فعالیت های یک‌نواخت در شغل و حرفه سبب می شود که فرد به آن فکر نکند و از روی عادت به صورت مکانیکی بدون تعمق و تفکر، به امور زندگانی بپردازد. افزون بر آن، خستگی و کمبود وقت اجازه فکر کردن را به فرد نمی دهد. بنابراین، خلاقیت که از ویژگی های آن یکنواخت نبودن زندگی است، رعایت نشده و مسئولیت های اداری و شغلی جلوی خلاقیت فرد را می گیرد.

پنج \_ نگرانی و ترس از استقبال نشدن در اجتماع: امور خلاق که جنبه نوآوری دارد و تازه و جدید است، ممکن است نخست مورد توجه اجتماع قرار نگیرد و افراد از تحقیر و سرزنش ترس داشته باشند و دست از تفکر خلاق بردارند. تاریخ جهان بشر، چه بسیار دانشمندانی را به خود دیده است که بر تمسخر، تحقیر و توهین درآمده‌اند. بنابراین، ترس و نگرانی، مانعی برای خلاقیت است. این مسئله را در تعلیم و تربیت نیز می‌توان مشاهده کرد. تورنس می‌گوید:

در بیشتر کلاس‌ها دانش آموزی که یک ایده یا محصولی غیرعادی ارائه می‌دهد، در معرض یک خطر قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، دانش آموز باید خیلی شجاع باشد تا بر ایده اش پافشاری کند؛ زیرا این چنین ایده‌هایی را اغلب مسخره و احمقانه و عجیب قلمداد می‌کنند.

## ۸. روش‌هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده‌های بزرگ در ذهن

### اشاره

#### ۸. روش‌هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده‌های بزرگ در ذهن

خلاقیت، سبب بروز افکار بزرگ در انسان می‌شود. اما معمولاً سخت‌ترین مرحله، نقطه شروع است. افکار بزرگ ما را به سمت پیشرفت راهنمایی می‌کنند و فردایی روشن را برایمان به ارمغان می‌آورند. با به کارگیری اصول زیر می‌توان یک تجارت بزرگ و بی‌نقص راه انداخت. ما متأسفانه ذهن خود را به انجام این امور عادت نداده‌ایم. این امر سبب می‌شود تا توانایی خود را برای دامن دادن به تصورات و تخیلات از دست بدهیم و در نتیجه، قدرت تخیل خود را به کار نگیریم. به همین دلیل، فرصت‌های بی‌شماری را به آسانی از دست می‌دهیم. ایده‌های بزرگ، از محلی فرای باورهای شخصی نشئت می‌گیرند. باید به دوردست‌ها بنگرید و افکار متفاوت را آزمایش کنید تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنید.

عده‌ای با به کار نگرفتن ذهن خود، آن را به طرز وحشتناکی بی‌حس و کرخت می‌کنند. چنین رفتاری سبب می‌شود درخت افکار شما هیچ‌گاه به بار ننشیند.

### **الف) زیاد مطالعه کنید**

الف) زیاد مطالعه کنید

ذهن شما همانند بدن‌تان برای اینکه رشد پیدا کند و پرورش یابد، نیازمند تمرین و تحرک است و چه تمرینی بهتر از کتاب خواندن. بکوشید با افکار و عقاید انسان‌های موفق در طول تاریخ، آشنا شوید. شرح حال و تاریخچه زندگی هر یک از آنها را مرور کنید و از آن درس بگیرید. با مطالعه این کتاب‌ها می‌توان حدس زد که چگونه این افراد بزرگ ذهن خود را برای رسیدن به بهترین‌ها پرورش داده بودند. همچنین می‌توانید مجله‌هایی مانند «تجارت» و یا «اقتصاد روز» را نیز مطالعه کنید. با آگاهی از پیشنهادهای دیگران پیرامون مسائل مختلف، شما سطحی‌نگری را کنار می‌گذارید و با دیدی عمیق، به موضوع‌های مختلف می‌نگرید.

### **ب) فرصت‌هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید**

ب) فرصت‌هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید

شاید بروز بسیاری از مسائل را به شانس واگذار می‌کنید. تصور شما نادرست است. شاید بعضی مواقع حس می‌کنید که مغزتان اصلاً کار نمی‌کند و هیچ واکنشی از خود نشان نمی‌دهد. اما مواقعی هم وجود دارد که ذهنتان به قدری فعال است که می‌خواهید انیشتن را به رقابت دعوت کنید. تنها مشکل موجود این است که این زمان‌های طلایی، مواقعی که شما به آن نیاز دارید، ظاهر نمی‌شود. زمانی که ذهن در حال فوران است، تا آنجا که می‌توانید، به افکار خود پر و بال دهید. اجازه دهید افکارتان مثل آب آتش‌نشانی به بالاترین نقطه صعود کنند. هنگامی که برای پرواز کردن به ذهن خود فضا می‌دهید، او شما را به دوردست‌ها خواهد برد و نتایج شگفت‌انگیزی را به دست خواهد داد.

### ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید

ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید

هنگامی که افکار بی نظیر به ذهن شما خطور می کنند، از ذخیره کردن آنها اطمینان خاطر حاصل کنید. در این امر، به یادداشت های ذهنی اکتفا نکنید؛ زیرا ممکن است به دست فراموشی سپرده شوند. بکوشید همیشه یک دفترچه یادداشت و یا یک ضبط صوت به همراه داشته باشید. هنگامی که افکارتان در جایی ثبت شوند، شما به راحتی می توانید به آنها دست رسی پیدا کنید و آنها را به سرعت بکار ببندید. افکار بزرگ نیز مانند میوه ها فقط تا زمانی که تازه و شاداب باشند، قابل استفاده هستند.

### د) از افکار دیگران بهره بجوید

د) از افکار دیگران بهره بجوید

بهره جستن از افکار و عقاید دیگران نیز به نوبه خود، روشی مناسب برای گسترش ایده های شخصی شماست. افراد مختلف دیدگاه ها و چشم اندازهای متفاوتی دارند. توانایی های آنها مختلف است و پیشینه های متفاوتی دارند. کارکرد ذهن افراد منحصر به فرد است. با مطرح شدن یک بحث در میان جمع، آن قدر پیشنهادها و پیشنهادهای مختلف شنیده می شود که نیمی از آنها هرگز به ذهن شما نمی رسند. از این راه، شما می توانید با کوله باری سرشار از افکار متفاوت در جاده تصمیم گیری گام بردارید.

نسبت به نظر هیچ کس بی توجهی نکنید. شاید در نگاه اول احمقانه به نظر برسند، ولی شاید مانند صدف هایی باشند که در خود گوهرهای گران قیمتی را جای داده اند. درست نیست که درباره نظر دیگران به قضاوت بنشینیم، بکوشید به جای قضاوت های بیهوده، آنها را سبک سنگین کنید و در امور روزمره خود به کار ببندید.

### ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید

ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید

گاهی اوقات تنها چیزی که سبب می شود ذهن خسته شما را دوباره به کار اندازد، تغییر وضع ظاهری محیط اطرافتان است. اگر چشم انداز

پیرامون شما تغییر کند، ذهن شما نیز به صورت ناخودآگاه به سمت یک دیدگاه جدید تغییر جهت می‌دهد. اگر تمام مدت در پشت میز خود بنشینید، ذهن خود را در آن شرایط محدود می‌کنید و هیچ فضایی برای برانگیختگی او باقی نمی‌گذارید.

بنابراین، می‌توانید پیاده‌روی کنید، به باشگاه ورزشی بروید، کنار آب رود بنشینید و در کل به یک مکان جدید گام بگذارید تا ذهن شما نیز بتواند آزادانه به تمرین و تکاپو پردازد.

### **(و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید**

(و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید

ذهن کودکان، تروتازه و شاداب است. آنها جسور هستند و احساساتشان از راه فشارهای اجتماعی سرکوب نشده است. به جهان، با شگفتی می‌نگرند و مانند بزرگ‌ترها پاکی و معصومیت خود را از دست نداده‌اند. با کودکان، پیرامون مسائل مختلف صحبت کنید تا با نقطه نظر ساده و بی‌آلایش آنها آشنا شوید. اگر می‌خواهید مشکلی را حل کنید، نظر آنها را نیز جویا شوید. عقاید آنها شما را به تعجب وا می‌دارند. آنها قصد اثرگذاری بر دیگران را ندارند و همه چیز را تنها با اتکا بر پاکی و صداقت بیان می‌کنند.

از سوی دیگر، با افراد سال‌خورده و مسن نیز مشورت کنید. آنها مدت‌ها پیش، با تمام این مشکلات روبه‌رو شده‌اند و با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند. تجربه‌هایشان آن‌قدر سودمند و باارزش است که هیچ قیمتی را نمی‌توان بر روی آن گذاشت. پس آنها را دست کم نگیرید، با دیدگاه‌هایشان نسبت به زندگی آشنا شوید و از آنها درس بگیرید. به طور یقین، شما را به سوی جهت مناسب هدایت می‌کنند و از مشکلات در امان خواهید بود.

### **(ز) به رفیق خود مراجعه کنید**

(ز) به رفیق خود مراجعه کنید

همه ما دوستی داریم که به نظر می‌رسد توانایی پاسخ به تمام مسائل و مشکلات ما را دارد. پس چرا تنها درباره مشکلات شخصی از او کمک می‌خواهید؟ بد نیست گاهی درباره مسائل مهم‌تر نیز از او یاری بجوید.

### ح) به توانایی‌هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت بپردازید

ح) به توانایی‌هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت بپردازید

خیلی خوب است که به ذهن خود اجازه دهید آزادانه به گردش بپردازد. اما این گردش باید در حیطه دانش شما انجام پذیرد. اگر یک طراح هستید، لازم نیست راه حلی برای مشکلات اقتصادی پیدا کنید. افکار شما تنها در رشته‌ای که مهارت دارید، خوب کار می‌کنند و در دیگر رشته‌ها نتیجه‌ای مصیبت‌بار را به دنبال خواهند داشت. اگر به ورود به قلمرو دیگری نیاز دارید، بهتر است قبل از هر کار با یک متخصص مشورت کنید و اجازه انجام کلیه امور را به دست او بسپارید تا با استفاده از دانش و تخصص خود عمل کند.

### ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید

ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید

آیا با تمرین‌های رایج نویسندگان آشنایی دارید؟ آنها برای مبارزه با محدودیت‌ها یک روش بسیار جالب را برگزیده‌اند. فقط کافی است قلم را بر روی کاغذ بگذارید و هر آنچه را در ذهنتان است، بر روی کاغذ بیاورید. می‌توانید از مشکلات شروع کنید و به دنبال هیچ‌گونه ارتباطی در دست‌نوشته‌های خود نباشید. مهم نیست که تا چه حد عبث و نامعقول به نظر می‌رسند. بعدها می‌توانید مثل یک جدول تناوبی آنها را سازمان دهی کنید. در آخر نیز امکان دارد به چیزی دست پیدا کنید که بیهوده و بی‌ربط باشد. اما چیزی که در این مبحث حائز اهمیت است، این است که شما به ذهن خود اجازه غرق شدن در مسائل مختلف را داده‌اید و این خود، یک امتیاز محسوب می‌شود. هیچ‌کس نمی‌داند، شاید به نتیجه‌ای برسید که سال‌ها منتظر آن بوده‌اید.

### ی) ایده‌های گذشته را از نو بسازید

ی) ایده‌های گذشته را از نو بسازید

افکار شما مثل کامپیوتر هستند. هر چند وقت یک بار نیاز است که سخت‌افزار آن را ارتقا دهید. ایده‌های بزرگ گذشته را پیش روی خود بگذارید و بر روی آنها عملیات نوسازی انجام دهید. آنها را اصلاح کنید و برای بهبودی آنها تلاش کنید. ضمیمه‌های لازم را نیز برای تقویت

هرچه بیشتر به آنها بیفزایید. این کارها را می‌توان با نوشتن عقاید اولیه خود بر روی کاغذ و نظم دادن به آشفتگی ذهن‌تان انجام دهید. عالی به نظر می‌رسد، پس منتظر چه هستید؟ بهتر است در انجام آن بشتابید.

### **ک) از قدرت نهفته در درونتان یاری بخواهید**

ک) از قدرت نهفته در درونتان یاری بخواهید

آیا یک شیء، آهنگ، مکان یا یک شخص خاص وجود دارد که حضور یا تجسم او برای شما خوشایند باشد و به ذهن‌تان نیرویی برتر دهد. از هیچ تلاشی برای رسیدن به آن دریغ نکنید. تنها یک چنین چیزهایی هستند که شما را به سوی ابتکارهای نو رهنمون می‌سازند. از وجود آن بهره بجویید و اجازه دهید تا انوار طلایی آن به درون‌تان نفوذ کند و ذهن شما را در برگیرد.

### **۹. ویژگی‌های سازمان خلاق**

#### **اشاره**

۹. ویژگی‌های سازمان خلاق

زیر فصل‌ها

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد

ب) فرهنگ ارتقای بهره‌وری

ج) مدیران همیشه در صحنه

د) رقابت کامل و فشرده

ه) توجه به تمام و کمال به مشتری‌ها

و) امکان گردش شغلی

ز) فرهنگ کار تیمی

ح) امنیت شغلی

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی

ک) کارگروهي

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر

### **الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد**

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد

در این سازمان‌ها حفظ حرمت و شخصیت انسان‌ها از اصول اساسی شمرده می‌شود. در سازمان‌های خلاق، به کارکنان در مقام سرمایه‌های واقعی سازمان اعتماد و اطمینان می‌شود. اختیار لازم به آنها تفویض می‌شود و از نظرها و ایده‌های آنها در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، اجرا و ارزش‌یابی استفاده کامل می‌شود.

### **ب) فرهنگ ارتقای بهره‌وری**

ب) فرهنگ ارتقای بهره‌وری

سازمان خلاق، سازمانی است که در آن بستر لازم برای بهبود مداوم فعالیت‌ها مهیا است. کارکنان به درجه‌ای از رشد و تکامل رسیده‌اند که هر نقص و مشکلی را به عنوان فرصتی برای ارتقا می‌دانند و پیوسته در اندیشه و در عمل در حال بهبود مستمر فرآیندها هستند.

### **ج) مدیران همیشه در صحنه**

ج) مدیران همیشه در صحنه

در سازمان‌های خلاق، حصارهای ما میان مدیران و کارکنان شکسته شده و فاصله به حداقل رسیده است، به گونه‌ای که حضور و اثر مدیران را در جای جای سازمان می‌توان حس کرد. در این سازمان‌ها ارتباط افقی به



حداکثر رسیده و نزدیکی بی‌پیرایه و صمیمانه مدیران و کارکنان یک ارزش سازمانی است.

### **(د) رقابت کامل و فشرده**

(د) رقابت کامل و فشرده

در سازمان‌های خلاق کارکنان و مدیران بخش‌های مختلفی در قالب تیم‌های کاری و ارتقا، به فعالیت مشغول هستند. برای بهبود امور سازمان‌ها همواره در حال رقابتی سالم، فشرده و کامل در جهت رسیدن به نقص صفر و دستیابی به مأموریت و رسالت سازمانی می‌کوشند.

### **(ه) توجه به تمام و کمال به مشتری‌ها**

(ه) توجه به تمام و کمال به مشتری‌ها

در سازمان‌های خلاق، همه بر این اعتقاد هستند که وجود سازمان به خاطر مشتری‌هاست. بنابراین، در همه عرصه‌های مدیریت و اجرا حداکثر بهره از مشتری‌ها برده می‌شود. در این سازمان‌ها، سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی دقیقی به منظور رساندن صدای مشتری به درون سازمان انجام می‌پذیرد و همه ارکان سازمان با شناسایی نیازها و انتظارات مشتری‌ها در صدد جلب رضایت آنهاست.

### **(و) امکان گردش شغلی**

(و) امکان گردش شغلی

در این سازمان‌ها کارکنان، صاحب تخصص ویژه نیستند و با توجه به توانایی‌هایشان در جایگاه‌های مناسب (بر اساس اهداف سازمانی و بر اساس شرایط زمانی و مکانی) قرار گرفته‌اند و در خدمت سازمان هستند. در این سازمان‌ها همه در همه حال در خدمت سیستم همیشه در حال ارتقا هستند و گردش شغلی به عنوان ارزش تلقی می‌شود.

### **(ز) فرهنگ کار تیمی**

(ز) فرهنگ کار تیمی

در سازمان‌های خلاق، مشارکت جمعی، بهره‌گیری از پیشنهادها، کارکنان و هم‌فکری در چارچوب تیم‌های ارتقا به طور گسترده‌ای رایج است و جزو فرهنگ سازمانی به شمار می‌رود. در این سازمان‌ها خودگرایی و گروه‌گرایی جای خود را به نگرش نظام‌مند و فعالیت در قالب تیم‌های ارتقا برای بهبود فرآیندها داده است.

**ح) امنیت شغلی**

ح) امنیت شغلی

در سازمان‌های خلاق، تعلق خاطر عمیقی میان اجزای سازمان وجود دارد. کارکنان تعهد خاصی به سازمان دارند و در مقابل، سازمان نیز چنین تعهدی را نشان می‌دهد. روابط دوسویه بسیار عمیق، ترس از دست دادن شغل را از میان برده است و مدیران و کارکنان به منظور بهبود مداوم کارها، لازم و ملزوم یکدیگر محسوب می‌شوند.

**ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر**

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر

سازمان‌های خلاق، سازمان‌هایی هستند که در آن مدیران و کارکنان نه تنها در مقابل تغییر مقاومت نشان نمی‌دهند و بی تفاوت نیستند، بلکه با آغوش باز به استقبال آن می‌روند، زیرا عامل تغییر را فرصتی برای ارتقا می‌پندارند و بر این باورند که تغییر عاملی در جهت بهبود سیستم و تعالی سازمان است.

**ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی**

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی

همزمان با رشد و توسعه کارکنان و مدیران و گسترش فرهنگ ارتقا و کار تیمی در سازمان، کنترل از درون یا خودکنترلی جایگزین کنترل از بیرون می‌شود. نظام بازرسی و کنترل سفت و سخت مدیریت، بسیار کم‌رنگ شده است و افراد آزادی عمل بیشتری دارند. با این حال، این امر به معنی هرج و مرج و بی‌بند و باری نیست. مسئولیت همراه با اختیار کارکنان، فضا را برای بروز خلاقیت بیشتر آنها آماده می‌کند، بدون اینکه بازرسی بر سیستم حاکم باشد.

**ک) کار گروهی**

ک) کار گروهی

روابط همیشگی و بلند مدت کارکنان با این نوع سازمان‌ها و در نتیجه، بهره‌مندی آنها از امنیت شغلی، از دیگر ویژگی‌های این سازمان‌هاست.

**ل) استقبال مدیران از عامل تغییر**

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر

در این سازمان‌ها همه مدیران، مسئله تغییر را به عنوان تنها عامل ثابت و گریزناپذیر می‌دانند و با خشنودی آن را می‌پذیرند و در برابر آن مقاومت نمی‌کنند. طبیعی است در چنین سازمانی ضرورت ندارد که مدیر بخش

زیادی از وقت خود را برای جلوگیری بر خورد با تغییرات اختصاص دهد؛ زیرا همه به این باور رسیده‌اند که تغییر، یک ارزش مثبت است.

## ۱۰. سازمان و تکنیک‌های توسعه خلاقیت گروهی

### اشاره

۱۰. سازمان و تکنیک‌های توسعه خلاقیت گروهی

سازمان‌ها می‌توانند از انواع تکنیک‌های توسعه خلاقیت گروهی به شکل جدی و مستمر استفاده کنند. این تکنیک‌ها از این قرارند.

### الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری)

الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری)

یکی از تکنیک‌های رایج در ایجاد خلاقیت و فعال ساختن اندیشه‌ها به صورت گروهی، تکنیک تحرک مغزی است. در این تکنیک، مسئله‌ای به یک گروه کوچک ارائه و از آنان خواسته می‌شود، به سرعت به آن واکنش نشان دهند و برای آن پاسخی بیابند. پاسخ‌ها بر روی تابلویی نوشته می‌شوند، به گونه‌ای که همه اعضای جلسه می‌توانند آنها را ببینند. این امر سبب می‌شود تا ذهن اعضا به فعالیت بیشتری پردازد و جرقه‌ای از یک ذهن، سبب روشنی ذهن دیگری شود. نخستین دلیل اثربخشی تحرک مغزی، افزایش قدرت خلاقیت در گروه است. افراد در حالت گروهی، بیش از حالت انفرادی قدرت تصور خلاق بروز می‌دهند. رقابت نیز عامل دیگری است که در جلسات تحرک مغزی، سبب افزایش اثربخشی می‌شود. همچنین نبودن زمینه انتقاد یا ارزیابی‌های سریع موجب می‌شود تا اعضای جلسه با فراغت خاطر به اظهار نظر پردازند و محیطی مساعد برای خلاقیت ایجاد شود. نکته دیگر که در مؤثر بودن تحرک مغزی وجود دارد، بداهه بودن پیشنهادهاست.

### ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر

ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر

ادوارد دوبونو پدر تفکر خلاق، در کتاب شش کلاه تفکر یک روش خلاقانه ارائه می‌کند و از آن راه می‌کوشد نشست افراد به دور یکدیگر را به اقدامی ثمربخش و کارا تبدیل کند.

دوبونو می‌کوشد به کسانی که به دور هم جمع می‌شوند، بیاموزد که به تفکر خود نظم دهند و آن‌گاه در این میان، به راه‌های خلاقانه بیندیشند و با یک هماهنگی مدبرانه، نتایج را طبقه‌بندی و اولویت‌بندی کنند و در تصمیم‌گیری‌ها از آن استفاده کنند. فرآیند تکنیک شش کلاه تفکر به این شرح است:

تصور کنید به یک جلسه قدم گذاشته‌اید و شما مسئول نظم‌دهی، هدایت و نتیجه‌گیری از آن جلسه هستید. در اینجا کلاه آبی را بر سر شما خواهند گذاشت، زیرا هنگامی که کسی کلاه آبی را بر سر می‌گذارد باید به موارد زیر دقت کند:

رنگ آبی نماد آسمان آبی رنگ است که چتر آن بر همه جا گسترده شده است و کسی که کلاه آبی بر سر خود می‌گذارد باید بتواند افکار جاری در محیط جلسه را در ذهن خود به جریان درآورد و نظم و تمرکز دهد.

کلاه آبی همچون یک نرم‌افزار است که تلاش می‌کند به تفکر کردن جمع، جهت دهد و با برنامه‌ای مشخص آن را به سرانجام برساند و گویی همچون یک کارگردان تفکر ما را هدایت می‌کند.

با کلاه آبی اولویت‌ها و محدودیت‌ها تعیین می‌شود. اکنون بر روی صندلی خود بنشینید و موضوع و یا مشکل مورد بحث را بر روی تخته سیاه بنویسید. در نخستین اقدام و با هدایت شما همه اعضا باید کلاه سفید را بر سر بگذارند و در موضوع بیان شده بیاندیشند.

هنگامی که کلاه سفید را بر سر می‌گذارید، نباید به چیزهایی که شامل الهامات، قضاوت‌های متکی به تجارب گذشته، عواطف، احساسات و عقاید است توجه کنید و تنها باید همچون یک رایانه، فقط اطلاعات ارائه کنید. حال شما باید اطلاعات به دست آمده از حاضرین در جلسه که به واسطه تفکر با کلاه سفید ارائه شده است را جمع‌بندی کنید و اعضای جلسه را وارد مرحله بعد کنید تا با گذاشتن کلاه قرمز بر سر، شروع به تفکر کنند.

هنگامی که حاضرین می‌خواهند با کلاه قرمز در مورد موضوع مورد نظر تفکر کنند باید به نکات زیر توجه کنند:

اجازه دهید احساسات و عواطف بر وجود شما حاکم شده و به زبان درآیند و هر کسی می‌تواند از الهامات و دریافتهای ناگهانی خویش سخن گوید و دیگر نیازی به استدلال نیست. اگر به احساسات اجازه بروز ندهیم، بدون شک ناخواسته و بدون دقت نظر، در تصمیم‌گیری‌ها وارد شده و چه بسا سبب بروز مشکلاتی برای ما شوند.

پس از اینکه تمام نظرات اعضای جلسه ارائه شد، شما اقدام به جمع‌بندی تراوشات فکری حاضران کرده و آن‌گاه به مرحله بعد قدم بگذارید و اجازه دهید حاضران کلاه سیاه را بر سر بگذارند. با گذاشتن این کلاه بر سر نباید احساسات منفی بدون منطق بیان شوند، بلکه فرد باید دیدگاه‌های منفی خود را در خصوص مشکل یا موضوع مورد بحث به صورت منطقی بیان کند. بدون شک اگر از این کلاه به خوبی استفاده شود، می‌تواند ما را از مخاطراتی که در آینده از چشمان ما دور می‌ماند آگاه کند. تفکر منفی به گفته «دوبونو» جذاب است، زیرا دستاوردهای آن را می‌توان به فوریت مشاهده کرد. اثبات خطای دیگران برای ما رضایت در پی دارد و حمله کردن به یک دیدگاه در ما احساس برتری می‌بخشد و برعکس ستودن یک نظر سبب می‌شود در خود احساس کنیم با فرد برتری روبه‌رو شده‌ایم. نتایج بحث‌های ارائه شده توسط شما جمع‌بندی شده و در نهایت ثبت شود و آنگاه بار دیگر اجازه دهید حاضران کلاه زرد را بر سر خود بگذارند و شروع به تفکر کنند.

زرد نماد آفتاب است و آفتاب شروعی برای سازندگی، شادابی و خوش‌بینی است. گویی هر جا سراغ از خورشید گرفته می‌شود، گرمی زندگی و زایشی دیگر در میان است و تفکر مثبت باید به همراه کنجکاوی و شادمانی و سرور

و تلاش برای درست شدن کارها باشد. فرد با گذاشتن کلاه زرد تلاش می‌کند به نکات ارزشمند و مثبت موضوع بنگرد. اصولاً افکار سازنده به سوی مثبت‌گرایی تمایل دارند. یکی از تمریناتی که فرد با کلاه زرد می‌تواند انجام دهد، بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند گذشته است. کلاه زرد در ابتدا در صدد کشف فواید موجود در موضوع مورد بحث است و هر آنچه می‌کاود، بیان می‌دارد.

اکنون بار دیگر به جمع‌بندی نظرات به دست آمده بر اثر کلاه زرد پردازید. اکنون حاضران باید کلاه سبز را بر سر بگذارند، باید به راه‌های نو بیاندیشند که می‌تواند در آن موضوع مورد نظر اثرگذار بوده و به تصمیم‌گیری‌های خلاقانه منجر شود. هنگامی که حاضران کلاه سبز را بر سر می‌گذارند، فرصتی می‌یابند که به جست‌وجوی چیزهای کشف نشده هدایت کنند. حال فرصتی به حاضران دهید تا ایده‌های نو ارائه کنند و آنگاه به ثبت این ایده‌ها پرداخته و به جمع‌بندی نظرات پردازید. بدون شک برای خلاقانه اندیشیدن باید فرهنگ خلاقیت را بر فضای جلسه حاکم کنید. اکنون شما باید تلاش کنید که با کلاه آبی که بر سر گذاشته‌اید به ارزیابی نتایج پرداخته و به یک جمع‌بندی مناسب برسید و در نهایت در جهت حل مشکل یا پی‌گیری مورد نظر تصمیم‌نهایی را بگیرید. بدون شک هر یک از اعضا می‌توانند کلاه آبی را به امانت گرفته و با آن به تفکر پردازند و در اتخاذ تصمیمات به شما کمک کنند. در پایان شما درمی‌یابید هنگامی که جلسه را این‌گونه مدیریت می‌کنید، دیگر تنها شاهد آن نخواهید بود که یک فرد تنها با کلاه سیاه به جلسه قدم بگذارد و یا فرد دیگری تنها با کلاه قرمز تفکر کند؛ بلکه همه مجبورند با شش کلاه مذکور تفکر کنند و اندیشه‌های ذهن خود را ارائه کنند.

### ج) گردش تخیلی

#### ج) گردش تخیلی

در سال ۱۶۹۱م. روان‌شناسی به نام گوردون نتایج پژوهش‌های ۱۰ ساله خود را درباره افراد خلاق منتشر کرد و ضمن آن اعلام داشت که ذهن

آدمی به هنگام ابراز خلاقیت و ابتکار، در یک حالت خاص روانی است که اگر بتوانیم آن حالت را ایجاد کنیم، خلاقیت، امکان وجود می یابد. او در گروه های ایجاد خلاقیت، اعضای گروه را از راه به کارگیری یک جریان تمثیلی و استعاره ای به گردش تخیلی ترغیب می کرد و در این حالت، ایده ها و نظرات بدیعی را کشف می کرد. ذهن افراد در این گردش خیالی، با دستاویز استعاره ها به نکاتی نو که هدف جلسه خلاقیت بود، می رسید و روابط تازه ای را میان پدیده ها پیدا می کرد. آنان پدیده هایی را که چندان تجانسی با هم نداشتند، ترکیب می کردند و به ایده های نوینی دست می یافتند. در جلسات خلاقیت، به کمک استعاره و تخیل کار ترکیب در ذهن افراد انجام می گرفت. از این رو، روش گوردون را شیوه تلفیق نامتجانس ها نیز نامیده اند.

### **(د) تهیج ذهنی یا تکنیک گوردون**

(د) تهیج ذهنی یا تکنیک گوردون

روشی است بسیار مناسب جهت یافتن راه حل های جدید برای مسئله و نیز برای اکتشافات علمی و فنی. این روش، فرآیندی خاص و منحصر به فرد و در عین حال مؤثر دارد. فرایند به کارگیری این رویکرد، عبارت است از: الف) شناسایی و تجزیه و تحلیل مشکل به منظور رسیدن به ماهیت و جوهره آن؛ ب) کشف راه حل هایی برای آن جوهره از راه دیدگاه غیرمرتبط با موضوع؛ ج) تلاش برای تبدیل راه حل های به دست آمده به راه حل نهایی. در جلسه هایی که از این روش استفاده می شود، فقط رهبر گروه از اصل موضوع آگاهی دارد و موضوعی که مطرح می شود، دقیقاً اصل موضوع نیست، بلکه موضوعی نزدیک به آن است.

### **(ه) تفکر موازی**

(ه) تفکر موازی

واضع این شیوه ادوارد دوبونو، روش معمول تفکر را همانند حفر گودالی توصیف می کند که با افزایش اطلاعات فرد، همان گودال را عمیق تر



می سازد و از دیدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می ماند. در حالی که تفکر موازی، نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می سازد و اطلاعات و تجربه های جدید تنها به اندیشه های قبلی افزوده نمی شود، بلکه آنها را تغییر می دهد و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می کند. یکی از راه های تحقق تفکر موازی، ایجاد یک اندیشه واسطه غیرممکن است. این اندیشه سبب گسترده شدن فکر و ذهن می شود و با تعدیل آن می توان، به اندیشه نو و عملی دست یافت. راه دیگر در تفکر موازی، پیوند تصادفی است. فرض کنید کتاب فرهنگ لغت را می گشایید و لغاتی را می خوانید و می کوشید تا آن را با موضوع مورد نظر پیوند دهید و به نتیجه ای برسید. در این کار، شما از روش پیوند تصادفی استفاده کرده اید.

## (و) ارتباط اجباری

(و) ارتباط اجباری

یکی دیگر از شیوه های آشکار ساختن خلاقیت ها و ظاهر ساختن توانایی آفرینندگی موجود در افراد، شیوه ارتباط اجباری است. در این شیوه همان گونه که از نام آن استفاده می شود، باید میان دو گروه از پدیده ها ارتباطی اجباری ایجاد کرد.

## ۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت

۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت

نقش مدیریت در مجموعه هایی که خلاقیت و نوآوری از ضروریات و عوامل اصلی است، بسیار مهم و حساس است؛ زیرا مدیریت می تواند توانایی و استعداد خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند یا رفتار و عملکرد آنها می تواند از این امر حیاتی مانع شود. هنر مدیر خلاق، عبارت است از استفاده از خلاقیت دیگران و پیدا کردن ذهن های خلاق. مدیر خلاق باید فضایی بیافریند که خود بتواند خلاق باشد و افراد سازمان را نیز برای خلاقیت تحریک کند و این فضا، فضایی است که از کار روزمره به دور است و به نوعی تفویض اختیار می کند تا

هر کسی خود، مشکل خود را حل کند. برای اینکه افراد در سازمان به تفکر پردازند، باید محیطی ایجاد شود که در آن به پیشنهادها و اندیشه‌ها امکان بروز داده شود. یکی از شیوه‌های بسیار مهم و پرجاذبه، پرورش شخصیت انسان‌ها و نیز خلاقیت و نوآوری و حتی رشد اجتماعی، مشورت است و بدون تردید، افرادی که اهل مشورت هستند، از عقل و فکر بیشتری بهره‌مندند و آنان که اهل آن نیستند، از این امتیاز بهره‌ای ندارند.

مدیر خلاق، کسی است که کارها را به دست همه کارکنان به انجام می‌رساند. مدیران خلاق، ویژگی‌های متعددی دارند که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ایجاد هم‌سویی بین اهداف فردی و اهداف سازمانی؛

۲. رایج کردن نظام آموزشی مستمر و همگانی؛

۳. ترویج کار تیمی و برقراری ارتباطات همه‌جانبه؛

۴. تمرکز روی فرآیندها و ترویج تفکر نظام‌مند به جای تمرکز روی افراد و گروه‌ها؛

۵. ریسک‌پذیری و فرصت‌تلقی کردن اشتباه‌ها و از بین بردن ترس از پی‌آمدهای اشتباه‌ها؛

۶. به حداقل رساندن کنترل از بیرون و ترویج خودارزیابی؛

۷. محدود نکردن کارکنان با کاهش تقسیم کار و دادن حداکثر آزادی عمل به آنها؛

۸. تمرکز روی مشتری و ترویج فرهنگ مشتری‌مداری در سازمان؛

۹. تحمل راه‌ها و پیشنهادهای غیرعملی و حتی دور از ذهن؛

۱۰. تحمل تضاد در آرا و عقاید کارکنان و فرصت‌تلقی کردن آنها (هماهنگی و توافق کامل بین کارکنان و واحدها، لزوماً به عملکرد موفق منجر نمی‌شود).

شب چنین با روز اندر اعتناق

مختلف در صورت اما اتفاق

روز و شب این هر دو ضد و دشمن اند

لیک هر یک بر حقیقت می تنند

هر یکی خواهان دیگر همچو خویش

از پی تکمیل فعل و کار خویش

مولوی

**بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها)**

**اشاره**

بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها)

زیر فصل ها



جنبش نرم‌افزاری که خواست حضرت امام رحمه الله و رهبر فرزانه انقلاب است، افق جدیدی را برای حوزه و دانشگاه گشود. بعد از پایان جنگ تحمیلی، حضرت امام خطاب به نیروهای بسیجی فرمود که من فرزندان بسیجی‌ام را به یک جهاد علمی دعوت می‌کنم و در سال ۱۳۷۵ نیز مقام معظم رهبری در دانشگاه «امیرکبیر» برای نخستین بار بحث جنبش نرم‌افزاری را مطرح کرد. در سال ۱۳۸۱ نیز ایشان در پاسخ جمعی از فضلاء حوزه علمیه درباره جنبش نرم‌افزاری، پاسخی ارائه داد که از آن، به عنوان منشور فرزاندگی یاد می‌شود. امروز این دعوت‌ها آثار خود را تا حدودی نمایانده است. در سالیان اخیر کشورمان توسعه علم و شاخص‌های مربوط به وضع دانش را شاهد است که رشد فزاینده‌ای یافته‌اند. آمار کتاب‌های منتشر شده، آمار مقاله‌های نمایه زده شده در آی.اس.آی و دیگر مجامع بین‌المللی، آمار دانشجویان، رتبه‌های علمی اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها و نیز افزایش دانشیاران و استادان و پژوهشگران، همه نشان‌دهنده رشد و بالندگی علمی کشور است. در سال ۱۳۵۷ به ازای هر یک میلیون نفر، ۴۶ پژوهش‌گر وجود داشت و امروز این آمار به هفتصد پژوهشگر در هر میلیون نفر افزایش یافته است. در حوزه علمیه دگرگونی‌های بسیار خوبی رخ داده و با پیدایش نسل جدید در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و همچنین آشنایی آنان با آموزه‌های دینی و با علوم روز؛

وجود نهادهای تلفیقی در حوزه و دانشگاه، نشانگر تحول علمی در کشور است. در این مراکز تولید علم و ابتکار و خلاقیت، به ارزش عمومی تبدیل شده و موفقیت جوانان دانشجو و دانش آموز در المپیادهای بین‌المللی و نیز توجه به نظم و نسق دادن، به نظام آموزشی در کشور، به گونه‌ای که وابسته به پژوهش باشد، افزایش یافته است. با این حال، تا دست‌یابی به کمال راه درازی در پیش است. برای مثال درصد پژوهش‌گران در کشور ما در مقایسه با ژاپن که در هر یک میلیون نفر، ۴۹۰۰ نفر است، بسیار کمتر است. بنابراین، شایسته است درباره موانع و فرصت‌های این جنبش تحقیق شود تا با دیدی روشن و اراده‌ای استوار گام‌های ناپیموده برداشته شود.

## فصل اول: تولید علم و توسعه علمی

### اشاره

فصل اول: تولید علم و توسعه علمی

زیر فصل ها

۱. تولید علم

۲. فرهنگ و تولید علم

۳. ویژگی های فرهنگ علمی

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان

۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی

۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام

۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران

۸. نگاه هدف مند و مولد به علم

۹. پایگاه توسعه علمی

۱۰. موانع توسعه علمی

۱۱. راه کارهای توسعه علمی

### ۱. تولید علم

۱. تولید علم

اصطلاح تولید علم، گفتمان جدید و متناسب با دگرگونی های اخیر در صحنه جامعه بشری است؛ زیرا در گذشته روند تدریجی افزایش و گسترش دامنه علوم به اندازه ای کند بود که مقوله تولید علم چندان مفهوم و اعتباری نداشت. حال آنکه در سه قرن گذشته، علم بیش از پیش در شکل گیری قدرت، ثروت، رفاه و دگرگونی های گوناگون فرهنگی و اجتماعی ایفای



نقش کرده است. به گونه‌ای که به علم به صورت مستقل به عنوان عاملی تأثیرگذار در سطح بین‌المللی، توجه شده و به یکی از بحث‌های محوری در اقتدار ملی و استقلال، تولید، رفاه، امنیت و دفاع تبدیل شده است. بدین ترتیب، از جمله شاخص‌ها و معیارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و موقعیت و جایگاه بین‌المللی هر کشور؛ میزان تولید علم، نوآوری و نظریه پردازی و مطرح بود در صحنه‌های علمی، پژوهشی و اختراع‌ها و میزان سرمایه‌گذاری ملی در این زمینه است.

در چنین دنیایی با شعار تنها و بدون پشتوانه فن‌آورانه و پژوهش‌ها نمی‌توان وارد میدان شد. حرکت و تغییر که زیربنای آن، تولید علم به شمار می‌آید، موضوع دنیای امروز است. زمانی کشوری که بیشترین منابع زیرزمینی را

داشت، کشور ثروتمند قلمداد می‌شد، ولی امروزه ثروت در دنیا عبارت از علم و فن آوری است.

هر کشوری که بخواهد اقتصاد پرتوان و موفقی داشته باشد، چاره‌ای جز حرکت به سوی علم و تولید آن و گسترش فن آوری ندارد. لازمه تولید علم نیز داشتن انگیزه و هدف از یک سو و بهره‌مندی از ارتباط، دانش فنی و ابتکار و نوآوری از سوی دیگر است. تولید علم، در حقیقت حاصل خردورزی عالم برای گستراندن افق شناخت و کشف ناشناخته‌ها است. به عبارتی در فرآیند تولید علم، محور، نیروی انسانی متعهد و کارآمد است که تربیت آن بیشتر بر عهده [مراکز علمی] است. باید توجه داشت که توان مندی، توسعه و انتقال واقعی کشورها نسبت مستقیم با توانایی آنها در تولید علم، توسعه علمی و پژوهشی دارد.

متأسفانه در حال حاضر بسیاری از مسلمانان، مصرف‌کننده و تماشاگر تولیدات علمی، نظریه‌پردازی‌ها و نوآوری‌های دیگران، نه تنها در علوم مادی و طبیعی، بلکه در علوم انسانی و اجتماعی است. حال آنکه خودشان روزی تغذیه‌کنندگان علمی جهان و غلبه‌کنندگان بر تمامی نظام‌های فرهنگی، حکومتی و دینی بوده‌اند. نتیجه چنین وضعی، وابستگی شدید اقتصادی \_ صنعتی، سلطه‌پذیری سیاسی \_ فرهنگی، انزوای علمی و پدید آمدن مشکلات اداری \_ اجتماعی در دو قرن اخیر بوده است، در حقیقت تا زمانی که زمینه‌های ظهور و بروز خلاقیت‌های فکری و تولید علم و پژوهش به وجود نیاید، هر چه وارد شود، مصرفی و موقتی و تحمیلی خواهد بود و به رشد و افزایش کمی و کیفی سطح زندگی مادی و معنوی آنان کمکی نخواهد کرد. آخرین و پیچیده‌ترین تکنیک که در اختیار کشوری قرار می‌گیرد، با گذشت زمان ارزش خود را از دست می‌دهد و

غیراقتصادی و در مواردی توجیه‌ناپذیر و زیان‌آور می‌شود. در نتیجه، فن و ابزار جدیدتری مورد نیاز است و این جریان و وابستگی ناشی از آن، همچنان ادامه دارد! مگر آنکه مدیریت و برنامه‌ریزی قوی و علمی‌ای بتواند، به رشد و گسترش همان فن‌آوری در زمینه‌های مختلف همت نماید و بهره‌گیری از آن را برای ابزارهای پیشرفته‌تر و کارآمدتر پی‌گیری کند.

در زمینه علوم انسانی و اجتماعی نیز مشابه چنین وضعی دیده می‌شود. زمانی نظریه‌ای را ارائه و تمامی رویکردها و جهت‌گیری را شکل می‌دهند و مدتی بعد نظریه‌ای جدید و باطل‌کننده نظریه پیش را عرضه و به کشورهای دیگر صادر می‌کنند! آنچه در طول دو قرن گذشته شاهد بوده‌ایم، ظهور نظریه‌های گوناگون همراه با مدهای رنگارنگ در هر زمینه مانند انواع خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها از اروپا و امریکا صادر می‌شد و صدور آنها به عنوان بهترین و مناسب‌ترین ایده و کالا به شمار می‌رفته و مصرف آنها بیشتر در کشورهای زیر سلطه بوده است.

امام علی بن ابی‌طالب (ع) در حدیثی فرمود:

لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وَ لَدُّكَ وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَ أَنْ يَعْظَمَ حِلْمُكَ. (۱)

خیر و خوشایند بودن، این نیست که ثروت و فرزند را زیاد کنی، بلکه خوشایندتر این است که بر دانشت بیفزایی و حلمت را زیاد کنی.

در این کلام، خیر در علم و بردباری خلاصه شده و نظیر چنین بیانی در آیه‌های متعددی از قرآن کریم از جمله «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» نیز آمده است؛ زیرا نادانی و ضعف، مقدمه اسارت است.

ملتی که مصرف‌کننده اندیشه‌ها، پژوهش‌ها و دست‌آوردهای علمی و فکری دیگران باشد و از خود، آفرینش، خودجوشی، تولید و خلاقیت

نداشته باشد و منتظر است تا دیگران چه می گویند و چه می خواهند، چنین ملتی هیچ آینده‌ای جز اسارت و عقب‌ماندگی و خواری ندارد.

هنگامی که عقل و علم حاکم نباشد و اداره امور و برنامه‌ریزی‌ها با احساس کور، تعصب و بدون محاسبه همراه شود، رشد و پیشرفت روی نخواهد داد. بر پایه چنین برداشتی، اندیشیدن، خردورزی و پژوهش باید آن‌چنان گسترده و حاکم باشد که همه امور بر مبنای استدلال، محاسبه، برنامه و علت‌یابی و آینده‌نگری شکل گیرد و به اجرا درآید و از لوازم و ضرورت‌های نخستین و بنیادی حرکت فردی و جمعی به سوی هدف‌ها تعیین شده باشد.

یکی از شیوه‌های تمایز میان جهان صنعتی و جهان سوم این است که اولی، محاسبه و بهره‌برداری علمی از آن را در تمامی شئون زندگی اعمال کرده و دیگری در آن به درجه‌های مختلف ضعیف است. جهان صنعتی از راه «نهادینه کردن محاسبه»، بر جهان سوم مسلط شده است. هنگامی که محاسبه اصالت یافت، به طور منطقی روش اصالت می‌یابد. بنابراین، ذهن محاسبه‌گر، یک ذهن روش‌شناس است. محاسبه روش، کاربرد، افزایش تولید و در نتیجه قدرت و تسلط سیاسی، همه با تسلسل منطقی به دنبال هم و تشدیدکننده یکدیگر قرار گرفتند.

## ۲. فرهنگ و تولید علم

### ۲. فرهنگ و تولید علم

فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در تمامی افکار، هدف‌ها، معیارها و ارزش‌گذاری‌ها، فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان منعکس می‌شود. بر اساس این تعریف، انسان با اتکای به فرهنگ، با جهان و جامعه برخورد می‌کند.

بنابراین، چگونگی تفسیر قضایای جهان و راه‌های تغییر شرایط در جهت هدف‌ها، بستگی به دیدگاه‌های فرهنگی دارد. انسان و فرهنگ بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند. اوضاع و شرایط تا حدود زیادی معلول

عوامل فرهنگی است و از سوی دیگر، دگرگونی‌های فکری و فرهنگی، تابعی از شرایط اجتماعی و مادی است.

جنبه‌های مادی فرهنگ، سریع‌تر منتقل می‌شوند و جوامع را تحت تأثیر سخت‌افزاری قرار می‌دهد. اما این انتقال برای تأثیر، بر همه جنبه‌های فرهنگی، کافی نیست. افکار، عقاید، معیارها و خواسته‌ها در کوتاه مدت دگرگون نمی‌شوند. این فاصله زمانی میان دگرگونی‌های سخت‌افزاری و دگرگونی‌های فرهنگی و نرم‌افزاری را «عقب‌ماندگی فرهنگی» می‌گویند.

بسیاری از کشورها (از جمله شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس) در کنار ابتدایی‌ترین شکل زندگی فرهنگی، از آخرین وسایل پیشرفته الکترونیکی و ساختمان‌های بسیار مجهز و گران استفاده می‌کنند. آنها در حالی مصرف‌کننده آخرین دست آوردهای مادی و صنعتی دیگران هستند که فرهنگی کاملاً متفاوت با جامعه و فرهنگ تولیدکنندگان کالاهای مزبور دارند.

با گسترش و شتاب یافتن ارتباطات و افزایش مبادله‌ها، نقش و قلمرو فرهنگ و جنبه‌های مختلف آن گسترش می‌یابد و تأثیرگذاری آن سریع‌تر می‌شود. در این میان، عده‌ای نیز می‌خواهند این امر به تدریج پدیده‌ای جهانی شود. وضع حال و آینده به گونه‌ای است که در بسیاری از دگرگونی‌های فرهنگ، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز شده است.

اگر در گذشته دیدگاه‌ها و رویکردهایی مبنی بر روبنا بودن فرهنگ و تأثیرپذیری از دیگر جنبه‌های اجتماعی وجود داشت، رویکرد امروز، توجه ویژه به نقش، اهمیت و قلمرو فرهنگ و قدرت تولید علم و چگونگی تأثیرگذاری و نفوذ در ساختار حکومت‌ها و تأثیرپذیری و نیازهای آن است.

فرهنگ و قدرت تولید علم، در دگرگونی‌های مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند و در کشورهای صنعتی، به عنوان

یکی از بزرگ‌ترین زمینه‌های رشد و توسعه و عامل تداوم و گسترش سلطه به شمار می‌رود.

فرهنگ عمومی در عرصه‌های علوم و فن‌آوری، ارتباطات و سیاست، مطرح می‌شود و نفوذ خود را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی در زمینه فرهنگ و تلویزیون‌های جهانی، مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه‌ها و مطبوعات، تولید وسایل و ابزارهای علمی و پژوهشی و به کارگیری آنها در بسیاری از زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی، به منظور تقویت و گسترش فرهنگی علمی؛ نشانه‌ای از نقش فرهنگ عمومی در رسیدن به هدف‌های سیاسی و اقتصادی است.

### ۳. ویژگی‌های فرهنگ علمی

#### اشاره

#### ۳. ویژگی‌های فرهنگ علمی

تولید علم و فرهنگ علمی، ارتباط مستقیم با فرهنگ عمومی، دیدگاه‌ها و سیاست‌های حاکمیت دارد. فرهنگ علمی زمانی به صورت یک جریان عمومی و ملی در می‌آید که برای مردم و یا دست‌کم بیشتر آنان فهمیدنی و پذیرفتنی باشد. مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ علمی، عبارتند از:

#### الف) ارزش بودن اندیشه علمی

#### الف) ارزش بودن اندیشه علمی

اندیشه علمی، داشتن توان درک پدیده‌های پیچیده، کشف روابط، قانون‌مندی‌ها و فرآیندهاست. شخصی که توان کافی در اندیشیدن برای شناخت پدیده‌ها، فرآیندها و سلسله‌علتها و معلول‌ها را نداشته باشد، نمی‌تواند نظم علمی یا نظری را کشف و تولید علم یا نظریه‌پردازی کند. وجود افراد زیادی که چنین توانایی و همتی دارند، جامعه را قادر می‌سازد که به تدریج با اختراعات، نوآوری و ابتکار، پیشرفت و توسعه را شتاب دهند.

امام صادق(ع) فرمود:

إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ. (۱)

مردم از این جهت، رو به تباهی و سقوط می‌روند که پژوهش، کنجکاوی و پرسش‌گری ندارند.

امام علی (ع) فرمود:

تَفَكَّرْكَ يُفِيدُكَ الْإِسْتِبْصَارَ وَ يَكْسِبُكَ الْإِعْتِبَارَ. (۲)

اندیشه تو، تولیدکننده شناخت و بینش و اعتباردهنده به تو است.

### (ب) قدرت علمی

(ب) قدرت علمی

تقویت توان علمی و نوآوری، نیازمند قدرت فکری و کشف پدیده‌ها و موضوع‌های جدید است. پژوهشگری که می‌خواهد افق‌های جدید و نظریه‌های دقیق ارائه کند، باید کار نظری بکند و عالمی که صاحب بینش باشد، می‌تواند در مسیر ایجاد قالب‌ها و چارچوب‌های نظری گام بگذارد و از درون آنها به طرف شناخت‌هایی پیچیده حرکت کند؛ زیرا تولید علم، نظریه‌پردازی و نوآوری، به عنوان مخرج مشترک همه علوم به ویژه علوم انسانی است. کسانی که در علوم انسانی توانسته‌اند تحول و دگرگونی به وجود آورند، پشتوانه نظری و فکری قوی و عمیق داشته‌اند.

امام خمینی رحمه الله توجه ویژه‌ای به پژوهش، کاوش و نوآوری داشت و با وجود موقعیت و شرایط ویژه کشور، در وصیت‌نامه خود، با درک و اهمیت موضوع و با هشیاری ستودنی نوشت:

لازم است علما و مدرسان محترم نگذارند در درس‌هایی که مربوط به فقاهت است و حوزه‌های فقهی و اصولی، از طریقه مشایخ معظم \_ که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است \_ منحرف شوند. (۳) و کوشش نمایند که هر روز دقت‌ها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰.

۲- ابن تیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۵۸، ح ۵۷۶.

۳- امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۹.

است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه شود و البته در رشته‌های دیگر علوم، به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید بشود.

### ج) توان تولید فکر و نظریه

ج) توان تولید فکر و نظریه

پژوهش‌گر و دانش‌پژوهش توانا و موفق، کسی است که بتواند دانسته‌ها و تجربه‌های خود را جمع‌بندی کند و با استدلال، به نتیجه‌گیری جدید برسد. چنین فرهنگ و روحیه‌ای که از دریافت‌ها و اندیشه‌های خود، ترکیب و تحلیل جدیدی ارائه می‌کند، توان قیاس و استقرا دارد و تربیت چنین افرادی، نیازمند تلاش ویژه و نظام آموزشی خلاق است.

### د) شخصیت علمی

د) شخصیت علمی

پژوهش‌گر و عالم موفق، کسی است که اعتماد به نفس و پشتوانه شخصی و علمی، او را نیرومند و مقاوم کرده است، به گونه‌ای که به فرهنگ مخالفت و فرهنگ موافقت رسیده است و از چگونگی برخورد با اندیشه و آزادی اندیشه، نگرانی ندارد و به این جریان، آگاه و معتقد است.

شخصیت علمی، جدای از کار علمی و تحقیقی نیست و پژوهش‌گری که اعتماد به نفس بیشتری دارد، معمولاً اندیشه و توان و قدرت تولید علمی بیشتری دارد.

چنین شخصیتی، فروتنی اخلاقی و علمی را جزئی از شخصیت خود می‌داند و خود را و دیدگاه‌هایش را مطلق نمی‌داند و به آنها فخر نمی‌فروشد. همراهی علم و اخلاق، فقط جنبه تزئینی، نمایشی، فردی و جزئی ندارد، بلکه ضرورت و شایستگی ایجاب می‌کند که برای افزایش علم، نقدپذیری، جامعه‌گرایی، جمع‌آوری دیدگاه‌ها، دوری‌گزیدن از ویژگی‌های تکبر، فردگرایی و استبداد رأی؛ اخلاق و فرهنگ عمومی و گفتمان، چیره بشود.

آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق» همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و فرهنگی و اندیشه



بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش تولید نرم‌افزار علمی و دینی، در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است».

#### ۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان

انسان، تنها موجودی است که به علت بهره‌مندی از عقل، قدرت اندیشیدن، استنتاج، کشف و نوآوری می‌تواند برای شناخت خود، جهان، جامعه و برقراری روابط با آنها بکوشد و موفقیت‌هایی به دست آورد. از سوی دیگر، لازمه چیرگی بر دشمن آراستگی به نیروی علم، تفکر، تدبر و محاسبه است.

جامعه‌ای که به فرهنگ علمی و پشتیبانی حاکمیت از علم و پژوهش مجهز باشد، زمینه‌های رشد و بهبود و پیشرفت در وضع موجود را دارد و در صورتی که با ایمان به خدا و ارزش‌های الهی پیوند داشته باشد، می‌تواند در جهت انسانی و ارزش‌های متعالی و افزایش روند کیفی زندگی حرکت کند.

لازمه هر گونه توسعه و پیشرفتی، دگرگونی در باورها، فرهنگ عمومی و معیارهای مبتنی بر تولید علم و نظریه‌پردازی است. جنبش نرم‌افزاری در واقع حاصل رواج تفکر علم‌مداری، شایسته‌سالاری و حاکمیت قانون و ارزش‌هاست. از این رو، عقلانیت، برنامه‌ریزی و نظم و امنیت، از لوازم تحقق چنین حرکتی به شمار می‌روند.

نظام آموزشی و محتوای درس‌ها، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های اداری و فرهنگ عمومی، بالاترین و مهم‌ترین اثرگذاری و اثرپذیری را بر جریان تولید علم، جایگاه عالم و پژوهشگر و در نتیجه، دگرگونی‌های مثبت یا منفی جامعه و حکومت دارند. از این رو، شناخت جنبه‌های مثبت و منفی و چگونگی برخورد و اصلاح نظام آموزشی امری ناگزیر است.

در جهان آفرینش، انسان موجودی منحصر به فرد است که از جمله ویژگی‌های او کمال‌جویی، برتری‌طلبی و رشد و پویایی است.

بنابراین، برای حرکت در مسیر خواسته ذاتی، طبیعی و فطری خود، بهره‌گیری از عقل، اندیشه، خردورزی و تدبیر را ضروری و بهره‌گیری از علم، آگاهی و پژوهش لازمه این حرکت و نوآوری، کشف و اختراع را نتیجه می‌داند. ضمن آنکه رشد و پیشرفت در وضع کنونی خود را هدف قرار داده است.

از ویژگی‌های جهان‌بینی اسلام، واقع‌بینی و درک قوانین حاکم بر جهان و جوامع است. از این رو، «علم‌مدار»، «عقل‌گرا» و دوست‌دار «تفکر بنیاد» و دشمن «تحجر»، «تبعیت کورکورانه» و «تصلب در شکل و قالب‌ها» است.

با مطالعه تاریخ تمدن‌ها، ظهور و افول آنها، مشخص می‌شود که دو عامل، بیش از دیگر عوامل تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز بوده است. نخست موقعیت و ارزش علم، عالم، تعلیم و پژوهش و در نتیجه، نوآوری، ابداع و سرانجام قدرت ناشی از آن است و عامل دوم که بی‌ارتباط با آن نیست، ایمان، اخلاق و جهان‌بینی حاکم است. پس دو بال علم و ایمان، در درازمدت تعیین‌کننده وضع و چگونگی حرکت صعودی یا نزولی تمدن‌ها، دولت‌ها، انقلاب‌ها، و نظام‌های سیاسی - اجتماعی بوده است.

هیچ تحول مثبت، سازنده و بنیادی در جهت رشد و کمال انسان (تأکید بر رشد و کمال نه توسعه به معنای متعارف که نیازمند پژوهش مستقل است) شکل نمی‌گیرد و ریشه‌دار نمی‌شود، مگر اینکه جریان عمومی و ارزش‌گذاری فردی و اجتماعی، برنامه‌ریزی‌ها، قانون‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری بر مبنای علم و تحقیق و با تکیه بر نوآوری‌ها، تولید علم و یافته‌های جدید باشد.

امام خمینی رحمه الله در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود در این زمینه چنین می‌گوید:

... بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به در یوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی، همان‌ها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه انداختن کارخانه‌ها آنان را مأیوس می‌نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهان‌خواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خود کفا شود و از در یوزگی دشمن نجات یابد. (۱)

## ۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی

### ۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی

پویایی شگرف علمی، در شناخت جهان هدف‌دار و قانونمند، با اتکا به خلاقیت‌های نهفته الهی و قوه فعال اندیشه و ارزش بخشیدن به مرتبه تفکر، تعلیم و تعلم، به نوآفرینی و پیشرفت فضای عمومی زندگی و تمدن بشری منجر شده است. این پیشرفت تمدن، حاصل برخورد و تلفیق فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون و نتیجه فرآیند رشدیابنده‌ای در جنبه‌های مختلف است که توان مندی، توسعه و استقلال واقعی کشورها را که نسبت مستقیم با توانایی آنها در تولید علم، توسعه علمی و پژوهشی دارد، در بر می‌گیرد.

جامعه ما در حال گذر از حساس‌ترین تحول تاریخی خود است، یعنی گذر از توسعه نیافتگی به توسعه. توسعه در جوامعی نظیر ما، از توسعه علمی آغاز می‌شود. اگر علم توسعه پیدا کند، سیاست و اقتصاد نیز توسعه می‌یابند. باید توجه داشت صرف توجه به فضایل علم و حتی پذیرش الزامی آن، توسعه علمی به دست نمی‌آید. توسعه علمی، به

معنای اتکای جامعه به روش و دانش عقلانی و علمی برای حل مسائل زندگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که با وجود وابسته بودن به مسائل اجرایی، زمینه‌های نظری و پایداری نیز دارد؟

برای بالا بردن شناخت و معرفت جامعه در همه زمینه‌ها، باید بیش از پیش نیازمند توسعه علمی بود و برای تحقق توسعه علمی، باید زمینه تولید علمی را فراهم کرد و توجه داشت که تولید علم، یکی از نشانه‌های مهم آفرینش فرهنگی و حیات امروز است که تنها در یک مجموعه و منظومه خلاق و مبتکر انجام می‌پذیرد.

مسئله تولید و توسعه علمی را بدون توجه به مسائل فرهنگی و جایگاه اجتماعی آن نمی‌توان حل و بیان کرد و باید دانست که پیشرفت هر کشوری در گرو تحول فکری و فرهنگی و نهادینه کردن خردورزی است. منظور از دگرگونی فرهنگی و علمی، منطقی کردن نظام باورها و ارتباطات اجتماعی و در نهایت، تولید علم برای حل مسائل جامعه است.

توسعه در جوامعی نظیر کشورهای در حال رشد، از توسعه علمی آغاز می‌شود. اگر علم توسعه پیدا کند، سیاست، اقتصاد و مدیریت نیز توسعه می‌یابد و لازمه توسعه علمی، تولید علم است؛ علمی که امروزه مبنای پیشرفت کشورها به شمار می‌آید.

## ۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام

۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام

کسانی که با متون دینی مسلمانان آشنا باشند، بدون شک به توجه اسلام به تحصیل دانش، تعلیم دانش و گسترش علم پی می‌برند و آنان که با تاریخ علم در جهان آشنا هستند، می‌دانند که نقش دانشمندان مسلمان در تولید علم کنونی تا چه اندازه برجسته بوده است.

در اینکه مسلمانان در روزگاران گذشته در پیدایش، گسترش و تولید علم نقش داشته‌اند شکی نیست، ولی این پرسش مطرح است که آیا

امروز نیز ضرورت دارد مسلمانان در این میدان فعال شوند یا نه؟ و آیا نمی‌توان تنها به استفاده از دست آورد دیگران در این زمینه‌ها بسنده کرد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: در جهان کنونی به دلیل بیداری مسلمانان در قرن اخیر به واسطه انقلاب اسلامی ایران، نمی‌توانیم نظاره‌گر صرف پیشرفت علم باشیم و از دست آوردهای علمی دیگران استفاده کنیم، بلکه باید خودمان با جدیت فراوان وارد این میدان شویم و همان‌گونه که پرچمداری حدیث بیداری مسلمانان را در اختیار داریم، پرچمداری تولید علم را دست کم در دنیای اسلام در اختیار داشته باشیم. با کمترین توجه به جهان امروز و درک روابط بین‌المللی می‌توان به این ضرورت پی برد، ولی برای روشن‌تر شدن بحث، به بعضی از مواردی که این ضرورت را ایجاد می‌کند، اشاره می‌کنیم. جاودانی و جهانی بودن اسلام، جامع بودن و گسترش یافتن دین و رشد علوم از آن جمله‌اند.

درباره رشد علوم باید گفت: نیاز بشر به اختراع و اکتشاف، به قدمت تاریخ بشر می‌رسد. بر این اساس، رشد علم هرگز متوقف نشده است، بلکه هر چه زمان جلوتر آمده، بر سرعت آن افزوده شده است. با این تفاوت که محیط رشد و عوامل رشددهنده او متفاوت بوده‌اند. رشد علوم، گرچه با انگیزه رفع مشکلات بشر و ایجاد آسایش برای او ادامه یافته است، برای دین، هم آثار مثبت و هم آثار منفی داشته است. در کنار آثار مثبت فراوان آن، دست کم دو محور آثار منفی برای دین‌داران، نه برای دین، به دنبال داشته است که این دو عبارتند از:

۱. رشد علوم، در مواردی با متون دینی تعارض پیدا کرده است، به خصوص در قرون وسطا و دین مسیحیت که این امر، از خرافی بودن آن متون حکایت دارد، همانند عمر دنیا، آفرینش جهان رشد علوم تجربی در دوره رنسانس، نه تنها قداست کتاب مقدس را به تردید جدی دچار کرد

بلکه بسیاری از باورهای آنان را نیز مورد شک و تردید قرار داد و کلیسا را در مقابل دانشمندان و علم نهاد. برخورد کلیسایان، آثار بسیار منفی برای همه دین‌ها و دین‌داران در پی داشت که خود، قصه‌ای غم‌انگیز دارد.

۲. رشد علوم در مواردی احکام و عقاید دینی را به چالش کشیده است.

الف) درگیری کفر جهانی و محروم ماندن از امکانات جهانی: تقابل اندیشه توحیدی و کفر، تقابلی فکری و تاریخی است، ولی امروز این تقابل به درگیری فیزیکی کشیده شده است. با این تفاوت که جبهه کفر در کفرشان متحد، ولی جبهه مسلمانان در اسلامشان پراکنده هستند. در نتیجه، جبهه کفر نه تنها از تمام توانمندی‌های جهانی برای مبارزه با اسلام استفاده می‌کند، بلکه از امکانات کشورهای اسلامی نیز سود می‌جوید. با این تفاوت که در جبهه کفر، همه، مبارزه با اندیشه توحیدی را به عنوان یک اصل مسلم و استراتژی پذیرفته‌اند و تنها چهره‌های تبلیغاتی آن عوض می‌شود، مانند مبارزه با تروریسم و مبارزه برای حقوق بشر. در حالی که در جبهه مسلمانان، بسیاری از کسانی که جزو حاکمان کشورهای اسلامی هستند و باید در این میدان حضور فعال داشته باشند و ملت‌های اسلامی را آماده درگیری و رهبری کنند، خود یا از عوامل کفر جهانی هستند یا مرعوب کفر جهانی یا بی‌انگیزه نسبت به این رویارویی شده‌اند.

ب) ایجاد حکومت جهانی: گرچه مبارزه کفر با توحید، تاریخی است و در مقاطعی نیز پیروزی کفر را نشان داده است، این مبارزه یک روز باید به پایان برسد و در اندیشه توحیدی شیعی نیز روزی این درگیری (مبارزه کفر با توحید) به اوج خود خواهد رسید.

## ۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران

### اشاره

۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران

در صد سال اخیر کسانی که درباره موانع پیشرفت جامعه سخن گفته‌اند، معمولاً عواملی را که مانع پیشرفت جامعه شده‌اند، به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. مداخله کشورهای خارجی، استعمار و انواع سلطه طلبی‌ها؛

۲. رژیم‌های سیاسی حاکم.

وجود این دو عامل انکارناشدنی است، ولی مسئله مهم‌تر از این دو عامل، وضع فرهنگی مردم است. به تعبیر دیگر، آسیب‌شناسی فرهنگی مردم ایران و اینکه به لحاظ فرهنگی، چه امور ناپسندی در ذهن و ضمیرشان رسوخ یافته است.

گاه وقتی گفته می‌شود که ما باید عوض شویم؛ یعنی تا ما رفتار اخلاقی سالمی نداشته باشیم، وضع مان بهبود پیدا نمی‌کند و این نکته گفته می‌شود که سود «سرانجام همه» در اخلاقی زیستن است. حال وضع فرهنگی و این اخلاقی زیستن، به یک سری نگرش‌های ذهنی نیز بستگی دارد که باید به آنها توجه کرد.

نگرش‌های ذهنی، اموری هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه در ما راسخ شده‌اند و ما در همه کنش‌ها و واکنش‌ها تحت تأثیر این نگرش‌ها هستیم که لزوماً جنبه اخلاقی هم ندارد و برای تغییر آنها نباید رفتار اخلاقی ما تغییر کند. در مقابل، این نگرش‌ها هستند که اخلاق ما را به جهت ناسالمی می‌کشانند. آن بخش از مسائل فرهنگی که به نگرش ایرانیان مربوط می‌شود و با مسئله خلاقیت و تولید علم بی‌ارتباط نیست، به شرح زیر است:

### الف) پیش‌داوری

#### الف) پیش‌داوری

نخستین ویژگی که در ما وجود دارد، پیش‌داوری‌های فراوان درباره بسیاری از امور است. اگر هر کدام از ما به درون خودمان رجوع کنیم، پیش‌داوری‌های فراوان می‌بینیم. این پیش‌داوری‌ها در کنش و واکنش‌های اجتماعی ما تأثیرهای منفی زیادی دارد. منظور از پیش‌داوری، بیشتر پیش‌داوری منفی است. با این حال، ولی آثار ویرانگر آن به پیش‌داوری منفی منحصر نیست،

بلکه پیش‌داوری‌های مثبت نیز آثار مخرب خود را دارد از جمله، خوش‌بینی‌های نابجا که درباره برخی افراد و گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی داریم.

### (ب) جزمیت و جمود

(ب) جزمیت و جمود

نوعی جزمیت و جمود در ما ریشه کرده است. آنچه در ما وجود دارد و از آن به جزم و جمود تعبیر می‌شود، این مسئله است که باور ما یک زمینه دارد. برای مثال اگر ما معتقد باشیم که فلان گزاره درست است، این مشکل‌ساز نیست. حال اگر معتقد باشیم که فلان گزاره محال است که درست نباشد، این محال است و انسان را به انسان دیگری تبدیل می‌کند و کمتر پیش می‌آید که ما به چیزی معتقد باشیم و یک «محال است» به این اعتقادمان ضمیمه نشود.

به تعبیر دیگر وقتی ما یک عقیده داریم که فلان گزاره درست است، یک عقیده دوم داریم که گریزناپذیر است که فلان گزاره درست نباشد.

### (ج) هم‌رنگی با جماعت

(ج) هم‌رنگی با جماعت

به این معنا که ما هیچ‌گاه در برابر جمهوری‌ای که با آن سروکار داریم، نتوانستیم سخنی بگوییم که در مقابله با آن است و همیشه هم‌رنگ شدن با جماعت، برای ما مهم است.

### (د) تلقین پذیری

(د) تلقین پذیری

تلقین یعنی رأی را بیان کردن و آرای مخالف را بیان نکردن و مخاطب را در معرض همین رأی قرار دادن. هر وقت شما در برابر هر عقیده‌ای نظر مخالفان آن را هم خواستید، نشان می‌دهد که تلقین‌پذیر نیستید. تلقین‌پذیری یعنی پذیرش تک‌آوایی.

### (هـ) تقلید

(هـ) تقلید

تقلید یعنی اینکه من آگاهانه یا ناآگاهانه از الگوی شخصی خاص پیروی کنم. به عبارت دیگر، من خودم را مانند تو می‌کنم و به تو شباهت می‌جویم و تقلید یعنی من تو را الگو گرفته‌ام.



**(و) شخصیت پرستی**

(و) شخصیت پرستی

شخصیت پرستی به این معناست که خودمان را شکست خورده دیگران بدانیم و رفتار و باورهای آنان را مثبت و مطلق ارزیابی می‌کنیم. در نتیجه، اراده‌ای در جهت نقد و ارزیابی عقاید و افکارشان نداشته باشیم.

**(ز) تعصب**

(ز) تعصب

تعصب هم‌افق با شخصیت پرستی است. تعصب به معنای چسبیدن به آنچه داریم و نگاه نکردن به چیزهای فراوانی که نداریم، به کار می‌رود. اگر من شیفته آنچه دارم شدم و فکر کردم که جای نداشته‌ها را هم برایم می‌گیرد، من به آن تعصب پیدا کرده‌ام و اینجاست که من در قبال کسانی که به آن مسئله وفاداری ندارند، دو دیدگاه پیدا می‌کنم. گروهی خودی می‌شوند و گروهی غیرخودی.

**(ح) جدی نگرفتن زندگی**

(ح) جدی نگرفتن زندگی

انسان‌هایی که زندگی را جدی نمی‌گیرند، چیزهای مهم‌تر را برای چیزهای مهم رها می‌کنند. انسان‌هایی که در طول زندگی خطای تاکتیکی نمی‌کنند، اما خطای استراتژیک عظیم دارند، فراوانند. یعنی کل زندگی را می‌بازند، ولی در ریزه‌کاری‌ها وسواس دارند.

**(ط) داشتن دیدگاه پست به کار**

(ط) داشتن دیدگاه پست به کار

ما کار را فقط برای درآمد می‌خواهیم. بنابراین، اگر درآمد را بتوانیم از راه بی‌کاری هم به دست آوریم، از کار استقبال نمی‌کنیم. در واقع ما کار کردن را ناگزیر می‌دانیم در حالی که باید دیدگاه مولوی را درباره کار داشته باشیم که معتقد بود «کار جوهر انسان است». پس دیدگاه ما به کار نباید پست و بی‌ارزش باشد.

**(ی) مصرف‌زدگی**

ی) مصرف‌زدگی

وقتی دیدگاه‌ها به کار چنین است، درباره مصرف نیز دیدگاه‌ها همان‌ها می‌شود و به مصرف‌زدگی دچار می‌شویم.  
وقتی ما بحث مصرف‌زدگی را

مطرح می‌کنیم، چنین می‌گویند که شما از اوضاع جامعه و فقر خبر ندارید. حال آنکه مصرف‌زدگی، یک دیدگاه است، نه یک امکان. یعنی فرد فقیر هم آرزو می‌کند که ای کاش بیشتر داشتم و بیشتر مصرف می‌کردم. کدام‌یک از ما برای آرمان‌های خود حاضر است به قدر ضرورت بسنده کند. این مصرف‌زدگی ما را به پستی می‌کشاند. اگر فقط ما بودیم و امور ضروری زندگی، دیگر مجبور به کرنش کردن نبودیم.

### **ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت**

ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت

مردمی که منافع کوتاه‌مدت را ببینند و قدرت دیدن منافع درازمدت را نداشته باشند، در معرض فریب‌خوردگی هستند. دلیل موفقیت سیاست‌های «پوپولیستی» یا همان عوام‌فریبی، ندیدن منافع درازمدت است. وقتی منافع بلندمدت دیده نشود، منافع کوتاه‌مدت تأمین می‌شود؛ به قیمت نکبت و ادبار درازمدت.

### **۸. نگاه هدف مند و مولد به علم**

۸. نگاه هدف مند و مولد به علم

با توجه به ناکارآمدی حاکمان پیش از انقلاب، فاصله ما با کاروان علمی دنیا بسیار طولانی شده است. از این رو، عزم پولادین و استوار برای پیدا کردن و پیمودن راه‌های میان‌بُر لازم است. با این حال، در این مسیر باید به کیفیت علم و دانش توجه و از بسنده کردن به ترجمه صرف پرهیز کرد. نگاه باید مولدانه باشد و تولید علم به سوی فرهنگ و نیازهای اجتماعی جامعه و بومی کردن علم و دانش گرایش داشته باشد. هدف، یک هدف کوتاه مثل نیاز به اعزام دانشجو به خارج از کشور و برآورده کردن بی‌نیازی علمی جامعه کنونی نیست. باید به افق‌های دور نگریم و آن، بازسازی تمدن اسلامی در پرتو تولید علم است. امروزه نسبت بین تمدن و علم تا حدودی جابه‌جا شده است. در گذشته تمدنی پدید می‌آمد و در سایه آن علم شکوفا می‌شد. ولی امروزه شرط اساسی و نخستین پیدایش تمدن، تولید علم و

دانش و پاسخ گویی به چالش های فراروی علمی و فرهنگی است. از این رو، باید به گونه ای جدی گوهرهای درخشان علوم اسلام شناسایی و فراروی جامعه انسانی نهاده شود. تولید علم و نوآوری، نیازمند زمینه مناسب است. باید شرایط و زمینه تولید علم را پدید آوریم. با دستور دادن نمی توان کسی را به تولید علم و نوآوری موظف کرد، بلکه علم با رشد بسترش توسعه می یابد و در این بستر است که نشاط و اقتدار جوانی می تواند شکوفا شود. اگر این زمینه آماده شود، آن می شود که معدل سنی جوانان ما که در مسئله چرخه سوخت هسته ای مشغول فعالیت اند، ۲۵ سال می شود و طرح های پیچیده جوانان رزمنده ما در صنایع دفاعی و عملیات نظامی، امروزه به عنوان مباحث کلاسیک دانشگاه های جنگ و دفاع تدریس می شود. مجامع علمی ما باید فضای آزاد را برای پرسش گری و نواندیشی فراهم آورند تا جوانان دیدگاه های خود را ابراز کنند و در بیان عقاید خود، به چیزهای ناشایست متهم نشوند. در کنار این فضای آزاداندیشی، مدیران موظف اند که معیشت اندیش وران را در حد لازم تأمین کنند و در کنار این فضا و شرایط، محقق باید آزادی معنوی داشته باشد، چنان که در روایتی معروف از حضرت علی (ع) آمده که: «لَا يَحْسُنُوا الْعِلْمَ إِلَّا بِخَمْسٍ؛ علم حاصل نمی شود مگر با پنج شرط:

بکثره الطلب: باید زیاد به دنبال علم برویم و در پرتو تلاش و مطالعه زیاد و تحقیق کنیم.

بکثره السؤال: کسی که سؤال نمی کند، رشد کافی نخواهد داشت.

بمعرفة الرجال: با انسان های اندیشمند باید رابطه داشته باشیم تا از دریای بی کران علم آنها بهره مند شویم.

بتطهير الاعمال: عملمان را پاک و پاکیزه کنیم. وقتی دل پاک شد، قابلیت بهره مندی از الطاف الهی را می یابد.

بتوفیق ذی‌الجلال: در کنار همه شرایط، خدا هم باید بخواهد. تولید علم در پرتو تزکیه و خواست الهی محقق خواهد شد. پس هیچ گاه نباید قدرت قاهره الهی و توکل و توسل به آن ذات لایزال را از یاد برد».

تکیه بر تقوا و دانش بر طریقت کافر است

رهر و ار صد هنر دارد توکل بایش

## ۹. پایگاه توسعه علمی

۹. پایگاه توسعه علمی

امروزه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، پیوند تنگاتنگی با فعالیت‌ها و عملکرد مراکز علمی و دانشگاهی دارد. از این رو، در برنامه سوم توسعه برای نخستین بار مقوله توسعه علمی در کنار توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار گرفت؛ زیرا توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بدون توسعه علمی ممکن نیست.

نیروی انسانی و نهادهای علمی، به عنوان اصلی‌ترین تولیدکنندگان دانش، چرخ پیشرفت را به جلو می‌رانند. رسالت اصلی و اساسی مراکز فرهنگی و نظام دانشگاهی، تولید و ترویج علم است و بار سنگین آن را بر دوش می‌کشند.

دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی، به عنوان نهادهای علمی، پایگاه و خاستگاه توسعه علمی به شمار می‌روند. فرآیندهای تولید، انتقال، توزیع و ترویج دانش، بیشتر در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌ها شکل می‌گیرند. از این نظر، دانشگاه به مفهوم اردوگاه علم جدید و کانون اصلی توسعه علمی باید شامل توجه دولت و حکومت قرار گیرد و زمینه‌های لازم برای استقلال این نهاد علمی فراهم شود.

اعضای هیئت علمی و دانشجویان، از عناصر اصلی نظام توسعه علمی کشور در بعد نیروی انسانی و به عنوان مهم‌ترین عاملان رشد کیفیت علمی و پژوهشی و محور همه فعالیت‌های دانشجویی، پژوهشی و

آموزشی هستند که باید با فراهم آوردن امکانات آزادانه تحقیق، کاوش، نشر و مبادله دست آوردهای علمی و پژوهشی برای آنها، امکان تحقق توسعه علمی را امکان پذیر ساخت.

از این رو، آیت الله خامنه‌ای در جمع رؤسای دانشگاه‌ها، اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه‌های استان خراسان رضوی، نقش و رسالت دانشگاه‌ها را در مسیر پیشرفت علمی کشور، تعیین کننده می‌داند. امروز یکی از مهم‌ترین مسائل برای حفظ هویت، استقلال، عزت و آینده ملت ایران، جدی گرفتن تحقیق علمی و حرکت پی‌گیر و برنامه‌ریزی شده در جهت رشد علمی کشور، بدون اتلاف وقت است.

ایشان با اشاره به نقش عمده، حساس و حیاتی دانشگاه‌ها در حرکت شایسته علمی کشور می‌فرماید:

«در دنیای امروز مبنای مناسبت‌ها و تحرکات بین‌المللی قدرت است و قدرت هر کشور نیز ناشی از علم و توانمندی علمی آن کشور است».<sup>(۱)</sup>

مقام معظم رهبری با بیان اینکه علم درون‌زا اقتداربخش خواهد بود، خاطر نشان می‌سازد:

علت اینکه در سال‌های اخیر بر مسئله تولید علم و لزوم شکستن مرزهای علمی تأکید شده، زمینه‌سازی برای علم درون‌زا و تولید بومی علم است. بنابراین، باید نگاه به دانشگاه، استاد و دانشجو بر مبنای چنین دیدگاهی باشد و تولید علم در سطح دانشجویان و دانشگاه‌ها جدی گرفته شود.<sup>(۲)</sup>

ایشان استفاده از استادان باتجربه در کنار زمینه‌سازی جدی برای رشد علمی دانشجویان جوان و مستعد دوره‌های تحصیلات تکمیلی را به منظور تربیت استادان آینده، ضروری می‌داند و می‌فرماید: «دانشگاه‌ها

۱- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.

باید از لحاظ تدریس، به میدان پرتحرک علمی و مباحثه دائم و پژوهش تبدیل شوند»<sup>(۱)</sup>.

رهبر معظم انقلاب، تقویت روحیه پرسشگری و پژوهشگری پیوسته را میان دانشجویان، از وظایف مهم مسئولان دانشگاه‌ها و استادان می‌داند و تأکید می‌کند:

پیشرفت علمی کشور نیازمند نقشه جامع حرکت علمی کشور و تعیین اولویت‌های علمی و ارتباط آنها با نیازهای جامعه است و این مهم، باید به مطالبه‌ای عمومی میان استادان و محققان دانشگاه‌ها تبدیل شود.

مقام معظم رهبری توجه بیش از پیش مدیران دانشگاه‌ها و استادان را به زمینه‌های رشد علمی دانشجویان، همچون کارگاه‌های آموزشی، اردوهای علمی و تشویق نوآوری‌های علمی، ضروری می‌داند و می‌افزاید:

ارتباط صنعت و دانشگاه‌ها نیز یکی از زمینه‌های مهم برای رشد علمی محققان جوان است که این نیاز جدی، خوش بختانه در دولت نهم برآورده شد و تأسیس معاونت علمی از برکات این دولت است که می‌تواند کارهای مهم و مفیدی انجام دهد.

ایشان با تأکید بر لزوم توجه بیش از پیش مسئولان به بودجه بخش پژوهش می‌گویند:

مسئولان به ویژه وزیر محترم علوم، تحقیقات و فن‌آوری باید پی‌گیر این مسئله در دولت باشند؛ زیرا امروز تحقیقات، موضوعی تجملاتی نیست، بلکه امری حیاتی است.

#### ۱۰. موانع توسعه علمی

##### ۱۰. موانع توسعه علمی

موانع رشد علمی در کشور، از مدت‌ها پیش دغدغه خاطر دانشمندان فرهیخته و دل‌سوز ایرانی بوده است. آنها همواره این پرسش را در سر و

---

۱- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.

این غم را در دل داشته اند که چرا کشورشان که در گذشته، سالیان دراز مهد علم و تمدن بوده، امروزه در مقایسه با پیشرفت‌های علمی غرب، این‌چنین با رکود و پسرفت روبه‌رو شده است. آنها را سوزی بود در دل که نه در داخل اجازه بیان آن را داشتند و نه در خارج مایل به بیان آن بودند. (۱)

موانع رشد و توسعه علمی در ایران، بسیارند. گاه این موانع از سوی شخصیت‌های با نفوذ اجتماع که خود از علم بهره‌ای نبرده اند یا قوانین دست و پاگیر تصویب شده که افراد مغرض بر جامعه اداری و دانشگاهی تحمیل می‌کنند، به وجود می‌آیند. مواردی چون: کاربرد روش‌های دیوان‌سالارانه اداری، تمرکز قدرت تصمیم‌گیری، ساختارهای انعطاف‌ناپذیر، مدیریت اقتدارگرا و غیرمشارکتی در مؤسسه‌های آموزشی، از جمله عوامل بازدارنده توسعه علمی و کاهش نقش دانشگاه‌ها در پویایی علمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای توسعه علمی و فن‌آوری کشور به شمار می‌آیند.

با این بیان، مهم‌ترین موانع توسعه علمی عبارتند از:

۱. حاکمیت فرهنگ طرد و مقابله با هرگونه خلاقیت، ابتکار و نوآوری؛
۲. ضعف ساختاری نظام آموزش عالی در پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی کشور و نداشتن آمادگی مناسب و کافی هم‌زمان با دگرگونی‌های فن‌آوری؛
۳. درگیر بودن نخبگان و صاحبان اندیشه با مشکلات معیشتی و بهره‌مند نبودن از امکانات و تسهیلات رفاهی؛
۴. اهتمام به عالم‌پروری (تدریس محوری) و غفلت از توجه به روحیه علمی و جست‌وجوگری (پژوهش محوری)، در جهت‌گیری اصلی دانشگاه‌ها؛

---

۱- رفیع‌پور، موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن، تهران، انتشار، ۱۳۸۱، ص ۱۳.



۵. کم توجهی به استقرار مدیریت علمی در بخش های مختلف اداره کشور؛

۶. سرمایه گذاری اندک در زمینه های پژوهشی و تبدیل پژوهش به ابزاری برای کسب منزلت اجتماعی و ارتقای شغلی؛

۷. نبودن سازوکار و ابزارهای حقوقی و ملی کارآمد در کشور برای تأمین و حفظ حقوق معنوی و مادی دانشمندان، محققان، مکتشفان و مخترعان؛

۸. اندک بودن سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی؛

۹. ناچیز بودن نقش بخش خصوصی در فعالیت های تحقیقاتی و تأمین هزینه های آن؛

۱۰. نبودن نیروی فنی و پشتیبانی امر تحقیقات از جایگاه شغلی لازم؛

۱۱. پایین بودن سهم کشور در تولید جهانی علم و نبود سازوکار لازم برای اطلاع رسانی در زمینه علم و فن آوری در کشور.

اینها دردها و دغدغه های مشترک همه کسانی است که با تعهد دینی و اجتماعی و با درک و تجربه کارشناسی به امروز و فردای اسلام، ایران و انقلاب اسلامی می اندیشند و در حقیقت، پیشبرد اصلاحات، دگرگونی های ساختاری و حفظ سرمایه های اجتماعی را فرصتی برای جبران عقب ماندگی های تاریخی می دانند. امیدواریم همه دست اندرکاران امور فرهنگی کشور به سهم خود با اهتمام به این دغدغه ها و دردها و تلاش برای پاسخ گویی به این چالش ها، فرصتی ارزنده برای توسعه علمی کشور فراهم سازند.

## ۱۱. راه کارهای توسعه علمی

۱۱. راه کارهای توسعه علمی

حل مسائل بسیار پیچیده در زمینه تولید و توسعه علم و ارائه راه کارهای مناسب آن، کار یک شخص بسیار اندیشمند و باتجربه نیست. این امر به همکاری تعداد زیادی از اندیشمندان نیاز دارد که بتوانند با یکدیگر به طور گروهی و هماهنگ \_ به دور از تضادها و حسادت ها \_ مخلصانه مسائل را بررسی و راه حل های مناسب و راه کارهای عملی برای توسعه علمی را ارائه کنند.

«نخست باید به فکر فراهم آوردن شرایط (یک نظام تفکر ساز) و ساختن افراد متفکر خداجوی، یعنی به فکر سازمان دهی کشور بود تا افراد متفکر، وطن دوست و متقی بتواند چاره جوی مسائل باشند»<sup>(۱)</sup>.

باید توجه داشت راه برون رفت از بحران‌های علمی و رسیدن به توسعه علمی، فراهم آوردن عوامل تحقق، آزاداندیشی و تحرک اجرایی به منظور دستیابی به خواسته هاست. توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار کشور، تنها با توسعه علمی امکان پذیر است.<sup>(۲)</sup> و این امر ارائه راه کارهایی را می طلبد که با آن بتوان به توسعه علمی همه جانبه رسید.

بدین ترتیب، مهم ترین راه کارهای توسعه علمی را می توان چنین برشمرد:

۱. تحول فرهنگی و اخلاقی که سازندگی اجتماعی را به دنبال دارد، به عنوان یکی از عوامل مهم و بستر ساز نهضت توسعه علمی؛

۲. تقویت و توسعه علوم انسانی و رفع انزوا و مهجور ماندن آن و تبدیل آن به علوم زاینده و پاسخ گو به نیازهای دینی و اجتماعی، با توجه به محور بودن این گونه دانش ها در توسعه علمی؛

۳. توسعه مراکز تحقیقاتی و تقویت انجمن های علمی؛

۴. توجه به حاکمیت مدیریت علمی و فرهنگ آموزش در همه عرصه ها؛

۵. در امان ماندن نخبگان و پژوهش گران در خلال تغییر و دگرگونی های سیاسی؛

۶. بازبینی و تجدیدنظر در تشکیلات، روش ها، فرآیندها و ساختارهای درونی دانشگاه ها، برای تأمین بالاترین پویایی لازم در توسعه فعالیت های علمی دانشگاه ها؛

۷. مشارکت فعالانه دانشگاه ها در روشن کردن سیاست های علمی و فن آوری کشور.

۱- رفیع پور، توسعه و تضاد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۷.

۲- علی اشرف عیوضی، مقاله «نقش مجمع صنفی در تبیین حقوق مادی و معنوی دانشگاهیان»، خبرنامه تحقیقات و فن آوری، ش ۲۵، مرداد ۱۳۸۳، ص ۱۲.

## فصل دوم: انگیزه‌های تولید علم

### اشاره

فصل دوم: انگیزه‌های تولید علم

مقصود از تولید علم، مطلق علم در همه زمینه‌هایی است که به آسایش و سعادت مردم کمک کند که البته به علوم رایج در حوزه‌ها اختصاص ندارد و آنچه الهی بودن یا نبودن علم را مشخص می‌کند، انگیزه است. یعنی اگر علم توحید و معارف دینی هم با انگیزه غیرخدایی دنبال شود، این علم خدایی نیست و اگر علوم طبیعی با انگیزه خدایی دنبال شود، علمی الهی خواهد بود.

بنابراین، در اندیشه دینی، انگیزه تولید علم می‌تواند این امور باشد:

#### ۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛ ۲. کشف حقیقت؛

۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛

#### ۲. کشف حقیقت؛

#### ۳. دفاع از اندیشه دینی.

۳. دفاع از اندیشه دینی.

همان گونه که پیش تر بیان شد، دشمنان دین برای نابودی اندیشه دینی همه تلاش خود را به کار می‌گیرند. از جمله این تلاش‌ها، ایجاد شبهه‌های فراروی اندیشه دینی است که در این میدان، عالمان دینی وظیفه‌ای خطیر دارند.

تلاش در این زمینه، جز با دانش و تولید علم ممکن نیست. بنا بر یک نمونه تاریخی، شیخ طوسی در مقدمه تهذیب الاحکام می‌گوید:

یکی از دوستان با من راجع به احادیث شیعه و اختلاف آنها مذاکره کرده است و می گفت احادیث به گونه ای است که هیچ حدیثی پیدا نمی کنی، مگر اینکه ضد آن حدیث هم پیدا می شود و مخالفان شیعه این اختلاف احادیث شیعه را دلیل بر بطلان مذهب شیعه دانسته اند و مدعی شده اند که بر اساس عقاید شیعی، نصب امام از طرف خداوند برای جلوگیری از اختلاف ملت می باشد و بر این اساس، شیعه نباید هیچ اختلافی داشته باشد. در حالی که اختلاف شیعه بیش از اختلاف اهل سنت است و این مسئله، حکایت از آن دارد که اندیشه شیعه باطل است. این شبهه را به گونه ای پخش کرده اند که عده ای به خاطر همین از تشیع برگشته اند... مشغول شدن به شرح کتابی که دربرگیرنده توجیه اخبار مختلف و متضاد باشد، از مهم ترین وظایف دینی و از بهترین وسایل برای تقرب به خداست.

بدین ترتیب، آنچه شیخ را به این اقدام وادار کرده است، پاسخ گویی به شبهه های مخالفان است، ولی محصول آن، ۱۰ جلد کتاب تهذیب الاحکام است و در سراسر این کتاب، شیخ به تولید نظریه در جمع روایت ها می پردازد.

#### ۴. انجام دادن تکلیف

#### ۴. انجام دادن تکلیف

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.

هنگامی که بین امت من بدعت ها آشکار شد، وظیفه عالم است که علمش را اظهار و بدعت را افشا کند، پس عالمی که چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.

البته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر می فرماید: «در هر برهه ای از زمان انسان های وظیفه شناس و دردمند پیدا خواهند شد که بار حفظ و نگهبانی از دین خدا را بر دوش خواهند کشید».

يُنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ. (۱)

تفسیرهای باطل اندیشان و تحریف های افراط گران را از ساحت احکام الهی دور می کنند.

پیش از بیان نمونه تاریخی این عامل تذکر چند نکته لازم است:

الف) تولید علم و نظریه باجمود فکری امکان ندارد. آنان که اندیشه تولید علم دارند، باید جسارت داشته و آزاداندیش باشند و از هیاهوی متحجران نترسند؛ زیرا آزاداندیشی در اندیشه دینی چنین بیان شده است.

راوی می گوید به امام صادق(ع) عرض کردم، من در مسجد می نشینم، مردم از من مسئله می پرسند، اگر بشناسم که او از اهل سنت است، نظر اهل سنت را برایش می گویم و اگر نشناسم که او پیرو چه مذهبی است، هم نظر شما را بیان می کنم و هم نظر اهل سنت را تا خودش یکی را انتخاب کند و اگر بشناسم که شیعه است، نظر شما را برایش بیان می کنم. امام صادق(ع) فرمود: «خداوند تو را رحمت کند، به همین شیوه عمل کن».

ب) باید توجه داشت که هر اظهارنظر جدیدی را نمی توان بدعت دانست، بلکه می توان گفت بدعت از دو گروه سر می زند:

اول \_ اظهارنظر غیرمتخصص: کسی که صلاحیت اظهارنظر در مسائل شرعی و اندیشه های دینی را ندارد، وقتی اظهارنظر می کند و به بدعت کشیده می شود، برای اظهارنظر در هر مسئله ای باید تخصص داشته باشد.

کسی که قدم در راه تولید فکر می گذارد، باید درباره موضوع موردنظر اطلاعات و آگاهی های لازم را داشته باشد تا کالای فکری او جامع و مطلوب باشد در غیر این صورت، خسارت کالای غیر استاندارد، به مراتب بیش از استفاده آن خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُهُ. (۱)

کسی که بدون داشتن دانش لازم و تخصصی برای مردم فتوا می دهد، فسادی که در دین به وجود می آورد، به مراتب بیشتر از اصلاحی است که به آن می پردازد.

در آموزه های اسلامی، نخست انسان ها به دانش اندوختی و تکمیل دانسته ها می پردازند، پس نظر خویش را ارائه می کنند. از نگاه اسلام، نظریه پردازی هایی که پشتوانه علمی ندارد و اسباب گمراهی دیگران را فراهم می آورد، گناهی بس سنگین دارد. برای نمونه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بَغَيْرِ مَا عَلِمَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلْجَمًا بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ. (۱)

هرکس درباره معانی و مفاهیم قرآن، بدون اینکه دانش آن را آموخته باشد اظهار نظر کند، روز قیامت در حالی که دهانه ای آتشین بر دهان او زده اند، به صحنه محشر وارد خواهد شد.

دوم \_ اظهار نظر متخصص بی توجه

گرچه انسان متخصص حق دارد در حوزه تخصص خود اظهار نظر کند، ولی باید همیشه این دغدغه را داشته باشد که آیا روشی که او را به این نظریه رسانده درست بوده است یا نه؟ آیا ضابطه ها و قواعد را در استنباط حکم درست اعمال کرده است یا نه؟ زیرا اظهار نظر چنین تخصصی هم به بدعت کشیده می شود.

## ۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی

۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی

با توجه به اندیشه جامعیت دین، هیچ مسلمانی نمی تواند در برابر مشکلات و کاستی های جامعه اسلامی بی تفاوت باشد، تا چه رسد به محققان مسلمان.

بنابراین، در تولید علم اگر هیچ انگیزه ای جز رهایی از استعمار و فشارهای آنان وجود نداشته باشد، ارزش قدم گذاردن در این میدان را دارد؛ زیرا چپاول گران برای غارت منابع اقتصادی ملت ها، از هر وسیله ای استفاده می کنند. آنان برای رسیدن به هدف های خود به فشارهای مستقیم و غیرمستقیم متوسل می شوند و قوی ترین اهرم فشار آنان نیاز ملت ها به علم و فن آوری برای اداره جامعه و رفع مشکلات آن است. بنابراین، برای رهایی از این فشارها راهی جز تولید علم نداریم.

## فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها

### اشاره

فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها

درباره ارزش و جایگاه والایی که اسلام برای علم قائل شده است، تردیدی نیست. خداوند می فرماید:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ. (زمر: ۹)

علم، موهبتی است الهی و منشأ و منبعی ربانی دارد. بنابراین، تولید علم به معنای واقعی جز در پرتو ارتباط معنوی با منبع علم و دست یابی به حقیقت علم، جز به توفیق خاص فراهم نمی آید.

تولید علم، فرآیندی است که پیوسته در حال رخ دادن است. نه می توان جلوی تولید علم را گرفت و نه می توان تولید علم را در برخی زمینه ها متوقف کرد. آهنگ تولید علم تابع شرایط است. گاهی این تولید سرعت می گیرد و گاه از سرعتش کاسته می شود. سرعت گرفتن یا کند شدن آهنگ تولید علم، بسته به وضعی است که در مجموع بر فضای علمی و فکری جامعه حاکم است. برخی عواملی که می تواند علم را تولید کند عبارتند از:

### ۱. موانع تولید علم

#### اشاره

۱. موانع تولید علم

زیر فصل ها

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران

ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل

ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان

د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی

هـ) عدم بومی سازی علوم غربی

و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها

ز) دیگر موانع تولید علم

### **الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران**

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران

یکی از بزرگ ترین موانع تولید علم، عظمت عالمان است. وقتی با یک اندیشه یا اندیش ورز بزرگی روبه رو می شویم و آن فکر یا متفکر در نظرمان بزرگ می نماید، جای تردید در هیچ یک از کلمات و اندیشه هایش نمی یابیم. و در واقع، امکان تولید علم از ما گرفته می شود. در گذشته این



عظمت به حدی بود که کمتر کسی جرئت و فرصت انتقاد می یافت، ولی امروزه تا حدود زیادی این سنت شکسته شده است. البته نه اینکه نقد به معنای حرمت شکنی باشد، بلکه در عین حراست از حرمت ها، اندیشه ها نقد می شود.

به این منظور، باید نخست حرمت اندیشه و اندیشمند را پاس بداریم و این حرمت و احترام اقتضا می کند که نخست به درستی، اندیشه او را فهم کنیم و آن گاه با رعایت انصاف، به نقد عالمانه آن پردازیم. قضاوت ها باید دقیق و پس از فهم نظریه ها باشد و نقدی هم که انجام می شود، از سر فهم و درک عمیق است.

### (ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل

(ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل

مانع دیگری که ما در تولید علم به ویژه در تولید علم دینی با آن روبه رو هستیم، کوتاهی و زیاده روی در حوزه خردورزی است. بشر به طبیعت خود، همواره در جست و جوی این بوده که هر چیزی را با عقل و فهم خودش بفهمد و تحلیل کند. در این راه به دو گرایش برمی خوریم:

الف) گرایش افراطی عقل گرا که می خواهد همه مفاهیم دینی را با تعقل بررسی کند و هر چه را از دایره تعقل او خارج باشد، انکار می کند.

ب) دیدگاه متحجر نقل گرا که کاملاً عقل را کنار می زند و گمان می کند که می توان بدون عقل بر سر سفره نقل نشست و به فهم درست نقل پرداخت. در جایی که، ویژگی مکتب فکری ائمه اصرار بر تعقل در حوزه وحی و باور دینی است، آنان خردی را می پذیرند که با نور خدا منور باشد، نه عقل گرایی افراطی که در پی آن باشیم همه چیز را با دانش بسیار اندک خود محک بزیم و راه قیاس را بپیماییم و یا در اصل، خرد بشری را وانهم و بدون تعقل و تفکر به سوی متن و نقل برویم که این نیز اشتباه است و در واقع همان می شود که اخباری های شیعی و ظاهری های سنی گرفتار آن هستند.

**ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان****اشاره****ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان**

بزرگ ترین عامل تولید علم، مولدان علوم اند. از این رو وضع تولید علم در جامعه ارتباط مستقیم با وضع عالم و جایگاه او در جامعه دارد. اگر عالم ارزش و قیمت واقعی خود را داشت، می توان توقع داشت که علم رشد کند و اگر خدای ناکرده عالمان در جامعه بی توجه و منزوی بمانند، باید تولید علم را در بوته فراموشی یافت. تکریم عالم، به این است که هر عالمی را در آن جایی که هست بپذیریم؛ نه فراتر و نه فروتر. اگر خواهان رشد علم در جامعه هستیم، باید زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادهای برجسته فراهم کنیم و امکانات بیشتری در اختیارشان قرار دهیم. تولید علم امر مادی و کمی نیست که بتوان با ازدحام جمعیت و افزودن تعداد، به آن دست یافت، بلکه پاسداری از مقام علم و عالمان و دانستن قدر استعدادهای نخبگان، در بستر حوزه و دانشگاه است. باید زمینه و امکان ارائه استعداد آنان را در ظرفی سالم فراهم آورد تا رونمای آنان در محک داوری منصفانه و عالمانه قرار گیرد. متأسفانه آن گونه که شایسته است به نخبگان بها داده نمی شود. بر این اساس، در کشور دانشجویانی تربیت، گزیده هایشان انتخاب و بعد در زمان بهره برداری جذب خارج از کشور می شوند.

**یک \_ نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها****یک \_ نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها**

امروزه ارتباط و تعامل انسان در گستره زمان، در حال تحول و گسترش است، به گونه ای که با گذر از ارتباط چهره به چهره و دست یافتن به ارتباط کتبی و صنعت چاپ و نشر، اکنون گستره دیگری از ارتباط پیش روی انسان است که او را ساکن یک دهکده جهانی می کند. در این دهکده، هر کسی می تواند در آن واحد با تمام دنیا ارتباط دیداری و شنیداری برقرار کند و به تبادل و تعامل دانسته ها، اندیشه ها و دست آوردهای علمی و

فرهنگی پردازد. امروزه می توان در گوشه ای امن و آرام روبه روی رایانه ای نشست و سفری دور و دراز به پُرهیاهوترین مراکز علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان را داشت. در حقیقت، هر چه ابزارهای ارتباطی پیشرفته تر و پیچیده تر شده، به همان نسبت جهان نیز و کوچک تر شده و هر چه جهان کوچک تر شده، ارتباطات نزدیک تر شده است. دانشمندان کشورهای گوناگون می توانند در یک سالن نمادین دور هم گرد بیایند و با استفاده از دستگاه تله کنفرانس در منزل خود درباره آخرین یافته های علمی به بحث و تبادل نظر پردازند.

در این میان، ناگفته پیداست که صورت واقعی دنیا، شکل دیگری است. جهانی که ما در آن به سر می بریم، دو سویه است، یک سو غول های ارتباطی که الگوهای فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی خود را برای مصرف کننده ای اتفاقی و مشتریان همیشگی خود مخابره می کنند و سوی دیگر، کشورهایی که با ابزارهای کوچک و ناچیز خود توان مبادله با این انحصارگران رسانه ای را ندارند. از آن جا که امکانات و ابزار پیشرفت و توسعه انسانی در یک کشور در سطحی پایین تر از برخی دیگر از کشورهاست، همیشه عده ای هستند که رفتن را به ماندن ترجیح می دهند و همین رفتن ها از پایین محله به بالا محله دهکده جهانی، نشان گر این حقیقت است که ارتباط و پیوند بی گسست و متوازی میان کشورها حاکم نیست.

پرسش اصلی اینجاست که چرا بعضی از نخبگان در این دهکده جهانی جابه جا می شوند؟ آیا این مهاجرت آسیب زا است یا سودآور؟

دیدگاهی معتقد است که مهاجرت نخبگان نه تنها به ضرر کشور مبدأ نیست، بلکه سبب می شود اندوخته های ذهنی و توانمندی های علمی فرد در جهت شکوفایی علم و دانش بشری به کار گرفته شود؛ زیرا نیروی

پیش‌برنده جامعه علمی جهانی از منابع علمی سراسر دنیا سود می‌برند. این دیدگاه، دانشمندان و نخبگان را سرمایه‌های جهانی می‌داند که مرز در مورد آنان معنایی ندارد و باید دست آوردهای خود را در اختیار همه قرار دهد. از این منظر، دلیلی ندارد که ما جلوی مهاجرت نخبگان را بگیریم و علتی ندارد که دست آوردهای علمی آنان به سراسر جهان صادر نشود. این دسته معتقدند، در صورت فراهم بودن شرایط، نخبگان علمی و مهاجر پس از پرورش استعدادهای خود با باروری علمی و ذهنی و دستی پر به موطن خود باز می‌گردند.

نگرش گروهی دیگر تا این حد خوش‌بینانه نیست. این گروه فرار مغزها را بر اثر فریب، توطئه و اغواگری کشورهای مقصد می‌دانند و بدین جهت، این مهاجرت را نوعی اجبار به شمار می‌آورند. فریفتن نخبگان و جذب سرمایه‌های انسانی که از مهم‌ترین سرمایه‌های اقتصادی به شمار می‌روند، شیوه جدید استعمار علمی \_ فرهنگی است. این، دیدگاه گروهی است که کشورهای محروم را در معرض تهاجم دست آوردهای علمی و فرهنگی می‌دانند. استعمار نیز با قدرت رسانه‌ای، تصویر غیرواقعی و مثبت از خود ترسیم می‌کند و ناخودآگاه تحصیل کرده‌ها و مخاطبان را مجذوب و مفتون می‌سازد. بدین ترتیب، استعمارگر بدون کمترین هزینه صاحب اندیشمندانی می‌شود که پس از پرورش یافتن در کشور خود برای بهره‌وری رو سوی آنان می‌کنند.

## دو \_ زمینه‌ها و عوامل گریز نخبگان

دو \_ زمینه‌ها و عوامل گریز نخبگان

عده‌ای با نگاه به درون، ضعف برنامه‌ریزی و مشکل منابع انسانی را سبب گریز مغزها از داخل کشور می‌دانند و بر این باورند که اگر امکانات در پرتو برنامه‌ریزی و مدیریت درست به منظور پرورش و بهره‌وری و خلاقیت نخبگان موجود باشد، با پدیده‌ای به نام فرار مغزها

روبه‌رو می‌شویم. پس جوانان به آینده امیدوار می‌شوند و هیچ‌کس رغبت نمی‌کند که موطن خود را ترک کند. این عوامل که به نوعی مغزها و نخبگان علمی \_ فرهنگی کشور را می‌تاراند، در برگیرنده طیفی است شامل بی‌کاری و فقر اقتصادی و سرکوب خواسته‌ها و آرزوهای قانونی، تا وجود مانع در دست‌یابی به شخصیت و احترام لازم.

فرار مغزها در واقع فرار سرمایه‌های نیروی انسانی است که با صرف هزینه به دست می‌آید و قرار است از علم، دانش، تخصص، مهارت، تجربه، توان، سلامتی، قابلیت‌ها و در نهایت نظم و انضباط که به وسیله آموزش و بهداشت در نیروی کار جامعه ذخیره می‌شود و سبب افزایش بهره‌وری نیروی کار در امر تولید می‌شود، استفاده شود. بدین ترتیب، اگر فرار مغزها را مهاجرت نیروی انسانی آموزش دیده و پرورده از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته بدانیم، این مفهوم نزد مردم کشورهای مهاجر فرست، بر نیروی دافعه این جوامع دلالت و نزد کشورهای مهاجرپذیر بر نیروی جاذبه آنها دلالت دارد. در حالت دیگر، بعضی شکل‌های عمده فرار مغزها در شرایط کنونی جهان عبارت از حالت ویژه‌ای است که در کشورهای در حال توسعه، دانش‌آموختگان مقاطع عالی دانشگاهی آنها ارتباط چندانی ندارد.

یکی دیگر از عوامل این است که در کشورهای در حال توسعه، تربیت نیروی انسانی بر اساس اطلاع دقیق از تقاضای نیروی انسانی در کشور صورت نمی‌گیرد. این امر از سویی جواب‌گوی نیروی انسانی برای برخی رشته‌ها نیست و از سوی دیگر، ممکن است بازار کار را با دو جریان نیروهای متخصص و یا هماهنگ نبودن شغل با رشته تحصیلی آنان روبه‌رو کند. بدین روی، بخش عمده‌ای از توان تخصصی صرف فعالیت‌های غیرتخصصی می‌شود. این کشورها به رشته‌هایی از تعلیم و

تربیت اولویت می دهند که نیازهای فوری آنها را برآورده نمی سازد. برای نمونه، در نیجریه، ۶۳ درصد دانشجویان در علوم اجتماعی تحصیل می کنند، در حالی که شرایط و منابع اقتصادی این کشور، تنها در حدود ۴۰ درصد به این رشته ها نیازمند است. کشورهای در حال توسعه در حالی که برای ترقی و رشد خود به شدت به افراد تحصیل کرده در حد متوسط نیاز دارند، بیشتر به علت وجود کنترل تعداد افراد متخصص و مؤسسه آموزشی، با مازاد متخصص در بعضی رشته ها روبه رو هستند. برای نمونه در دهه ۱۹۶۰م. هندوستان ۷۵ هزار مهندس بی کار و فیلپین نیز در دهه ۱۹۷۰م. ۳۵ هزار بیکار داشت. (۱) در این کشورها آموزش فنی و حرفه‌ای در عمل فراموش شده است. برای مثال در کشورهای عربی، آموزش آکادمیک بر آموزش فنی و حرفه‌ای ترجیح دارد و تنها ۱۱ درصد از مجموع کل دانشجویان عرب آموزش فنی و حرفه‌ای می بینند. در حالی که در آلمان فدرال دانشجویان فنی و حرفه‌ای ۴۵ درصد از مجموع دانشجویان آلمان را تشکیل می دهند. همین توجه نکردن به آموزش و تربیت کادرهای فنی لازم، سبب اختلال در عرضه و تقاضای بازار کار شده است. (۲)

هم سو با چنین اندیشه‌ای است که مؤسسه‌های آموزش عالی و برنامه ریزان می کوشند بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی و صنعتی و ساختار آن، تعداد دارندگان مدرک دانشگاهی را زیاد کنند، بدون اینکه پژوهش شود که امکان جذب متخصصان چه قدر است. همچنین در این کشورها در گزینش افراد برای مشاغل نه تنها شایستگی، هوش، مهارت و تجربه داوطلبان لحاظ نمی شود، بلکه بیشترین ارزش به مدرک داده می شود. در مجموع باید گفت که نقصان کیفی نظام آموزشی این

---

۱- روزنامه کیهان، ۵/۴/۱۳۶۴.

۲- روزنامه کیهان، ۲۰/۷/۱۳۶۱.

کشورها، یعنی هماهنگ نبودن محتوای آموزش با نیازهای جامعه یا کاربردی نبودن آن، شناخت نداشتن برنامه ریزان مسائل آموزشی از واقعیت‌ها و نیازهای جامعه، وجود بعضی از ارزش‌ها و معیارها که اهمیت بیشتری را برای مدرک تحصیلی قائل می‌شوند، زمینه را بیش از پیش برای فرار مغزها فراهم می‌سازد. بنابراین، کشورهای در حال توسعه باید سیاست آموزش خود را به سمتی هدایت کنند که بیشترین شمار دانش‌آموختگان شان جذب بازار کار شوند. گاهی یک کشور در حال توسعه، بیش از آنچه بازار کار می‌تواند جذب کند، نیروی انسانی با تحصیلات بسیار بالا به وجود می‌آورد. نرخ پایین رشد اقتصادی در برخی از کشورها نشان می‌دهد که ظرفیت این کشورها برای جذب نیروی انسانی تحصیل کرده، کمتر از ظرفیت شان برای به وجود آوردن چنین افرادی در نظام آموزشی خود است که نتیجه چنین وضعی، بی‌شک مهاجرت است. همچنین در شرایط حاضر نمی‌توان از روند شتابان جهانی شدن در حوزه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ غافل ماند؛ زیرا از بین رفتن مرزهای پیشین سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و شکل‌گیری فضای جدیدی که در آن ملیت کم‌رنگ شده و وفاداری افراد به ملیت معطوف نیست، سبب مهاجرت شده است.

حال اگر چه مسائل مادی و اقتصادی نمی‌تواند علت اصلی تمام مهاجرت‌ها باشد، باید اذعان کرد که به یقین، جاذبه شرایط مادی کشورهای توسعه یافته نقش اساسی در بسیاری از مهاجران را دارد.

### سه \_ فرار مغزها از ایران

سه \_ فرار مغزها از ایران

مهاجرت نخبگان در ایران تا پایان جنگ جهانی دوم، سرنوشت و ماجرای مشابه دیگر کشورهای جهان سوم دارد. ولی پس از جنگ جهانی دوم فرار مغزها با تأخیر نه چندان زیاد در مقایسه با کشورهای کم‌توسعه آغاز شد. اوایل دهه ۵۰ میلادی را باید آغاز این دوره نامید که

پس از کودتای ۱۹۵۳ م. (۱۳۳۲) و تحکیم روابط ایران و امریکا وارد دور جدیدی شد. بدین ترتیب، اعزام محصل به کشورهای خارجی و امریکا به طور منظم و جدی آغاز شد و رشد اقتصادی یکی از هدف های خود را متوجه تربیت متخصصان کرد تا دوام و رشد برنامه های توسعه تضمین شود. در دهه ۶۰ میلادی نیز سیاست جذب متخصصان از سوی ایالات متحده ادامه یافت و این مسیر تا حدود ۱۵ ماه قبل از انقلاب اسلامی که روالی آرام داشت ادامه یافت. پس از این زمان، جریان تازه ای از مهاجرت صاحبان سرمایه و نخبگان سیاسی، اقتصادی و علمی به خارج از کشور پدید آمد، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی که با درون مایه های عمیق فرهنگی صورت گرفت، این روند تا پس از جنگ تحمیلی کاهش محسوسی یافت. با این حال در سال های اخیر نیز دوباره شاهد شکل جدید و در عین حال وسیعی از پدیده های مهاجرت نخبگان هستیم. روند تاریخی این پدیده در کشور ما شامل سه دوره مشخص است.

دهه های ۴۰ و ۵۰ تا پیروزی انقلاب که مقارن باز شدن باب مراوده با غرب بود، این روند با شدت و ضعف ادامه داشت.

مقطع سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ابتدای جنگ تحمیلی که به طور عمده، طیف ناراضیان از انقلاب، مهاجرت را ترجیح دادند.

دوره جدید مهاجرت که از سال ۱۳۶۷ آغاز شده و در پاره ای اوقات شدت هم گرفته است.

بر اساس اطلاعات به دست آمده، تمام ورودی های با رتبه دو رقی (۹۹-۱) کنکور سراسری دانشگاه ها در سال دوم تحصیلی خود برای ادامه تحصیل پس از دوره لیسانس، از بهترین دانشگاه های دنیا با بهترین امکانات نامه دریافت می کنند و تعداد فراوانی از دانش آموزانی هم که در سال های گذشته در المپیادهای مختلف علمی صاحب مقام شده اند، در



یکی از بهترین دانشگاه های خارج از ایران مثل کانادا مشغول شده اند و امید به بازگشت آنان تنها ۳ درصد است. (۱)

در سال های اخیر، مهاجرت سه دسته از متخصصان ایرانی توجه مسئولان و مطبوعات را به خود جلب کرده است. بنا بر آمارهای غیررسمی، وزارت علوم و تحقیقات از برنگشتن برخی از دانشجویان بورسیه شده اظهار نگرانی کرده است. همچنین آمار خروجی اداره کل گذرنامه طی سال ۱۳۷۸ هر روز به طور متوسط ۱۵ کارشناس ارشد و ۳/۲ نفر صاحب مدرک دکترا از کشور خارج شده و در مجموع، ۵۴۷۵ کارشناس در سال ۱۳۷۸ از کشور مهاجرت کرده اند. (۲)

در گزارش دیگر که از سوی یکی از مسئولان وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری در تیر ماه ۱۳۷۸ ارائه شده، از سال ۱۳۶۹ تاکنون ۱۵۱ نفر عضو هیئت علمی به راه های مختلف به خارج از کشور عزیمت کرده و تاکنون برنگشته اند و با تأخیر نگران کننده روبه رو بوده ایم. (۳)

این مهاجرت ها ممکن است دلایل مختلفی همچون هماهنگ نبودن آنان با هنجارها و رفتارها و ارزش های حاکم بر سیاست جمهوری اسلامی یا تنها به دلیل جست و جوی فضا و امکانات بهتر برای پیشرفت علمی و شغلی باشد.

#### **چهار \_ بسترسازی برای فعالیت نخبگان**

چهار \_ بسترسازی برای فعالیت نخبگان

استادان دانشگاه ها و پژوهش گران پر تجربه و با سابقه، سرمایه های خلاق و پر بازده، برای تولید دانش و فن آوری هستند. از آنجا که سن بیشتر این افراد بالاتر از ۳۵ سال است و عده زیادی از آنان تحصیلات خود را

۱- علی وقوفی، فرار مغزها، صص ۵۲ \_ ۵۴.

۲- سعید پورزند، مقاله «فرار مغزها»، روزنامه ایران، ۱۳۷۹، ش ۱۵۸۱.

۳- فرار مغزها، ص ۸۷.

خارج از کشور گذرانده اند، آنچه بیشتر سبب مهاجرت آنان از کشور می شود، عوامل دافعه داخل کشور است نه عوامل جاذبه خارج کشور. چه بسا این افراد در دوران دانشجویی خود در خارج از کشور فرصت و شرایط مناسبی برای اقامت همیشگی در کشور محل تحصیل خود را داشته اند، ولی خدمت به کشور را حتی با امکانات کم ترجیح داده اند. ولی پس از قرار گرفتن در محیط کار داخل کشور با شرایطی روبه رو شدند که ناچار به تجدید نظر در تصمیم خود و مهاجرت شدند. برای حفظ این سرمایه‌ها در درجه اول باید مقام و منزلت استادان دانشگاه‌ها و دانشمندان و پژوهش‌گران بدون تنگ نظری های گروهی و سیاسی رعایت شود. در محیط های علمی و دانشگاهی باید به تخصص و تجربه علمی افراد بها داد و فارغ از سلیقه های شخصی و جناحی میدان را برای رشد آنان باز گذاشت.

بدیهی است یکی از راه های مهم حفظ مقام و منزلت استادان، وضع قوانین و مقررات اجرایی برای تأمین امنیت شغلی و اجتماعی متخصصان است. تا وقتی ذهن پژوهش‌گران و استادان دانشگاه‌ها با دغدغه معاش و مسکن و هزینه های جانبی درگیر باشد، هرگز نمی توانند در عرصه تدریس و تحقیق علمی به صورت فعال و خلاق ظاهر شوند. اگر می بینیم که نخبگان در بعضی از کشورها خوش می درخشند و با خلاقیت های بدیع و ره‌گشای خود، علم و دانش جهانی را گامی به جلو می برند، به این خاطر است که انرژی فکری، روانی و جسمی آنان با اضطراب و دغدغه تأمین هزینه های روزمره زندگی خنثی نمی شود. از سویی آموزه های دینی ما نیز بر حفظ شأن و منزلت اهل علم تأکید می کنند.

تاریخ کشور ما نشان می دهد، هر زمانی که فضای مناسب و به دور از دغدغه برای ایرانی فراهم شده است، او توانسته با آموختن علم و کسب تخصص، برای حل مشکلات بی شمار جامعه اش قد علم کند. حال به راستی چرا حدیث شکوفایی استعدادها و اندیشه او به خارج از مرزها کشیده شده است؟ ایرانیان متخصص که در سراسر جهان در عرصه های مختلف علوم سرآمد دیگران شده اند، چرا به ایران باز نمی گردند. و به راستی چه واقعه ای در کشور عامل فرار اندیشمندان ما می شود.

مشکل اصلی این است که متأسفانه دشمنان و عوامل آنان با توجه به بعضی از مشکلات در ایران اسلامی، روحیه خود کم بینی و ناامیدی را در جامعه ترویج می کنند. در حالی که باید کوشید هوشمندان بر کاستی ها چیره شد و این باور را در جامعه تزریق کرد که «ما می توانیم...».

برخی از راه کارهای اجرایی برای بهسازی و اصلاح محیط علمی و پژوهشی برای جذب یا ثبت نخبگان عبارتند از:

— حفظ حریم دانشگاه ها و حوزه های علمیه و جلوگیری از دخالت غیرمسئولانه عوامل بیرونی در فرآیند فعالیت های جاری علمی این نهادها؛

— تشکیل و توسعه بانک اطلاعات متخصصان ایران؛

— نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی؛

— ایجاد تسهیلات ویژه برای انجام فرصت مطالعاتی در داخل و شرکت در سمینارها؛

— کمک خواهی از نخبگان و متخصصان مقیم داخل و خارج برای شکل گیری قطب های فعال علمی؛

— سعی در تماس دائم با محصلان و دانشجویان خارج از کشور و اعمال نظارت در زمینه تحصیل آنان؛

— ایجاد تمهیدات و تسهیلات لازم برای ترجمه و انتشار آثار مفید علمی نخبگان ایرانی مقیم خارج از کشور که متناسب با فرهنگ ملی و مذهبی ماست؛

— ایجاد امکانات برای احداث فضای تحقیقی و پژوهشی؛

— تقویت و گسترش دوره های تحصیلات تکمیلی و تخصصی؛

— فراهم کردن شرایط مناسب و تهیه وسایل و امکانات لازم برای تحصیل در داخل کشور؛

— جهت گیری برنامه های فرهنگی به سوی تقویت خودباوری و اعتماد به نفس در دانشجویان و التزام به ارزش ها و هویت اسلامی — ایرانی؛

— اصلاح نظام آموزشی مدارس، مبتنی بر تقویت خودباوری و احساس تعلق به هویت ملی و اسلامی؛

— مرتبط کردن هر چه بیشتر رشته های دانشگاهی با نیازهای بازار کار و ایجاد مراکزی به منظور استخدام قطعی فارغ التحصیلان و متخصصان ویژه؛

— تقویت حس وطن دوستی، با همت رسانه های جمعی و معرفی موارث فرهنگ ایرانی و اسلامی به مردم؛

— همکاری بیشتر بین سازمان های خصوصی و دولتی برای ایجاد ارتباط سالم و مبادله اطلاعات واقعی بین این سازمان ها و خارج از کشور؛

— ارتقای سطح تخصصی کادرهای آموزشی و پژوهشی در مراکز علمی؛

— رسیدگی به وضع خاص استعداد های درخشان و سرمایه گذاری در این زمینه؛

— ایجاد بستر مناسب کاری، فراهم کردن امکانات فن آوری و ایجاد امنیت اقتصادی.

#### **(د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی**

(د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی

هوش ملی، یکی از مشکلات اساسی ماست. همچنان که منابع فراوان طبیعی ما یکی از مشکلات اساسی توسعه اقتصادی ما شده است، ما به

دلیل دارایی های زیاد نمی دانیم چگونه از آن استفاده کنیم و اگر این قدر دارایی نداشتیم، از سرمایه های طبیعی و سرمایه های انسانی مان دقیق تر استفاده می کردیم. بحران ما در واقع بحران مدیریت است، ولی این بحران مدیریت تنها با علم مدیریت یا با مدیران قوی حل نمی شود. مشکل بسیار عمیق تر است. اندیشه و فرهنگ حاکم بر جامعه و ارزش ها و هنجارهای موجود در جامعه باید تغییر کند تا ما این امکان را پیدا کنیم که از استعداد های فراوان انسانی و طبیعی خود به درستی استفاده کنیم. تا فرموده رهبر معظم انقلاب تحقق یابد که:

امسال باید فضای نوآوری، کشور را فرا گیرد و همه مسئولان خود را موظف بدانند با بهره گیری از امکانات مادی و معنوی، کارهای نو و ابتکاری و راه های میان بُر را در سایه مدیریت درست، دوراندیشی حکیمانه را در فعالیت کشور وارد کنند تا کام مردم از ثمره این تلاش ها، شیرین شود.

### **هـ) عدم بومی سازی علوم غربی**

هـ) عدم بومی سازی علوم غربی

فن آوری و علم مبتنی بر نیاز است. اکنون ما فن آوری هایی داریم که وارداتی و کاملاً نامناسب است. این فن آوری ها شیوه زندگی ما را مختل ساخته است. باید بدانیم که تنها علم غربی برای ما کافی نیست، بلکه باید با اخلاق، فرهنگ و نیازها، بومی سازی شود. علم غربی باید در یک چارچوب وسیع تری قرار گیرد. امروزه گستره علم کاهش یافته و هم افق با فن آوری معنا شده است. در نظریه های علمی و حتی در تعریف علم نیز کاملاً لایه های فرهنگی و تمدنی غرب رسوخ یافته است. در حالی که باید دید علم از نظر ما، با تعریف علمی آنان سنجیدنی است یا در کیفیت از هم جدایی دارند؟ باید بدانیم نگاه ساده انگارانه ما به علم مدرن سبب می شود که راه درمان را درست نشناسیم. آیا ما باید پایه پای علم مدرن به

همه ابعاد دیگر فرهنگی و تمدنی مان ساخت بدهیم، همچنان که ژاپن کرد. پس با این وضع، این کشور دیگر با فرهنگ و تمدن قوی خود نیست، بلکه یک غرب مدرن است که در آن ذوب شده است، ولی چگونه می توانیم ما از فرهنگ و تمدن، غافل شویم، در حالی که فرهنگ و تمدنی ریشه دارتر و عمیق تر داریم. باید به این نکته توجه داشته باشیم که تئوری ها و نظریه های علمی تجربی بر اساس دیدگاه مدرن، یعنی تقلیل حوزه معنای علم به علوم آزمون پذیر است که ریشه در لایه های دیگر و زیرساخت های نظری و فرهنگی غرب دارد. نه اصطلاح و فرهنگ مترقی ما. ما اگر بخواهیم طبق اصطلاح و فرهنگ خود سخن بگوییم، علم تجربی ریشه در لایه های عمیق تری از علم دارد، یعنی ریشه در علم عقلی و دانش نظری و ریشه در مشهود دارد. بنابراین، ما به شدت نیاز داریم که فن آوری علم مدرن را با نسب نامه و تبار نامه اش و با آن زیر ساخت های فرهنگی اش بشناسیم.

مسائل فرهنگی برخلاف مسائل فیزیکی جدای از انسان نیست که انسان آن را بگیرد، ببینید و لمس کند. انسان با فرهنگ فکر می کند، استشمام می کند و فهم و درک آن را با دشواری انجام می دهد.

البته نقد ما به فرهنگ غربی، حتی به لحاظ نظری به معنای روی گرداندن از دست آوردهای دانش غربی نیست. ولی نکته این است که مدیریت و برنامه ریزی در این عرصه بسیار مهم است. باید نظارت داشت که دانش غربی را به عنوان یک دانش و علم مطلق به ذهن نوآموزان، دانش آموزان و دانشجویان منتقل نکنند، بلکه یک خودآگاهی داده شود تا ذهن از ابتدا فرصت فعالیت داشته باشد. متأسفانه ما در همه کتاب ها تعریف علم و معرفت دینی را از افق علم مدرن شروع و چنین

القا می کنیم که گزاره های علمی، گزاره های آزمون پذیر هستند و اگر گزاره ها این گونه نباشد، علمی نیستند. شاید در دهه های پیشین که بیش در «پوزیتویستی» بر محیط های علمی بیشتر مسلط بود، صحبت کردن از علوم فرهنگی یا علوم اسلامی به ویژه در غیر علوم انسانی ممکن نبود. مباحثی که در حوزه فلسفه علم مطرح شد و مسائلی که درباره هویت مستقل دانش پوزیتویستی مطرح شد، در غرب نخستین بار از سوی دانشمندانی بود که در حوزه علوم پایه کار می کردند و هیچ یک رشته اصلی شان علوم انسانی نبود. آنها ربط علم را با حوزه فرهنگی خود به اثر تأملات تئوریک یافتند، ولی در جامعه ما ربط علم و فرهنگ نخست در حوزه علوم انسانی خود را نشان می دهد و دلیل مسئله این است که علم در غرب، با فرهنگ خود سازگار است و از این جهت خود را نشان نمی دهد، ولی در کشورهای غیر غربی علم غربی ناسازگاری خود با فرهنگ بومی را پیش از همه در حوزه علوم انسانی نشان می دهد؛ زیرا تخریب فرهنگی در حوزه علوم انسانی بسیار جدی تر است؛ هم در حوزه مدیریت و هم در حوزه فرهنگ سازی.

متأسفانه با گرفتن علوم غربی در همان قدم اول، اثر تخریبی اش در حوزه فرهنگی ما نمایان می شود. علوم انسانی بسیاری از نیروهای انسانی ما را به خود مشغول می کند، ولی استفاده از علوم انسانی به تناسب حجمی که در مدارس و دانشگاه های ما تدریس می شود، کاربردی ندارد و تنها در حد اخذ مدرک است. این نوع وارد کردن علم تزلزل فرهنگی ایجاد می کند، یا اگر ایجاد نکند، زمینه های تزلزل را به وجود می آورد. ورود علوم غربی مراکز آکادمیک و دانشگاهی ما باید کاملاً برنامه ریزی شده باشد. علمی را که کاربرد و ضرورت ندارد، نباید بی هدف وارد

کنیم و علوم می هم که وارد می شود، نباید سطحی و بدون کارآیی باشند. از سوی دیگر، کسانی که در حوزه علوم انسانی وارد می شوند، باید به طور عمیق به لایه های معرفتی و فرهنگ بومی آشنا باشند تا با ورود در این عرصه ها منفعل نباشند و فعالانه گفت و گو کنند. اگر ما بر روی تعدادی اندک سرمایه گذاری جدی کنیم تا در حوزه های علوم انسانی عمق بگیرند و رشد کنند، کار سازتر است.

سوگمندان باید گفت نیروهای انسانی ما در عرصه های علمی، هرگز با علوم بومی خود که هویت فرهنگی بیشتری دارد، آشنا نمی شوند. یکی از مشکلات موجود در دو سده اخیر این است که علوم فرهنگی و بومی ما به علوم غیررسمی تنزل یافته و سازمان های رسمی علم با الگو گرفتن متن از غرب در حاشیه علوم مدرن شکل گرفتند. به همین دلیل، هیچ تعاملی بین دو حوزه علوم بومی و علوم مدرن واقع نشد. علوم پزشکی ما نیز هیچ گفت و گویی با نسل بعد نداشته و در حد یک نسل بیشتر دوام نداشت. برخی از علوم مثل فلسفه و عرفان که بسیار حیاتی هم هستند به صورت محدود خارج از سازمان های رسمی علم باقی ماندند. باید بتوانیم با یک جهت گیری برنامه ریزی شده نسلی را به طور عمیق و ریشه دار در علوم فرهنگی خود پرورش دهیم و وارد عرصه های علوم مدرن کنیم.

البته ناگفته پیداست که نمی توان انتظار داشت در سال نوآوری و شکوفایی همه این هدف ها محقق شود، بلکه باید زمینه ها و راهبردهای لازم برای دست یابی به این مهم را جامه عمل پوشاند. باید جوانان نخست با فرهنگ خود آشنایی عمیق بیابند و عمق و علقه لازم را بگیرند و آن گاه به سوی علوم غربی سوق داده شوند. باید درس فلسفه علم و جامعه شناسی علم اجباری شود، به ویژه برای رشته های علوم پایه، تا



جوانان ماهیت علوم و فن آوری را خوب درک کنند. ما باید ویژگی های فرهنگی، تاریخی، هویت ایرانی و زیست جهانی خود را به درستی درک کنیم. دانشجویان ما به خاطر فضای پوزیتیویستی دانشگاه ها و عقلانیت فردی حاکم بر دانشگاه که پشتوانه این نگاه پوزیتیویستی است. کم کم از باورهای عمیق و متافیزیکی جدا می شوند. بنابراین، باید با نگاه صدراپی پیش فرض های متافیزیکی خوبی در اختیار دانشجویان قرار داد ما باید با توجه به آموزه های دینی خود، فلسفه تعلیم و تربیت خویش را دنبال کنیم. آموزه های دینی می توانند در مقام فلسفه تعلیم و تربیت نقش آفرینی کنند. در کنار این نگاه، باید به عوامل پیشرفت و افول علمی و تمدنی خود توجه کنیم و شرایط نرم افزاری آنجا را بشناسیم و ببینیم که معرفت شناسی عالمانه آن زمان قطعاً معرفت شناسی تجربه گرا و حس گرا و ماتریالیستی نبوده، بلکه با یک معرفت هماهنگ، جهان را به سان یک کل می دید و برای جهان، مبدأ و غایتی قائل بود و به ضرورت ها و ملزومات این نوع نگاه نیز توجه داشت و تنها به فعالیت های عرفانی و فلسفی نمی پرداخت، بلکه تجربه و آزمایش می کرد البته به نتایجی هم می رسید.

نکته مهم دیگر اینکه برای رسیدن به هدف، نخست باید مدرسان و استادی تربیت شوند که خودشان «پوپرسیم» یا «پوزیتوسیم» را تبلیغ نکنند. همچنین درست است که تولید دانش و سرایت یافتن آن زمان و مکان نمی شناسد، ولی این دانش اشاعه ای را نمی توان تنها دانش دانست و به عنوان عام به آن نگاه کرد. علمی که امروزه در مراکز علمی ما تدریس می شود، عموماً مبنای پوزیتوسیتی و «سانتیستی» دارد. این مبنا به طور دقیق از جنبه های تئولوژی، آنتولوژی، اپیستمولوژی و مانند آن، مخالف با مبانی فرهنگی، تمدنی و فلسفی ماست.

پس چگونه می توان از دل این دانشگاه ها، علم بومی تولید کرد. بنابراین، باید درباره معرفت شناسی اسلامی و آنتولوژی اسلامی و هستی شناسی اسلامی کار کنیم. مبنایی که این سیستم بر آن قرار گرفته، با ذات فرهنگی و دینی ما در تقابل است و این تقابل هم، ذاتی است نه عرضی. پس بهتر است نخست معرفت شناسی اسلامی رشد و گسترش یابد بعد از راه این معرفت شناسی به روش شناسی اسلامی دست یابیم، پس از راه روش شناسی اسلامی می توانیم به علم عمومی و فرهنگ ایرانی \_ اسلامی برسیم و این کار، اصولی تر و زیربنایی تر از کار خاصی روی فلسفه علم یا جامعه شناسی است. آثار آن ریشه ای خواهد بود، در آن صورت، درمی یابیم که دانش غربی، یگانه دانش نیست و شاخص های آن، تنها راهبرد دست یابی به دانش مطلق نیست، بلکه علوم اسلامی هم از جهت محتوایی و هم روشی، بسیار غنی تر و متعالی تر از دانش وارداتی است. البته این مهم باید تدریجی انجام شود. باید عزم جدی و ملی در این زمینه صورت گیرد. البته امروزه بعضی از فیلسوفان و ریاضی دان ها و فیزیک دان های غرب نیز به خطایی که درباره جزءنگری و فراموش کردن بعضی از جنبه های انسانی و فدا کردن هستی شناسی مرتکب شده اند رسیده اند.

### **(و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها**

(و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها

در دانشگاه ها و مدارس ما، آنچه بیشتر بدان توجه می شود، حفظ کردن و افزودن اطلاعات است، نه خلاقیت و نوآوری، محور دانشگاه های ما بر جمع آوری اطلاعات است، نه تحلیل و فهم اطلاعات. ما موقتی و موضعی عمل می کنیم و برای دانش مان در همه رشته ها و فن آوری برنامه کلانی نداریم. متأسفانه هر روز در پی دانش های سطحی و وارداتی برمی آییم. یک روز نئوتکنولوژی، روزی اینفورمیشن تکنولوژی آی تی مد می شود و همه می خواهند در آن مشغول شوند، در حالی که همراه با

برنامه ریزی منظم و در جهت تأمین نیازهای ملی ما نیست. ما فن آوری مونتاژی زیادی وارد می کنیم.

آنچه از نظر علمی در این سال های اخیر در کشور ما مطرح است، تعداد مقاله هایی است که به چاپ رسیده، به خصوص در مجله های خارجی. بنا بر آمار، تعداد این مقاله ها در سال جاری در مقایسه با سال گذشته ۴۰ درصد افزایش داشته است. ولی آیا واقعاً علم ما هم ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته پیشرفت داشته است؟ البته اگر ما در جریان علم روز باشیم و مقاله تولید کنیم خوب است، ولی توجه نداریم علمی که تولید می کنیم چه نیازهایی را برطرف می کند! باید توجه داشت برنامه ریزی ها و تولید علم ما باید با توجه به اولویت ها و نیازها باشد. همچنین باید به فکر خود کفایی علمی باشیم. برای مثال وقتی ما در تولید نیروهای هسته ای می توانیم میله های اورانیوم تولید کنیم، نباید متکی به واردات باشیم. باید با اصلاح مدیریت ها و برنامه ریزی ها افرادی را که استعداد عظیمی دارند و به کارهای حقیر مشغولند، بازیابی کنیم و به کار اصلی خود مشغول سازیم. حال آنکه در علوم انسانی صرف نظر از رشته های فقه، فلسفه، عرفان و چند رشته دیگر که بومی هستند، دیگر رشته ها وارداتی اند و در علوم انسانی به یک خانه تکانی اساسی نیاز داریم، یعنی چیزهایی را که از غرب به ما رسیده باید در بوته نقد و بررسی قراردهیم؛ اگر حق است آن را بپذیریم و با سخن حق جدل نکنیم و اگر نادرست است، با استدلال آن را رد نکنیم. باید بدانیم که بشر با زمین و بر زمین زندگی می کند، ولی بی آسمان نمی تواند در این زمینه به سر ببرد. زیر آسمان و در سایه آن بر روی زمین زیست می کند و شأن و ساحت هر دو را به دیده می گیرد، ما هر دو جهان را داریم، هم جهان معنا و هم ماده، هم دنیا و هم آخرت، هم شهادت و هم غیب را و نمی توان هیچ کدام

را نادیده گرفت. برای داشتن کشور علمی \_ تکنیکی باید همواره به یک نکته بسیار توجه کنیم و آن اینکه بدانیم ما از کجا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت و اینک به چه کاری می پردازیم. اگر بنیه معرفتی پشت نهضت تولید علم باشد، جهان را به گونه ای دیگر خواهیم دید و علم و تکنیک را هم.

### **(ز) دیگر موانع تولید علم**

(ز) دیگر موانع تولید علم

ما با چشمه های خشک معرفتی روبه رو نیستیم. به خلاف بعضی از مکتب های فکری که چشمه هایشان خشک است و حتی نوابغ هم نتوانستند از آن آب استخراج کنند، ما با مشکلات دیگری همچون مشکل سازمان دهی و مدیریت تحقیق، مشکل درک درست موقعیت روبه رو هستیم که در ظاهر مشکلات جانبی اند، ولی در واقع مهم و اساسی اند. ما صدها هزار نیروی فکری در حوزه و دانشگاه داریم، منتها مشکل ما این است که سازمان دهی نمی شوند، کانال کشی نشده ایم و این دو حوزه مهم علمی به هم متصل نشده اند. همچنین بحث های تولید علم، نظریه پردازی، مناظره و حلقه های نقد شکل نگرفته است. ما برای صدور انقلاب و تعمیق انقلاب علمی مان، به فکر کردن نیاز داریم. اگر اندیشه نورزیم و اگر در عرصه اقتصاد، سیاست، حقوق، هنر و فرهنگ نظریه دینی تولید نکنیم، ناتمام می مانیم. همیشه تغییرات از راه نظامی و سیاسی صورت نمی گیرد، بلکه کودتاهای بی صدا نیز داریم که کسی متوجه تغییر رژیم فرهنگی نمی شود؛ یعنی رژیم سیاسی سر جایش می ماند، ولی رژیم فرهنگی و اقتصادی کاملاً عوض می شود. از این رو، نهضت نرم افزاری بسیار مهم است و این پروژه چندین سال است که شروع شده است. با این حال، امسال رهبر فرزانه انقلاب با عنوان نوآوری، خواستار سرعت بخشیدن به روند اجرایی آن شده و از حوزه و دانشگاه خواسته است در

ساحت های اقتصاد، حقوق و سیاست و فرهنگ، نرم افزار دینی تولید کنند و این درخواست، قهرمانان خاص خود را در سنگر حوزه و دانشگاه می خواهد. آنان باید سامان دهی شوند و گره اصلی را که در علوم انسانی نهفته است باز کنیم. ما به تعدادی نابغه اصول گرا در رشته های مختلف علوم انسانی نیاز داریم. هنر ما باید این باشد که علوم انسانی غرب را که متفکرانش گاهی سر و ته می ایستند و وارونه به انسان نگاه می کنند، تغییر دهیم.

البته باید بدانیم که نواندیشی این نیست که ما قرآن و سنت را به تأویل فلسفه های شرق و غرب ببریم یا به تعطیل تفکر و تکرار امور مطرح شده و کلیشه سازی پردازیم. باید طرحی نو در افکنیم و نخست ضعف هایمان را با سازمان دهی دوباره، برطرف کنیم. ما مثل ماشینی هستیم که هر عضو به یک سمت می روند. پس با این ماشین نمی توان به جایی رسید. مشکل ما این است که مدیریت آموزشی - پژوهشی ما در دانشگاه و حوزه به ترمیم و بازسازی نیاز دارد. البته انگیزه و منابع این کار فراهم است، ولی هماهنگی و سازمان دهی نشده است. بر این اساس، اصول گرایی به معنای تعطیل پژوهش و اندیشه و درج زدن و تکرار امور از پیش اجرا شده نیست. در حوزه ها نباید تنها به طرح نظریه اندیش ورزان و رد آنها از سوی دیگران همت گماشت، بلکه در دانشگاه ها نیز باید به تولیدات ما با مبانی و روش های خودمان نزدیک شویم. اجتهاد و تولید علم دینی، یعنی اینکه مشکلات و موقعیت بشر و مسائل امروز را درست بشناسیم و از مبانی خود برای مشکلات و سؤال های جدید پاسخ بگیریم، نه پاسخ مشکلات دیروز را تکرار کنیم و نه پاسخ دیگران را به مشکلات امروز ترجمه لفظ به لفظ کنیم.

یکی دیگر از موانع، خودباختگی و غیرپرستی و شیفتگی در برابر نظریه ها و دیدگاه های غیرخودی است که به یک بیماری و آسیب و یک مانع فرهنگی

درونی تبدیل شده است و هر آنچه را از بیرون فرا می‌رسد، علمی و هر تحقیقی که به متون غیرفارسی و گاه غیرعربی ارجاع داشته باشد، علمی می‌پنداریم. شما اگر حتی بهترین مطلب را ارائه کرده باشید، ولی ارجاع انگلیسی نداشته باشد، علمی نیست و این یک آفت و مشکل است، یعنی اینکه اگر خود شما تولید کردید ارزش ندارد، ولی اگر تولیدات دیگران را وام گرفتید و عرضه کردید، این کار ارزش دارد و علمی است.

مانع دیگر، نبود اعتماد به نفس در افق ملی و نیز در همه افراد جامعه است.

همچنین، اسطوره شدن نوابغ و این توهم که فقط نابغه نوآور است، مانعی در این باره به شمار می‌رود. همه نابغه‌اند و باید نبوغ آنها کشف شود. ما دو شخصیت بزرگ متفکر و مولد علم در عصر خودمان داریم، شهید صدر و شهید مطهری. شهید صدر نابغه است، ولی شهید مطهری نابغه نیست. با این حال تولید شهید مطهری بیش از شهید صدر است. شهید صدر به استناد نبوغش متفاوت حرف می‌زند؛ ولی شهید مطهری غنی تر حرف می‌زد. پس این تصور که حتماً کسی باید نابغه باشد تا تولید علم کند، مانع بزرگی است و پیشاپیش، افراد را از کار باز می‌دارد.

مانع بعدی، حجاب «هم‌عصر» بودن است. تا کسی زنده است به او توجه نمی‌شود، چون معاصر است. برای فردی که از دنیا رفت، بنیاد تأسیس می‌کنیم و هر چه با او فاصله می‌گیریم، تازه می‌فهمیم که چه کسی است.

از دیگر موانع، سنت‌زدگی، کهنه‌گرایی و میراث‌پرستی است. ضمن اینکه باید به میراث علمی خود پای‌بند باشیم. گرچه افراط در آن هم مانع است و البته هر آنچه داریم مقدس نیست.

همچنین، شخصیت‌زدگی و پیرپرستی نیز از موانع اساسی توسعه علم و نوآوری است. جوان‌ها گاهی حرف‌های دقیق‌تری می‌گویند و گاهی بعضی جوان‌ها حرف دارند، باید حرف‌های آنها را شنید.

مانع بعدی، فقر سنت و نقد و تبادل آراست.

مانع آخرهم، فراموش کردن رسم تکریم و از بین بردن روح قدرشناسی از صاحب نظر است که گاه به اندازه یک فوتبالیست نیز یک مبتکر قدر و جایگاه ندارد.

## ۲. راه کارهای عملیاتی کردن تولید علم

### اشاره

۲. راه کارهای عملیاتی کردن تولید علم

تولید علم و نظریه پردازی، یکی از مهم ترین گزینه ها برای خروج کشور از انفعال و به دست گیری ابتکار عمل است. کشور ما شایستگی دستیابی به درجات عالی تولید علمی و فن آوری را دارد، مشروط به اینکه به جای توقف بر روی شعار، به سوی عملیاتی کردن این آرمان بزرگ حرکت کنیم. حال ده گام زیر برای عملیاتی شدن این مهم پیشنهاد می شود:

### الف) شناخت ظرفیت ها

الف) شناخت ظرفیت ها

نخست باید دارایی ها و استعدادهای بالقوه و بالفعل کشور برای تولید علم به دقت مطالعه شود؛ زیرا هر گونه برنامه ریزی بدون توجه به این امر، اجرای برنامه را با ناکامی روبه رو خواهد ساخت. افزون بر این، شناخت ظرفیت ها راه پیشرفت و توسعه آن در عرصه های مهم را روشن می کند.

### ب) آگاهی از نیازها

ب) آگاهی از نیازها

اینکه کشور ما برای دستیابی به نقطه مطلوب نیازمند چه دست آوردهایی است، موضوع مهمی است که در عمل، جریان تولید علم را با واقع بینی روبه رو خواهد کرد. در حال حاضر، برخی از نیازهای علمی و فن آوران کشور، ما را در عرصه بین الملل با انفعال و ضعف روبه رو کرده که لازم است پاسخ گویی به آنها در اولویت قرار گیرد.

### ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی

ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی

رقبای علمی ما چه کسانی هستند یا می‌توانند باشند؟ این پرسشی است که البته درباره رشته‌های مختلف علمی پاسخ‌های متفاوت دارد. شناسایی



وضع، عملکرد و برنامه‌های آینده رقیب نیز موضوع مهمی است که پس از پاسخ‌گویی به پرسش نخست دنبال خواهد شد. همچنین، رصد تولیدات علمی جهان از راه‌های شایسته، موجب می‌شود تا از هر نوع دوباره‌کاری و حرکت‌های بی‌ثمر جلوگیری شود و سطح آموزش و پژوهش را توسعه دهد.

#### **(د) اولویت‌گذاری**

(د) اولویت‌گذاری

در چه عرصه‌هایی باید تولید علمی صورت گیرد؟ آیا لازم است پتانسیل کشور را برای تولید علمی در تمامی رشته‌ها مصرف کنیم؟ پاسخ به این پرسش نیازمند هشیاری مضاعف است. با شناخت ظرفیت‌ها، نیازها و وضع رقیب روشن خواهد شد که لازم است ظرفیت و سرمایه کشور را در چند عرصه مهم و ضروری متمرکز کنیم و با ایجاد یک برنامه زمان‌بندی شده خود را به بالاترین سطح ممکن برسانیم.

#### **(هـ) تقسیم کار**

(هـ) تقسیم کار

پس از اولویت‌گذاری، باید میان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور تقسیم کار شود. تداخل، موازی‌کاری و ناهماهنگی برای جریان تولید علم، آفت بزرگی به شمار می‌رود. البته باید به گونه‌ای تقسیم کار شود که هر دستگاه و مرکز، مأموریتی کاملاً مشخص را بر عهده داشته باشد و به تدریج، با آن مأموریت شناخته شود.

#### **(و) ارتباط کشور با پژوهش**

(و) ارتباط کشور با پژوهش

بودجه و امکانات پژوهش در کشور باید هر سال افزایش یابد. اگر پژوهش به صورت طبیعی به همه عرصه‌های تولید و مدیریت مرتبط شود، خود به خود امکانات آن نیز رشد خواهد یافت. باید به گونه‌ای حرکت کرد که کشور، خود را واقعاً محتاج پژوهش و بهای آن را پردازد.

## ز) هماهنگی آموزش با پژوهش

ز) هماهنگی آموزش با پژوهش

آموزش عالی کشور باید محقق پرور باشد. صدور چند هزار فارغ التحصیل که پس از اخذ مدرک، به توانایی پژوهش نرسیده‌اند یا حاضر به فعالیت پژوهشی نیستند، به راستی هدر دادن سرمایه ملی است. باید تمامی دانشگاه‌های ما متناسب با اولویت‌های تولید علم، به جذب استعدادها و پرورش آنها مبادرت کنند. بدیهی است برای تحقق این مهم، غنی‌سازی و بهینه کردن محتوا و روش‌های آموزشی، اهمیتی بسیار دارد.

## ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی

ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی

برای رونق یافتن تولید علم، باید به آسان‌ترین راه ممکن، منابع و ابزارهای پژوهش در اختیار پژوهش‌گران قرار گیرد. در حال حاضر، منابع و ابزارهای موجود پاسخ‌گوی نیازهای پژوهش‌گران نیست و کیفیت را با ضعف جدی روبه‌رو ساخته است. باید توجه داشت کتابخانه تخصصی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و آزمایشگاه‌ها، قلب یک مرکز پژوهشی به شمار می‌روند.

## ط) رهبری پژوهش

ط) رهبری پژوهش

پژوهش در کشور ما نیازمند یک رهبر مقتدر و فهیم است تا در قالب یک برنامه جامع ملی، پژوهش کشور را با اشراف کامل هدایت و حمایت کند. در حال حاضر مشخص نیست سرپرست واقعی پژوهش کشور کیست و از چه دستگاہی باید انتظار برنامه ریزی جامع و ملی را داشت.

## ی) جذب و نگه‌داری نخبگان

ی) جذب و نگه‌داری نخبگان

هیچ‌گاه فکر کرده‌ایم فرار مغزها چه عوامل کم‌ارزشی دارد؟ ۱. رعایت احترام و شأن نخبگان؛ ۲. تأمین نیازهای معیشتی آنان؛ ۳. تأمین بودجه و امکانات پژوهشی؛ ۴. حراست از دست‌آوردهای علمی آنان از سرقت، چهار راه ساده برای جذب و حفظ نخبگان کشور است.



**بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله و رهبری**

**اشاره**

بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله و رهبری

زیر فصل ها



اینک پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، جامعه فرهیخته کشور در پی دعوت رهبر فرزانه انقلاب با ظرفیت جدیدی در عرصه تولید علم و نوآوری روبه روست و این باور تقویت شده است که وارثان دو تمدن اسلامی و ایرانی می توانند انقلابی دیگر، ولی این بار در عرصه فرهنگ و دانش بیافرینند. بر همه آشکار است که این توان مندی در نخبگان حوزوی، دانشگاهی، نظام اجرایی و آحاد مردم وجود دارد، ولی سازمان دهی این ظرفیت ها نقطه آغاز این حرکت عظیم علمی خواهد بود. رهبر معظم انقلاب در طلوعه سال جدید فرمود:

ما نمی توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف جدی تر و با نهایت شتاب، ولی حساب شده و منظم و منضبط به جلو برویم و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین المللی از تمام ظرفیت ها برای دست یابی به پیشرفت های بزرگ استفاده کنیم.

انسان به عنوان نماینده خدا بر روی زمین، سرشار از استعدادها و توانایی است. این انسان قادر است کائنات را به اراده خود درآورد و در جهت ساختن و اصلاح جامعه ای پویا و موفق به کار گیرد. خلاقیت و نوآوری، سبب بروز افکار بزرگ در انسان می شود، ولی معمولاً سخت ترین مرحله، نقطه شروع است. افکار بزرگ ما را به سمت پیشرفت راهنمایی

می‌کند و فردایی روشن را برایمان به ارمغان می‌آورند. همچنین رسیدن به خودشکوفایی اگرچه امری ناممکن نیست، به آسانی نیز امکان‌پذیر نیست. خلاقیت، موهبتی است که در تمام انسان‌ها بالقوه موجود است. با این حال، ظهور و گسترش آن نیازمند شرایط مناسب است.

اساساً نهضت علمی و تولید علم و نوآوری در مجموعه علوم، با حوزه مدیریت نظام اسلامی مرتبط است. از این رو، اندیشوران و صاحب‌نظران در هر سه محور «حوزه، دانشگاه و حاکمیت» مخاطبان اصلی حضرت امام رحمه الله و مقام معظم رهبری هستند.

## فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله

### اشاره

فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله

زیر فصل ها

۱. عرصه های نوآوری

۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری

۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی

۴. راه کارهای بلندمدت در تولید علم و نوآوری (۱)

### ۱. عرصه های نوآوری

۱. عرصه های نوآوری

درک شایسته حضرت امام از خلأ موجود در حوزه معرفت شناسی، نرم افزار و سخت افزار جامعه، بیان گر نگاه ژرف ایشان به ضرورت یک خیزش بزرگ است و دعوت از دیگران به توجه عمیق در موضوع های نوآمد، استنباط احکام اجتماعی، ارتباط موضوع ها با یکدیگر و تأثیر و تأثر آنها، تغییر شرایط زمان و مکان، لزوم شناخت شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، لزوم خودکفایی و رشد صنایع و ایجاد افق های جدید در معرفت دینی، علمی و صنایع؛ حاکی از توجه به هدف این حرکت علمی است. امام راحل بارها درباره تغییر شیوه های رایج در اداره و پیدایش صورت مسئله های نو و لزوم احکام جدید، می فرمود: «چه بسا شیوه های رایج اداره امور مردم، در سال های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند». (۲)

حضرت امام رحمه الله با گوشزد کردن ضرورت بسط معارف الهی در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و توجه به امور مختلف جامعه، خواستار تلفیق دو فرهنگ حوزه و دانشگاه شده و فرمود:



فرهنگ دانشگاه ها و مراکز غیرحوزوی به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد. (۱)

احیای تمدن الهی، راهی جز وحدت واقعی حوزه و دانشگاه به عنوان دو بال نظام کارشناسی و تصمیم سازی کشور ندارد. این دو باید الگوهای برگرفته از وحی را تولید و جایگزین الگوهای رایج وارداتی در زمینه های اقتصادی و غیر آن کنند. ایشان در رهنمودی می فرماید:

این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح ها و برنامه های سازنده و در برگیرنده منافع محرومین و پابرنه ها را ارائه دهند. (۲)

بی شک تا وحدت مبنایی در سه بعد علوم و حیانی، دانش های تجربی و برنامه های اجرایی صورت نگیرد، تغییر هیچ الگویی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی امکان پذیر نخواهد بود.

امام راحل در باب دست یابی به فن آوری های جدید و پیشی گرفتن در همه رشته های علمی با به کارگیری ابتکار و اعتماد به نفس می فرماید:

مخترعین ما می توانند در سطح بالا اختراع بکنند. مبتکرین ما می توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان را داشته باشند. (۳)

همچنین در کلامی دیگر فرمود:

ما باید روحیه خود را تقویت کرده و با تمام وجود این را بپذیریم که می توانیم روی پای خودمان بایستیم. این خیلی مهم است که متخصصین ما اتکا به تخصص خود کرده اند. (۴)

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۴۰.

۳- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۸۹.

۴- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۱۳.

## ۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری

### ۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری

حوزه و دانشگاه به عنوان دو نهادی که بار اصلی تولید اطلاعات مورد نیاز جامعه بر دوش آنهاست و عهده دار تولید معارف و علوم لازم برای سرپرستی جامعه اند، در واقع مخاطب اصلی در عمل کردن این حرکت به شمار می روند.

طرح بحث نهضت علمی و فرهنگی و نوآوری، در حقیقت ورود به عرصه فرهنگ سازی و تسلیم نشدن در مقابل الگوهای وارداتی غرب است و بیانگر اراده جدی برای بسیج ظرفیت های موجود جامعه حول این محور و پاسخ گویی به نیازها و قطع وابستگی و خروج از انفعال و رسیدن پویایی در این زمینه است. طبیعی است در افق جدید، انتظار از فقه، ایجاد مسائل و موضوع هایی خواهد بود که بتواند جامعه را دچار دگرگونی کند و به سوی بندگی و رشد ایمان هدایت کند و نبض مدیریت تکامل اجتماعی را بر عهده گیرد. از این رو، رهبر انقلاب می فرماید:

کوشش کنید آقایان در تهذیب نفس، در تحکیم مبادی اسلام، در تحکیم فقه اسلام، در بسط فقه اسلام، این فقه غنی، در عالم مثل فقه شما چیزی نیست. این فقه غنی را بسطش دهید. (۱)

در واقع حضور فقه و اجتهاد در این افق تازه، قرارگرفتن دین در موضع سرپرستی اجتماعی، فهم جدید از متون توسعه معارف دینی، نیازمند روش های متناسب با خود است. موضوع ها و شرایط اجتماعی همواره در حال تحول است و بدیهی است که بدون شناخت روابط پیچیده حاکم بر موضوع های اجتماعی، امکان صدق و سازگاری عنوان های احکام بر نمونه ها فراهم نمی شود. به عبارت دیگر، شناخت تأثیر متقابل موضع های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در یکدیگر، یکی از

مهم ترین ضرورت های مطرح شده در حوزه استنباط حکم از سوی فقهاست. امام راحل در رهنمودی می فرماید:

اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد. (۱)

اصولاً کسی که متوجه روابط و پیچیدگی های حکومت و جامعه و تغییر روش های حکومت داری در جهان امروز و ایجاد هزاران مسئله جدید و خلأ نظری را در این زمینه احساس نکنند، نمی تواند دیدگاه حضرت امام رحمه الله را به خوبی درک کند. «حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه های رایج اداره امور مردم در سال های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.» (۲)

حضرت امام رحمه الله دانشگاه را نیز همانند حوزه خطاب قرار می دهد. ایشان در رویارویی با مشکلات و خلأها و نیازمندی های فعلی و آینده اجتماعی، پاسخ گویی به آنها را از این نهاد فرهنگ ساز خواسته اند. ایشان

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۴۸.

در این باره، به مسائلی همچون اسلامی شدن دانشگاه، (۱) لزوم دگرگونی های درست و بنیادی در دانشگاه، (۲) کنار گذاشتن نیروهای غرب زده، (۳) تلاش برای نفی وابستگی در زمینه های مختلف، (۴) تهذیب علم و مهار آن با معنویت، (۵) تولید علم و خودکفایی در علوم، (۶) تولید و آموزش علم متناسب با نیازمندی های جامعه خود، (۷) تربیت نیروهای متخصص و متعهد، (۸) توسعه معنویت (۹) و برنامه ریزی برای اداره نظام از راه تعامل با حوزه اشاره می کند.

### ۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی

۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی

یکی از شاخصه های مطلوبیت علم در دیدگاه حضرت امام رحمه الله، سودمندی علم برای جامعه است. علمی که گرهی از مشکلات جامعه را نگشاید و در خدمت اسلام و کشور نباشد، بلکه در جهت منافع بیگانگان باشد، نمی تواند علم سودمند خوانده شود. به فرموده امام راحل رحمه الله:

اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید و مردم را دعوت کرده است. حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، از هر کافری یافتید، آن را بگیرید، اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرید و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید. (۱۰)

اصولاً روحیه مصرف گرایی سبب می شود که جامعه برای رفع نیازهای خود چشم به الگوهای وارداتی غرب داشته باشد، در حالی که آن

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۳۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۱.

۳- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۲.

۴- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۷۹.

۵- صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۳۵.

۶- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۳۵.

۷- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۴۱.

۸- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۳۶.

۹- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۴۸.

۱۰- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۰۸.

الگوها بر اساس نظام نیازمندی های متفاوت و بر پایه فرهنگ، بینش و جهان بینی خاصی جوامع مادی تولید شده اند. و با نظام نیازها و ارزش های ما سنخیتی ندارند. از این رو، حضرت امام رحمه الله با درک این احساس خطربخش فعال فکری جامعه را به تلاش در جهت خودکفایی دعوت می کند و خطاب به آنان می فرماید:

باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته های مختلف، اساس فعالیت جوانان دانشجوی عزیز ما باشد که نیازمندی های میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا می شود. مع الأسف در دوران های گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید و از اتکا به اجانب پرهیزید و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید. (۱)

#### ۴. راه کارهای بلندمدت در تولید علم و نوآوری

##### اشاره

۴. راه کارهای بلندمدت در تولید علم و نوآوری (۲)

برای تأسیس یک بنای علمی فقط شناخت موانع کافی نیست، بلکه باید راه های برون رفت از مشکلات را هم شناخت، در این باره شایسته است به موارد زیر توجه شود:

#### الف) آشناسازی جامعه با جلوه های مختلف فرهنگ بیگانه

الف) آشناسازی جامعه با جلوه های مختلف فرهنگ بیگانه

جامعه اسلامی تا هنگامی که با جنبه های مخرب الگوهای زندگی غربی و سازگار نبودن آن با زندگی ایمانی آشنایی نداشته باشد، نباید هیچ گونه انتظاری داشت که یک حرکت جدی و اثرگذار در عرصه تحقق نهضت علمی و نوآوری روی دهد. امام راحل می فرمود:

آنچه می توان گفت، «ام الامراض» است. رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سال های بسی طولانی جوانان ما را با افکار مسموم

۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۰.

۲- نهضت علمی و فرهنگی از نگاه امام خمینی رحمه الله، صص ۱۶۴ \_ ۱۷۰، با تلخیص و تغییر.

پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن زده‌اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز کارمند و کارفرمای استعمار زده حاصل نمی‌شود. باید کوشش کنید مفسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت‌ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده و به جای آن فرهنگ اسلامی \_ انسانی را جای‌گزین کنید تا نسل‌های آینده با روش آنکه انسان‌سازی و عدل پروری است تربیت شوند. (۱)

بدون شک، تمدن جدید غربی، ریشه در جهان‌بینی مادی دارد، این اندیشه با تجلیل کاملاً مادی از جهان، جامعه و انسان مدعی مدیریت بشر است و برنامه‌ریزی اجتماعی را بر پایه این شناخت سامان می‌دهد و هدفی جز توسعه رفاه و کشف لذت‌های ناشناخته مادی برای انسان و جامعه تعریف نمی‌کند. حضرت امام رحمه الله با شناخت از این جهت‌گیری می‌فرماید:

قانون‌های بشری انسان را به همان زندگی مادی دنیایی دعوت می‌کند و از زندگانی همیشگی ابدی غافل می‌کند و چنین قانونی برای انسان که دارای دو زندگانی است و ساز و برگ هر دو را نیازمند است، زیان‌های ناگفتنی دارد. (۲)

بدون تردید، برای شناخت این فرهنگ و جای‌گزینی فرهنگ اسلامی به جای آن، نیاز به سخت‌کوشی و تلاش فراوان است. همان‌گونه که حضرت امام رحمه الله در این باره نیز فرمود:

خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جای‌گزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور، آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن، سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق و ریشه‌دار غرب مبارزه کرد. (۳)

۱- صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲- کشف الاسرار، ص ۳۱۲.

۳- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۱۰.

بسیاری از علوم وارداتی، با نیازها و خواسته‌های جامعه متناسب نیست؛ زیرا از یک سو نیازهای دروغین و نامناسب، هنجارهای اجتماعی پدید می‌آورد و از سوی دیگر از راه مستشاران و متخصصان خودی یا وابسته به خویش در کشور هدف، با جلوگیری از نشر علوم و اطلاعات زمینه فرار مغزها به کشورهای توسعه‌یافته را فراهم می‌آورد. تمدن غرب همواره نیازمند شناسایی، جذب و سامان‌دهی عناصر علمی از سراسر جهان برای تقویت عقبه مدنیست. متأسفانه امروزه بخش‌های زیادی از علوم متناسب با نیازهای داخل نبوده و در عمل، با مهاجرت بخشی از نخبگان جامعه از کشور روبه‌رو هستیم. در واقع ما به جای تربیت نیروی متخصص برای جامعه خود، نیروها را برای غرب آماده می‌کنیم و آنان نخست جوامع و نخبگان آن را به وسیله علوم خود تحقیر می‌کنند تا چنین بپندارند که دانش و علم به غرب منحصر بوده و جوامع دیگر در مقابل آن، حرفی برای گفتن ندارند و البته حاصل این تحقیر، چیزی جز شکست روحی و اعلام ناتوانی فکری و فرهنگی و به دنبال آن، خشکانیدن ریشه هرگونه خلاقیت و ابتکار و استعدادهای درخشان است. باید دانست که بعد از تحقیر، نوبت به شیفتگی به فرهنگ علوم غربی می‌رسد؛ چون آنان می‌کوشند با بزرگ جلوه دادن علوم، فرهنگ غربی و تمدن مادی و به دنبال آن احساس علاقه و شیفتگی به آن است و این انحلال در سطح نخبگان، به فرار مغزها و تبدیل شدن آنان به مهره‌ها و مجریان طرح و عقاید غلط آنان در سطح عمومی به صورت تقلید تمام عیار از مظاهر فرهنگ بیگانگان و مصرف فزاینده محصولات آن ظاهر می‌شود.

ناگفته نماند که امروزه این هدف شوم، در قالب روش‌ها و ابزارهای جدید و مخفی‌تر ظاهر شده است. اگر در گذشته، استعمار غرب با

نیروهای داخلی و اعزام مستشاران این روند را دنبال می‌کرد، امروز این برنامه را به وسیله شبکه جهانی اطلاعات و مانند آن انجام می‌دهد و با سرازیر کردن حجم عظیم و انبوهی از اطلاعات تخصصی و آماده مصرف، افکار کارشناسان و متخصصان کشورها را با هدف‌های خود هم‌سو می‌کند و به کار می‌گیرد. البته از آنجا که ارائه اطلاعات علمی همواره به صورت جداگانه و در بخش‌های مختلف صورت می‌گیرد، بیشتر وقت‌ها نظام‌مندی و ارتباط خاص آنان با یکدیگر و حاکمیت یک مبنا و روش واحد بر آنها احساس نمی‌شود. در این حال، بسیاری از اندیش‌وران خودی نیز متوجه ارتباطات درونی دانش‌ها و میزان تأثیر آنان بر یکدیگر نمی‌شوند. در نتیجه، حاکم شدن اخلاق و فرهنگ خاصی به وسیله شبکه پیچیده علوم در جامعه فراموش می‌شود.

### **(ب) شناخت و معرفی همه‌جانبه اسلام**

(ب) شناخت و معرفی همه‌جانبه اسلام

درگیری فکری و عملی با فرهنگ و مبانی تمدن غرب ما را متوجه مغایر بودن مبانی، هدف‌ها و راه‌کارهای علمی ارائه شده در علوم و الگوهای غربی با هدف‌ها و آرمان‌های اسلامی و انقلابی خواهد کرد و ضعف‌ها و کاستی‌های الگوی نابهنجار را در مدیریت جامعه الهی و توسعه اخلاق و معنویت آشکار می‌سازد. در نهایت، لزوم جای‌گزینی مجموعه احکام، معارف و الگوهای عملی اسلام را به جای مجموعه استعماری مشابه آشکار می‌کند.

این امر مسئولیت جدید را بر دوش نخبگان و فرهیختگان وفادار به اندیشه‌ها و مبانی اسلامی می‌گذارد. حضرت امام رحمه الله پس از شرح توطئه‌های دامنه‌دار دشمنان فرمود:

در این محیط باید به حسب فرهنگ الهی اسلامی، در مقابل این توطئه‌های دامنه‌دار استقامت کرد و از این فرصت الهی که به دست آمده، نویسندگان



متعهد و گویندگان و هنرمندان استفاده کنند و به مدد روحانیون آشنا به فقه اسلام و قرآن کریم، احکام الهی را که برای همه قرون است، با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی استخراج کرد و به عالم عرضه داشت. (۱)

باید دانست که مجموعه معارف و قوانین اسلام در درون خود، ظرفیت ایجاد تحول در پاسخ‌گویی به این نیازها را دارد و می‌تواند در عرصه نیازهای فردی، اجتماعی و تنظیم سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و تمام موضوع‌های حیاتی جامعه پاسخ‌گو باشد.

### ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام

ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام

نقد مبانی تمدن غرب و شبکه علمی آنان، افشای ناکارآمدی و زیان‌های آن در جامعه اسلامی، شناخت جنبه‌های جدید اسلام و تغییر نگاه به دین از نگرش حداقلی به حداکثر؛ مستلزم صرف وقت زیاد، تلاش و دقت فراوان و حرکتی منسجم و پیوسته همراه با صرف بودجه‌های کلان و به خدمت گرفتن افراد آشنا و متخصص است. این حرکت مقدس با ایجاد احساس مسئولیت، برانگیختن حساسیت اجتماعی و تبدیل این هدف به میل و خواست همگانی امکان‌پذیر است. امام رحمه الله در توصیه‌ای می‌فرمود:

ما می‌خوانیم آن قدری که می‌توانیم البته قدرت حاکم است، آن قدری که می‌توانیم این مملکت را از آن حال طاغوتی مبدلش کنیم به یک حال توحیدی اسلامی و این باید با کمک همه باشد. یکی نمی‌تواند این کارها را بکند، یک جمعیت نمی‌تواند. هر کس در هر کاری که مشغول است، باید آن کار را خوب انجام بدهد، آن کار را الهی‌اش کند و از طاغوتی بیرونش کند. (۲)

امروز شیوه‌های حکومتی و اداره نظام اجتماعی با گذشته بسیار تغییر کرده و اداره نظام به امری جمعی با مؤلفه‌های پیچیده و گوناگون تبدیل

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۴۱.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۵۸.

شده است. دیگر این گونه نیست که امور جامعه با دستور و به وسیله تعداد افرادی اندک و بدون مشارکت به سرانجام شایسته برسد. تحقق هدف‌های «نهضت علمی و فرهنگی» و رفع موانع آن، تنها در سایه یک حرکت عظیم اجتماعی و عزم ملی همراه با احساس مسئولیت آحاد جامعه ممکن خواهد بود. در واقع ایجاد احساس مسئولیت در برابر وظایف سبب ایجاد مشارکت در تولید و نوآوری می‌شود و نخبگان و فرهیختگان را به پاسخ‌گویی وادار می‌کند تا با اتکا به مکتب غنی اسلامی، به تولید علم و نوآوری دست بزنند. حضرت امام رحمه الله سفارش می‌فرمود:

ملت ایران با داشتن مکتبی مترقی چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت و تعالی خود از الگوهای غربی یا کشورهای کمونیست تقلید کند... (۱) شما این مفخرهای خودتان را از یاد نبرید، روشن فکرهای ما و نویسندگان ما، نویسندگان ما و تمام طبقه عالم و روشن فکر توجه به مفاخر خودشان داشته باشد، این قدر طرف غرب سجده نکنند. کتاب بنویسند، شما مطلب خودت داری، چه کار داری فلان کس چه گفته؟ (۲)

#### **(د) نهادینه سازی فرهنگ تولید**

(د) نهادینه سازی فرهنگ تولید

از مهم‌ترین آسیب مصرف‌زدگی و وابستگی به دست آورد غرب، سلب روحیه کار و تولید و خودکفایی است. حضرت امام رحمه الله نیز همانند رهبر فرزانه انقلاب با حساسیت فراوانی در برابر وابستگی فکری، علمی و فرهنگی، همواره جامعه را به نفی وابستگی در این ابعاد و و کسب خودکفایی دعوت می‌کرد و به منظور تشویق و حمایت‌های مادی و معنوی از کسانی که به ظرفیت‌های خودباور داشته‌اند، تولید علم را به

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۵۰۷.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۶۹.

شرق و غرب منحصر نمی‌داند و شجاعت مبارزه با جهل و نادانی و شهادت ورود به عرصه تولید علم و نظریه‌پردازی را در خود احساس می‌کند. ایشان در سخنی می‌فرماید:

مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصین است که شهادت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پا خود نگه دارند. ان‌شالله این استعدادها در پیچ و خم کوچه‌های اداره‌ها خسته و ناتوان نشوند (۱)... بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کارهای مصرف‌ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند، بسازند تا خود همه چیز را بسازند. (۲)

ایشان درباره ضرورت خودکفایی علمی دانشگاه‌ها بر پایه نیازمندی‌های جامعه اسلامی می‌فرماید:

ما می‌خواهیم یک دانشگاهی ... و ... کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی ما را که مقدم بر همه وابستگی‌ها و خطرناک‌تر از همه وابستگی‌هاست، نجات دهد. ما اساتید دانشگاهی را می‌خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوان‌های ما را مستقل بار بیاورند. غربی نباشند، شرقی نباشند، رو به غرب نایستند، آتاتورک نباشند و تقی‌زاده هم نباشند ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوایج خودمان را، خودمان تحصیل کنیم. (۳)

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵۸.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۱۷.

۳- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۰.

**هـ) فعال سازی باورها و انگیزه‌های دینی جامعه**

هـ) فعال سازی باورها و انگیزه‌های دینی جامعه

موفقیت در عرصه تولید علم و انقلاب فرهنگی و تحقق هدف‌های آن، بدون تکیه بر حرکت جهادی در عرصه علمی ممکن نخواهد بود. اگر عموم مردم و نخبگان جامعه احساس کنند این حرکت، نوعی جهاد با دشمن است و آنها در نبردی فرهنگی حضور دارند که حاصل تلاش آنها نیرومند شدن نظام ولایت و توسعه این نظام در عرصه جهانی در مقابل نظام کفر است، این حرکت پرتوان‌تر و شتابنده‌تر به پیش خواهد رفت. اگر مردم دین‌دار متوجه شوند که دشمن از سنگر علم و با استفاده از معادله‌های کاربردی و الگوهای توسعه اجتماعی به مبارزه با مفاهیم قدسی و الهی پرداخته است و این حرکت به سبب دوری از معنویت و گسترش دنیاگرایی و ضعیف‌کننده دین است، بی‌گمان در این جهاد علمی و بازپس گرفتن این سنگر از دشمن لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد و همین حرکت در نهایت، به فتح سنگرهای کلیدی در سراسر جهان منجر خواهد شد. حضرت امام راحل رحمه الله می‌فرمود:

من قبلاً نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جواب‌گوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان محور بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم. واقعاً به سمتی حرکت نماییم که ان‌شاءالله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود. (۱)

ایشان با هدف تلاش برای جای‌گزینی فرهنگ تولید به جای مصرف و تکیه بر مؤلفه‌های دینی و انگیزه‌های ایمانی یادآور می‌شود:

ما در مرحله‌ای هستیم که تازه متولد شده‌ایم و من می‌گویم اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خودکفایی حرکت کنیم این بهتر از این است که وابسته و مرفه باشیم و مهم این است که اعتقاد به آن نیت و ارزش‌های اسلامی و استقلال اقتصادی پیدا کنیم. (۲)

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۹۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۵۲۴.

## فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری

### اشاره

فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری

رهبر فرزانه انقلاب در بهمن ماه سال هشتاد و یک در نشست با اهل قلم، بر تولید علم و آزاداندیشی تأکید کرد. آنچه بر ضرورت این کار می افزاید، شرایط حاکم بر جهان و منطقه است. البته تولید دانش مانند هر کار دیگری به ایجاد انگیزه کاری نیاز دارد که این مهم، باید در آحاد جامعه اسلامی رخ دهد و در این میان، سهم نخبگان در تولید علم و فن آوری بیشتر است. در زمینه تولید علم باید باور علمی به یک باور عمومی تبدیل شود. در عرصه علوم حوزوی باید با برداشت و تفسیر درست آموزه های دینی درباره علم اندوزی، زمینه را برای رشد و تولید در همه بخش های علوم دینی فراهم آوریم. وظیفه اصلی در این بخش به عهده فرهیختگان حوزوی است. پس از ایجاد زمینه هایی در تغییر نگرش کلان به علوم دینی، همت همه حوزویان نباید تنها در علوم فقهی و اصولی صرف شود، بلکه در دیگر شاخه های علوم اسلامی نیز به همان اندازه باید تلاش و تولید صورت گیرد. نیز انجمن های علمی مختلف در بخش های علوم دینی ایجاد شود و در مجامع دانشگاهی با گرایش به جهان بینی اسلامی به تولید علم دست بزنند، نه با نگرش و جهان بینی سکولار. تأکید بر مسئله اعتماد به نفس و ایمان به سیاست راهبردی «ما

می‌توانیم» و جلوگیری از روحیه ترجمه محور بودن جامعه علمی کشور، نهادینه سازی روحیه نقد علمی، راه انداختن سنت تضارب آرا، تأکید بر جنبه پژوهش و جای‌گزینی نگرش پژوهش محوری به جای آموزش محوری، هماهنگ کردن نهادهای علمی با نیازهای اصلی جامعه، می‌تواند از مهم‌ترین برنامه‌های دانشگاهیان باشد. آنچه رهبر معظم انقلاب در نامه خود به فرهیختگان حوزوی به عنوان امور ضروری نهضت علمی و جنبش نرم‌افزاری برشمرد، بسیار مهم و اساسی است. ایشان امور زیر را در این حرکت لازم می‌داند: فراهم آوردن فرصت بیشتر برای نظریه‌پردازی و نقد و بررسی ایده‌های آنان را به وسیله اهل فن در محضر وجدان علمی جامعه، ایجاد تضارب آرا و گسترش فضای انتقادی سالم، گفت‌وگوی آزاد و برقراری امنیت لازم برای شجاعت در نظریه‌پردازی، تقدیر از نظریه‌سازان و نوآوران و تبدیل تولید نظریه و فکر به عنوان یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه، تدوین قواعد و روش‌های علمی و معقول برای گفت‌وگوی علمی و نظریه‌سازی در چارچوب‌ها و محدوده‌های آزادی و نظریه‌پردازی یعنی وفاداری به اصول، التزام به منطق و روش مندی علمی، رعایت اخلاق و ادب، استفاده از آزادی، رعایت حقوق مادی و معنوی دیگران.

نکته مهم این است که اگر دنیای مادی توانست پس از چند سده تمام علوم مورد نیاز خود را جهت ساخت جامعه و تمدن مادی تولید کند و به سمت ساخت جامعه جهانی بر محور ارزش‌ها و مفاهیم خود پیش رود، جامعه اسلامی هم باید بتواند علوم بومی و دینی خود را تولید کند تا از حالت انفعال و تسلیم محض در برابر علوم وارداتی بیرون آید و عرصه جهانی را به تسخیر اندیشه و فرهنگ ناب اسلامی درآورد. از همین رو، نهضت نرم‌افزاری را باید جزو مسائل راهبردی نظام اسلامی

به شمار آورد که هرگونه برخورد نامناسب یا سهل انگاری در خصوص آن نظام را با بحران هویت و کارآمدی در سطح ملی و بین المللی روبه رو می کند. بر اساس همین حساسیت، مقام معظم رهبری افزون بر مطالبه جدی این مهم از نهادهای مولد فکر در جامعه، جنبه های مختلف این موضوع را در مجامع گوناگون فرهنگی و علمی مطرح کرد.

## ۱. تولید علم

### ۱. تولید علم

مقام معظم رهبری معتقد است که با همت عالی و آرمانی و اندیشه و روش نوین می توان از بن بست تقلید از دنیای غرب خارج شد. ایشان می فرماید:

امروز همه همت ما این است که نه فقط علم بلکه فرآورده های علمی و تکنولوژی و خرده تکنولوژی را از آنها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم، این کاری نیست که یک ملت باید به آن همت بگمارد. البته این کارها باید بشود و چاره ای نیست. وقتی انسان چیزی را ندارد، آن را از کسی که دارد، می گیرد. وقتی ساخت آن را بلد نیست، از کسی که بلد است، یاد می گیرد. در این شکی نیست، ولی باید راه نو و فکر نو و بن بست شکنی را وجهه همت خود قرار دهد. (۱)

همواره نیازهای خاص، اندیشمندان جامعه را به فکر تولید یک نظریه سوق می دهد. همچنین نیازها و دانش هایی که در یک بستر فرهنگی اجتماعی ویژه پدید می آیند، بار فرهنگی خاصی آن جامعه را به همراه دارند. بنابراین، معنا ندارد که تنها به ترجمه اکتفا کنیم. راه کار اصلی، اجتهاد و تولید علم است. حتی بومی سازی علوم هم برای دوران گذر خوب است. از این رو، رهبر معظم انقلاب می فرماید:

راه حل واقعی این است که یک ملت خودش باشد، با مغز خودش فکر کند، با چشم خودش ببیند، با اراده خودش انتخاب کند، آنچه را هم

---

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون های ۸۰ و ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.

انتخاب می کند، آن چیزی باشد که برایش مفید است، ما باید با حفظ تمدن مان با دست و بازوی خود کار کنیم و فقط ترجمه، کار منحصر ما نباشد. (۱)

این بزرگوار معتقد است اجتهاد واقعی و تولید معرفت دینی جدید و کارآمد در حوزه، نه تکرار سخنان، بزرگان و نام آوران حوزه، که کشف و طرح دیدگاه های جدید است. از این رو، نباید گمان کرد که معنای تولید علم در حوزه صرف یک «تألیف جدید» از مطالب گذشته، بلکه رسالتی است به منظور تولید فکر تکاملی و ناظر به نیازهای امروز سراسر عالم. به فرموده ایشان:

اگر از کلام صحبت می کنیم، فوراً ذهن به نوشتن چهار کتاب کلامی نرود. کار حوزه انتشار کتاب های بیشتر نیست، بلکه تولید فکر تکاملی است. چنانچه تولید افزایش یافت، نوبت به نشر هم می رسد. نشر، مسئله دوم است. (۲)

رهبر معظم انقلاب همواره از صاحبان فکر و اندیشه در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نوآوری و تولید علم را می خواهند. برای نمونه در پیام نوروزی ۱۳۸۷ خود، با اشاره به برخی دیدگاه ها درباره ممکن نبودن پیشرفت اقتصادی در کنار کاهش فاصله طبقاتی یادآوری کرد:

در این گونه موارد نباید نسخه های غرب به عنوان تنها راه حل تصور شوند، بلکه در چنین مسائلی تأکید بر نوآوری و استفاده از ایده ها و فکرهای نو است.

رهبر فرزانه انقلاب با نام گذاری سال ۱۳۸۷ به نام «نوآوری و شکوفایی»، انتظار دارد که در همه بخش ها به ویژه حوزه، دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی، از همه تجربه ها و اندیشه ها برای ابتکار، خلاقیت و نوآوری استفاده شود. ایشان بارها بر این امر تأکید کرده است:

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع جوانان استان گیلان، ۱۲/۲/۱۳۸۰.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب، روزنامه کیهان، ۱۶/۹/۱۳۷۴.



فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم و محقق باشد. وقتی فضای عمومی این طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه ها یا در هر نقطه ای از جامعه بایستی علم به وجود بیاید، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود بیاید. (۱)

در اندیشه مقام معظم رهبری، ارائه الگوی زندگی در پرتو تولید علم و اندیشه بسیار ضروری است. از این رو، انتظار ایشان از دانشگاه ها، ارائه راه کارهای جدید بر پایه اصول دینی است:

باید مغز متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی و منزل است و درباره اش نمی شود اندکی تشکیک کرد، در کارگاه های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلایجی کنند، روی آنها سؤال بگذارند. این جزمیت را بشکنند و راه های تازه ای را پیدا کنند که هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است. امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم افزاری همه جانبه و عمیق در اختیار این کشور و ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب ها و نوآوری های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می خواهد. (۲)

## ۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی

۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی

ظهور ناکارآمدی تمدن مادی و یأس بشر از این تمدن، روند نهضت نرم افزاری را ضرورت می بخشد. تمدن ظاهر و فریب غرب نه تنها نتوانست سعادت، رفاه و کرامت را برای بشریت به ارمغان آورد، بلکه منشأ بروز مشکلات و نابسامانی های زیادی در جنبه های مختلف روحی، ذهنی و رفتاری در جوامع غربی و شرقی شده و اینک به تمدنی رو به

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان نخبه، ۲۱/۱۱/۱۳۸۲.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

زوال و ناتوان برای پاسخ گویی به نیازهای معنوی تبدیل شده است. رهبر معظم انقلاب می فرماید:

تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد. این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند، به علم اهمیت دادند. این خوب بود، اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هر چه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می شود. هم خود آنها و هم همه بشریت را با میوه های زهر آگین خود تلخ کام می کند، همچنان که تا امروز کرده است... ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه داری افراطی، همه نتایج همان تفکیک است. قدرت های ستمگر عالم به خصوص در صد سال اخیر بر حذف معنویت و ارزش های والای انسانی در زندگی جوامع بشری پای فشرده اند و نتیجه آن، گسترش فسادهای اخلاقی و اعتیاد و بی بند و باری و ویرانی بنیان خانواده و نیز رشد استثمار و افزایش فاصله میان ملت های فقیر و غنی و دوری روز افزون از عدالت اجتماعی و بی اعتنایی به کرامت انسان و تولید سلاح های مرگ بار و افزایش کشتارهای دسته جمعی گردیده است. علم نیز مانند انسان، قربانی حذف معنویت و بی اعتنایی به ارزش های دینی شده است. (۱)

در شرایطی که دنیا، از تمدن بی معنویت غرب مأیوس شده، اگر نظام اسلامی بتواند الگویی جدید از حیات مبتنی بر معنویت و هدایت الهی را به بشریت تشنه امروز ارائه دهد، زمینه گرایش جهانی را فراهم می آورد. رهبر فرزانه انقلاب در کلامی دیگر می فرماید:

امروز نظام اسلامی، هویت، هدف و توانایی نظام غربی را مورد سؤال قرار داده است و برترین متفکران غربی به تدریج کسل کننده بودن نظام غربی را ابراز کنند و آن را بر زبان می آورند. بر همین اساس، تمدنی که با رنسانس آغاز شده امروز به نقطه پایانی خود نزدیک می شود. بشر امروز در پی یافتن یک جایگزین برای نظام غربی است و گرایش به سوی اسلام، در ایالت متحده امریکا، اروپا و آفریقا از همین امر ناشی می شود. (۲)

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۹، صص ۷۴ و ۷۵، ۷/۱۰/۱۳۷۰.

۲- رهبر معظم انقلاب، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳/۵/۱۳۷۴.

**۳. هدف های نهضت تولید علم****۳. هدف های نهضت تولید علم**

مهم ترین هدف های نهضت نرم افزاری از منظر رهبر فرزانه انقلاب، ساخت تمدن اسلامی با گستره جهانی با پرچم داری انقلاب اسلامی ایران، تولید و ارائه الگوی اداره اسلامی، آزاداندیشی و خارج شدن متفکران جهان اسلام از سلطه علمی و فکری جهان غرب و در نهایت، حفظ عزت اسلامی است. ایشان می فرماید:

سرنوشت حتمی، عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند. خطی که نظام اسلامی ترسیم می کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است. (۱)

معظم له در سخنان دیگری می فرماید:

این کشور باید ساخته بشود. این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایست استعدادهایش شکوفا بشود، بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان بدهد... (۲)

البته در سایه بازسازی تمدن عظیم اسلامی ما قادر خواهیم بود که به یک قدرت برتر جهانی تبدیل شویم و این مهم، در پرتو تولید علم امکان می پذیرد:

برای ایجاد یک تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگر، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است، یک اقیانوس است... سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن، که از کتاب و سنت همه اینها استفاده می شود، کاری است که همگان باید بکنند. کاری است که در طول زمان باید انجام بگیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان، از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. (۳)

۱- رهبر معظم انقلاب، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳/۵/۱۳۷۴.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۷/۱/۱۳۷۷.

۳- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

هرچند پس از انقلاب اسلامی بر اساس نیاز و ضرورت بعضی از الگوها را پذیرفتیم، ولی ناگفته پیداست که این الگوها هم‌سو با آرمان‌ها و محتوای دینی ما نیست و به اصلاح و بازنگری نیاز دارند تا الگوهای جامع و کامل بر پایه ارزش‌های دینی طرح‌ریزی شود. به منظور تأمین این هدف است که رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

اسلام، یعنی بنای یک نظام اجتماعی و یک زندگی عمومی برای یک ملت، بر پایه‌های مستحکمی که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت را تأمین کند، می‌تواند علم و پیشرفت و صنعت و ثروت و رفاه و عزت بین‌المللی و همه چیز را برای آنها فراهم کند. مردم دنبال این بودند.

همچنین حفظ و توسعه عزت اسلامی در کنار استقلال سیاسی و اقتصادی، به استقلال علمی و فرهنگی نیز وابسته است. بنابراین، رهبر انقلاب در توصیه‌ای می‌فرماید:

امروز وظیفه شماست که تلاش کنید و هدف این تلاش هم، عبارت است از عزت بخشیدن به اسلام و استقلال بخشیدن به ایران اسلامی. کشورتان را از همه جهت مستقل کنید. البته مستقل بودن به معنای این نیست که در استفاده از خارج از مرزها را ببندیم؛ اینکه معقول نیست، هیچ‌کسی هم به این کار دعوت نمی‌کند. در طول تاریخ افراد بشر از هم استفاده کرده‌اند، ولی فرق است بین تبادل فکر و اندیشه و دارایی‌های میان دو موجود همسان و هم‌وزن و هم‌قدر، [با] در یوزگی یک موجود از موجود دیگر از راه التماس و اعطای به او همراه با تحقیر. این، آن چیزی است که کم و بیش تا قبل از انقلاب بوده است.

رهبر فرزانه انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۸۷ نیز با تأکید بر حفظ عزت و اقتدار اسلامی تأکید فرمود:

علاج ملت ایران در کسب اقتدار است و امروز خوش‌بختانه مسئولان کشور عزت ملی را کاملاً در نظر دارند و در مقابل زورگویی و زورگیری دشمن ایستاده‌اند.

#### ۴. گستره تولید علم و نوآوری

#### ۴. گستره تولید علم و نوآوری

تولید علم نباید به علم و دانش خاصی محدود شود، بلکه در تمام علوم اعم از حوزوی و دانشگاهی و علوم مربوط به فن آوری و تولیدات صنعتی، حتی در الگوهای اجرایی نیز باید به دنبال تولید و نوآوری باشیم. یعنی در علمی که با آنها همه شئون فردی و اجتماعی اداره می شوند و جامعه به سوی تکامل الهی هدایت می شود، ما نیازمند اجتهاد و نوآوری هستیم. رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۸۷ می فرماید:

ما نمی توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف، جدی تر و با نهایت شتاب، ولی حساب شده، منظم و منضبط به جلو برویم و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین المللی از تمام ظرفیت ها برای دست یابی به پیشرفت های بزرگ استفاده کنیم.

این ظرفیت ها در بین حوزه و دانشگاه و مراکز آموزش و پژوهشی و نخبگان کشور وجود دارد. از این رو، رهبر فرزانه انقلاب، مهم ترین وظایف حوزه ها را ارائه الگوهای اسلامی اداره نظام متناسب با نیازها می داند و می فرماید:

وظیفه عمومی حوزه ها و وظیفه یکایک افراد و فضلا در حوزه های علمیه و روحانیون آگاه روشن فکر و فاضل که در سراسر کشور هستند، وظیفه شان امروز این است که فکر اساسی و نظریه بنیادی مربوط به جمهوری اسلامی را که همان نظریه حاکمیت اسلام در همه امور زندگی و حیات بشری است، با استدلال و منطق و با ملاحظه جوانب گوناگون این مسئله تبیین کنند. (۱)

همچنین از عرصه های دیگر تحقق نهضت تولید علم، دانشگاه است. علوم دانشگاهی به خاطر ارتباط با علوم انسانی و ارتباط با علوم

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در آغاز درس خارج فقه، ۱۹/۶/۱۳۸۰.

کاربردی پر اهمیت است. با این حال، متأسفانه بسیاری از علوم دانشگاهی از غرب گرفته شده است. از این رو، هماهنگی با ارزش‌ها و معارف دینی ما نیست و کارآیی لازم برای اداره نظام را ندارد. بدین ترتیب، رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

ما به خصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم حالا- چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست را به شکل وحی مُنزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم. گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب در می‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نگرفته‌ایم! در حالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم که به معنای حقیقی کلمه، مواد و مفاهیم اساسی‌ای که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فن‌آوری کرد. در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم، البته در این قسمت حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جست‌وجو و تفحص نقش ایفا کنند؛ اینجا از آن‌جایی است که ما باید به تولید علم برسیم. (۱)

باید توجه داشت که پایه و مبنای علوم انسانی موجود بر معرفت غیردینی و حتی ضددینی بنا شده است. پس این علوم کارآیی محدودی در نظام اسلامی دارند و لازم است تغییر کنند؛ همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

پایه و مبنای علوم انسانی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت

---

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۸/۸/۱۳۸۲.

والا- و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه باید کار کنیم، در زمینه علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و بازکردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد، توقع این است. (۱)

از دیگر عرصه‌های مهم و اثرگذار در باب تولید علم و نوآوری، تولید دانش‌های ناظر به اجراست.

این عرصه، از حساس‌ترین قلمروهای تولید دانش است؛ زیرا تمام تنظیم‌ها و کنترل‌های اجتماعی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر پایه این الگوهای اجرایی صورت می‌گیرد. تولید علم، ممکن است در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن صورت گیرد، ولی باید توجه داشت که الگوی توسعه نظام اسلامی، با فرهنگ دینی و بومی این ملت گره بخورد، و گرنه صرف توسعه اقتصادی بودن، تحکیم ارزش‌ها پیشرفتی را نصیب نظام اسلامی نخواهد کرد.

به فرموده رهبر بزرگوار انقلاب نیز:

هر اقدامی در راه توسعه اقتصادی و آبادسازی کشور در صورتی با توفیق همراه خواهد بود که از تفکر و اصول اسلامی مایه بگیرد و در جهت تحکیم آرمان‌ها و ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی باشد. در این صورت است که حرکت سازندگی، حرکت حقیقی و تضمین شده خواهد بود و کشور به توهم سازندگی در ورطه وابستگی و فساد مالی و سیاسی و اخلاقی نخواهد غلتید. (۲)

در زمینه دگرگونی نظام اقتصادی، نقش نظریه پردازان مسلمان علم اقتصاد نیز انکارناپذیر است؛ کسانی که از یک سو با مبانی و مفاهیم اقتصاد آشنایند و از دیگر سو بر پایه دغدغه دینی، اصلاح ساختار نظام اقتصادی را جست‌وجو می‌کنند:

۱- سخنان هبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۲۶/۹/۱۳۸۳.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب، روزنامه همشهری، ۱۳/۳/۱۳۷۵.

دولت به متفکرین دانشگاهی تکیه کند و اقتصاددان‌های مملکت نیز آنچه را با کشور ما، با عقاید ما و با خصوصیات کشور ما متناسب است، پیدا کنند. (۱)

البته در هر حال، رسالت اصلی بر عهده حوزه‌های مقدس علمیه است که وظیفه تبیین مبانی و تدوین مواضع اسلامی را در همه عرصه‌ها بر عهده دارند، هر چند بخش عمده‌ای از طراحی این ساختار هم با کمک دانشگاه یا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مانند آن شکل خواهد گرفت.

## ۵. موانع تولید علم

### اشاره

#### ۵. موانع تولید علم

از منظر رهبر فرزانه انقلاب، یأس و نومیدی، افکار التقاطی، عقب‌ماندگی، هرج و مرج علمی، مانع تراشی دشمنان خارجی؛ برخورد متعصبانه و غیرمنطقی با اندیشه‌ها، نفوذ مخالفان اسلام و انقلاب در مراکز علمی و سیاسی کاری مسئولان مراکز علمی، از جمله موانع تحقق تولید علم و نوآوری به شمار می‌روند. برای رفع موانع در این زمینه‌ها، لازم است به نکات زیر توجه شود:

### الف) یأس و ناامیدی

#### الف) یأس و ناامیدی

صاحبان اندیشه با امید به تحقق تولید علم، از ناامیدی و بی‌انگیزه‌گی بپرهیزند و بدون شتاب زدگی به پایه‌گذاری این بنای علمی بپردازند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

از شما و هم‌فکرانتان در حوزه و دانشگاه می‌خواهم که این ایده‌ها را تا لحظه عملی شدن و ثمردادن \_ هرچند دراز مدت \_ تعقیب کنید؛ نه مأیوس و نه شتاب زده، ولی باید این راه را که راه شکوفایی و خلاقیت است، به هر قیمت پیمود. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار رساند. (۲)

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب، ۶/۱/۱۳۷۳، نهضت نرم‌افزاری از نگاه مقام معظم رهبری، گروه مؤلفان، ص ۱۰۵.

۲- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه دانش‌آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.



**(ب) وجود افکار التقاطی**

(ب) وجود افکار التقاطی

وجود افکار التقاطی، چه در حوزه علوم دینی و چه در حوزه علوم دانشگاهی، رهنمون است. کسانی که درصددند با تلفیق نظریه‌های مطرح شده در دانش بیگانه با فرهنگ ناب، مشکل‌گشایی کنند، به بیراهه می‌روند:

یک عده تحت تأثیر جادبه‌های افکار نوی وارداتی، مجذوب اینها می‌شدند و سعی می‌کردند اسلام و فکر اسلامی و دین را با اینها تطبیق کنند. منتی هم بر سر دین می‌گذاشتند که ما اسلام را جوان پسند و مردمی و قابل قبول کرده‌ایم!

گاهی اوقات کاسه‌ای از آش داغ‌تر هم می‌شدند و چند قدم هم جلوتر از صاحبان این فکرها پیش می‌رفتند، برای اینکه مبادا متهم به مرتجع بودن و این حرف‌ها شوند که این کار را هم ما در مواردی دیدیم. نبوت و توحید و معاد و مباحث امامت و مباحث فقهی و مباحث اجتماعی و سیاسی اسلام را به سمت مشابهات خودش در مکاتب بیگانه از اسلام و احیاناً الحادی و به کلی بیگانه از دین کشاندند و منت هم سر اسلام می‌گذاشتند که ما آمدیم اسلام را همه کس فهم، همه کس پسند و در چشم‌ها شیرین کردیم. (۱)

**(ج) تحجر علمی**

(ج) تحجر علمی

تحجر علمی نیز مانع بزرگی است و آن اینکه یک عالم و دانشور، دانسته‌ها و علوم‌ی که به آنها رسیده، در نظرش خدشه ناپذیر جلوه کند.

از این رو، در خود جرئت طرح دیدگاه جدید را ندارد و دیدگاه‌های نوی دیگران را هم نمی‌پذیرد. رهبر معظم انقلاب در نفی چنین رویه‌ای می‌فرماید:

تحجر این است که کسی که می‌خواهد کار بزرگی با این عظمت را انجام بدهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید و کار کند و پیش برود، این امکان پذیر نیست. معنای تحجر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف

اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد؛ این بلای بزرگی است... (۱).

### د) هرج و مرج علمی

د) هرج و مرج علمی

بی‌شک برخی از مفاهیم به مرور زمان کارآیی خود را از دست می‌دهند و نیاز به بازسازی دارند. همچنین، مفاهیم تهی از اخلاق غرب نیاز به باروری اخلاقی دارند. البته این ضرورت‌ها نباید سبب گرافه‌گویی‌های علمی و به تعبیری هرج و مرج علمی بشود، چنان‌که رهبر انقلاب در هشدار می‌فرماید:

البته اشتباه نشود، من کسی را به آنارشیسم علمی و به مهمل‌گویی علمی توصیه نمی‌کنم. در هر زمینه‌ای آن کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری بکنند، به مهمل‌گویی می‌افتند. ما در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی داریم این را می‌بینیم. آدم‌های ناوارد بدون اینکه از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند که در واقع نوآوری نیست، مهمل‌گویی است. (۲)

### ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی

ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی

مانع مهم دیگر در روند تولید علم، مطلق‌انگاری دانش‌های وارداتی است. متأسفانه دنیای مادی نیز از اندیشه خام سود می‌برد و نظام‌گرایی‌ها و الگوهای رفتاری ملت‌ها را متناسب با مبانی و هدف‌های خود هماهنگ می‌کند... رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

درباره تفکر و فرهنگ وارداتی غرب بارها صحبت کرده‌ام. بعضی ممکن است این را حمل بر نوعی تعصب و لجبازی کنند؛ نه این تعصب و لجبازی نیست، برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیز ممکن‌تر و سهل‌تر از این

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع با شکوه زائران حرم مطهر حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۳/۱۳۷۶.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

نیست که قدرت‌مندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل بدهند. هر باوری که یک ملت را به اتکای به خود، اعتماد به نفس حرکت به جلو و تلاش برای استقلال و آزادی وادار کند، دشمن خونی آن، کسانی هستند که می‌خواهند با قدرت متمرکز، همه دنیا را در اختیار بگیرند و به نفع خودشان همه بشریت را استثمار کنند. لذا با آن فکر مبارزه می‌کنند. در نقطه مقابلش سعی می‌کنند با راه‌ها و شیوه‌های مختلف، افکار و باورها و جهت‌گیری‌هایی را در میان آن ملت ترویج کنند که به گونه‌ای بیندیشند که آنها می‌خواهند. وقتی آن‌طور اندیشیدند، آن‌گونه هم عمل و حرکت خواهند کرد. این ابزار خیلی رایج است. تئوری سازی استعمار، این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته تحکم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است. (۱)

### (و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران

(و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران

از موانع جدی بر سر راه عرصه علوم و تضارب آرا، برخورد متعصبانه با افکار دیگران است. باید جامعه علمی کشور بتواند فضایی سالم برای ارائه اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها ایجاد کند تا در آن فضا، نقد و ارزیابی نظریه‌ها و افکار بدون هیچ گونه ملاحظه سیاسی و به دور از هر گونه حب و بغضی صورت پذیرد. رهبر معظم انقلاب در رهنمودی فرمود:

در دوره جدید که ارتباطات گسترش پیدا کرد، حرف‌های نو به نو با جاذبه‌هایی که به طور طبیعی دارد، مرتباً وارد فضای فکری جامعه شد و به یک مواجهه صحیح و علمی ایجاد نیاز کرد. ما در میدان بودیم و می‌دیدیم، بعضی از مواجهه‌هایی که آن وقت صورت می‌گرفت، علمی نبود؛ مقابله متعصبانه و از روی اعتقاد بود. اما نخوانده و نفهمیده، حرفی وارد می‌کردند. نمی‌دانستند چیست. گوشه‌ای از یک حرف وسیع را می‌گرفتند و آن را مشمول جنگ خودشان قرار می‌دادند و با آن در می‌افتادند و مقابله می‌کردند. این، تحجر و توقف و مقابله غیرعلمی را تداعی می‌کرد. (۲)

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر، ۱۸/۱۲/۱۳۸۲.

**(ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی**

(ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی

این نیز یکی از عوامل مهم در راه پیش گیری از تولید علم است. این روحیه جامعه را به التهاب‌های سیاسی بیهوده دچار می‌سازد و به تدریج، آن را از مسائل اساسی سیاست و فرهنگ غافل می‌کند. رهبر معظم انقلاب در پرهیز از این روحیه می‌فرماید:

اما متأسفانه گروهی به دنبال سیاست زدگی و گروهی به دنبال سیاست زدایی، دائماً تبدیل فضای فرهنگی کشور را به سکوت مرداب گونه یا تلاطم گرداب‌وار، می‌خواهند تا در این بلبشو، فقط صاحبان قدرت و ثروت و تریبون، بتوانند تأثیرگذار و جریان ساز باشند و سطح تفکر اجتماعی را پایین آورده و همه فرصت ملی را هدر دهند و اعصاب ملت را بفرسایند و درگیری غلط و منحط قبیله‌ای یا فرهنگ فساد بیگانه را رواج دهند و در نتیجه، صاحبان خرد و احساس، ساکت و مسکوت بمانند و صاحب‌دلان و خردمندان، برکنار و در حاشیه مانده و منزوی، خسته و فراموش شوند. در چنین فضایی، جامعه به جلو نخواهد رفت و دعوا، تکراری و ثابت و سطحی و نازل می‌گردد. هیچ فکری تولید نمی‌شود. عده‌ای مدام خود را تکرار می‌کنند و عده‌ای دیگر تنها غرب را ترجمه می‌کنند و جامعه و حکومت نیز که تابع نخبگان خویش هستند، دچار انفعال و عقب گرد می‌شوند. (۱)

**(ح) غرب زدگی و مهره‌سازی**

(ح) غرب زدگی و مهره‌سازی

در سده اخیر دشمنان برای بهره‌وری مادی، دست به تحقیر شدید آحاد مختلف جامعه به ویژه سیاست‌مداران، نخبگان و اندیشمندان جامعه زده‌اند. وابستگان سیاسی و فکری آنها، نیروهای استقلال طلب و عزت جو را از صحنه سیاسی و علمی بیرون رانده و با ایجاد احساس ذلت و وابستگی سیاسی و علمی، روحیه و انگیزه نوآوری‌ها در سطوح مختلف علوم انسانی، تجربی، پایه و صنایع را از ما گرفته‌اند و ما را تولیدکننده

---

۱- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه جمعی از دانش‌آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

بیگانگان می‌خواهند. البته نفوذ کردن افراد مخالف در مراکز علمی، مانع نوآوری شده است. این روحیه غرب زدگی و نگاه مطلق‌انگار به غرب و دانش‌های غربی، مانع بسیار بزرگی بر سر راه تولید علم و نوآوری شده است. رهبر معظم انقلاب در رهنمودی می‌فرماید:

ما که در آن دوران، سال‌های متمادی از عمرمان را گذرانیدیم، خوب می‌فهمیم که چه کارهایی برای بی‌اعتقاد کردن ملت ایران به توان ظرفیت علمی خود و ظرفیت فنی و استعدادهای خود و قدرت بالندگی و باروری خودش انجام می‌شد. در دوران تسلط استعمار در عمق جان مردم، این فکر را به وجود آوردند که ایرانی باید علم و تجربه را، حتی تولید و مصرف را از دیگران بیاموزد. نخواستند به ما یاد بدهند که دانسته‌های دیگران را چگونه هوشمندانه یاد بگیریم و خودمان آنها را به کار بیندازیم. (۱)

متأسفانه با وجود انقلاب اسلامی، بازهم این غرب زدگی و احساس حقارت در عده‌ای باقی مانده و هنوز هم نفوذ دامنه‌دار فرهنگ غرب در لایه‌های مختلف علمی، آموزشی و اقتصادی وجود دارد، به گونه‌ای که گروهی خواسته یا ناخواسته محل اجابت آمال خود را غرب قرار داده‌اند.

## ۶. راه کارهای تحقق تولید علم و نوآوری

### اشاره

۶. راه کارهای تحقق تولید علم و نوآوری

عوامل متعددی در سرعت بخشیدن به نوآوری و توسعه علم دخیل هستند که از میان آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم

الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم

اگر دنیای مادی توانست در یک مقطع تاریخی دو‌سیصد تا سیصد ساله، به این حد از توسعه مادی برسد، به یقین نظام اسلامی هم می‌تواند با اتکا بر ایمان و با جهادی علمی، سیر تکامل الهی خود را در زمان کمتری پیماید. همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۸، صص ۲۵۱ و ۲۵۲، ۱۲/۹/۱۳۷۰.

امروز اگر برتری علمی با غربی‌هاست، در آینده نه چندان دوری هم با اراده شما می‌توان کاری کرد که فردا آنها از شما یاد بگیرند. مرزهای دانش را بشکنید. اینکه من می‌گویم نهضت نرم‌افزاری، انتظار من از شما جوان‌ها و اساتید این است که تولید علم کنید، نه، سراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید کار کنید. با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد. در بعضی رشته‌ها زودتر و در بعضی از رشته‌ها دیرتر. فن آوری‌ها همین طور است. علم باید ناظر به فن آوری باشد. فن آوری هم مرحله بسیار مهم و بالایی است. در فن آوری هم می‌توانیم پیش برویم. همچنان که رفتیم. بنابر آنچه گفته شد، امروز فتح سنگرهای علمی نیازمند جهاد علمی است و جهاد هم خواهان ایثارگری است و ایمان به خداوند، همه نیروهای انسانی را به حرکت و پویایی وامی‌دارد. (۱)

### ب) ایجاد روحیه خودباوری

ب) ایجاد روحیه خودباوری

برای از بین بردن احساس خودباختگی به غرب، باید خودباوری در جامعه تقویت شود. متأسفانه در توان مندی علمی و فنی غربی‌ها و ناتوانی ایرانی‌ها چنان زیاده‌روی شده است که بسیاری از افراد، اعتماد و اطمینان خود به هویت ملی را از دست داده‌اند. رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

بدترین شکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها این قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید. مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله ... یک روز علم را غربی‌ها از مشرق و از همین ایران گرفتند. پایه گذار بسیاری از علوم که امروز در دنیا رایج است، ایرانی‌ها هستند؛ در ریاضی، فیزیک، پزشکی، نجوم و بسیاری از علوم دیگر، ایرانی‌ها پایه گذار بودند. اصلاً رنسانس

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۷/۴/۱۳۸۳.

اروپا بر اساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. ما می‌توانیم این را تصور کنیم که یک روز ایران تولیدکننده خلاق علم شود. (۱)

### ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی

ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی

نهضت نرم‌افزاری آن‌گاه به یک خیزش اجتماعی و نهضت فراگیر تبدیل خواهد شد که به یک فرهنگ عمومی در تمامی مراکز فرهنگی و علمی کشور اعم از حوزه و دانشگاه تبدیل شود، چنان‌که رهبر انقلاب می‌فرماید:

فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم محقق باشد. وقتی فضای عمومی این‌طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه‌ها یا در هر نقطه‌ای از جامعه بایستی علم به وجود بیاید نه، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود بیاید. فضا، فضای علمی خواهد بود، فضای تحقیقی خواهد بود. منتها بدیهی است که وقتی فضای علمی در کشور به وجود بیاید، این علم و تحقیق در نقطه مناسب و متناسب رشد خواهد کرد، مثلاً در دانشگاه‌ها، پژوهش‌گاه‌ها و از این قبیل مراکز. (۲)

لازم است با تبلیغات و راه‌های مختلف مانند تقدیر و تشویق از نوآوران، این مهم تحقق یابد. رهبر فرزانه انقلاب درباره نهادینه‌سازی این ارزش می‌فرماید:

باید تولید نظریه و فکر، تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و عملی از نظریه‌سازان تقدیر به عمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود و سخنانشان شنیده شود، تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد تشویق شوند. (۳)

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری، افراد ممتاز آزمون‌های سال ۸۰ و ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان نخبه، ۲۱/۱۱/۱۳۸۲.

۳- پاسخ رهبر معظم انقلاب به دانش‌آموختگان حوزه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

**(د) شکستن جزم‌گرایی و ابهت علوم غربی**

(د) شکستن جزم‌گرایی و ابهت علوم غربی

شکستن جزم اندیشی‌های علمی، می‌تواند یکی از راه‌کارهای اساسی در راه تولید فکر و اندیشه باشد. هنوز عده‌ای در جامعه علمی باور ندارند که تمدن مادی به انتهای خود رسیده است و باید به فکر جای‌گزین باشند. برای شکستن این جزمیت، باید این مفاهیم و علوم از لحاظ نظری و عملی بررسی و نقد شود و به توصیه رهبر فرزانه انقلاب عمل شود که:

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی مُنزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌جی کنند. روی آنها سؤال بگذارند. این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند، هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است. امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبشی نرم‌افزاری، همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد. (۱)

**(ه) تبیین آثار سوء مصرف‌گرایی**

(ه) تبیین آثار سوء مصرف‌گرایی

شاید عده‌ای بهترین و سریع‌ترین راهبرد توسعه در جهان امروز را واردات کالا، فن‌آوری و دانش از کشورهای توسعه یافته بدانند. محصول چنین باور و عملی، وابستگی و عقب‌ماندگی است. رهبر فرزانه در رد و نکوهش این نوع تفکر و روحیه می‌فرماید:

یک طرز تفکر، غلط و مایه بدبختی ملت است و یک طرز تفکر، درست است. آن طرز تفکر غلط، همان تفکری است که در دوران حاکمیت عوامل امریکا بر این کشور حاکم بود و آن اینکه علم و صنعت و

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.



تکنولوژی و امور فنی، باید به وسیله خارجی‌ها، اروپایی‌ها و غربی‌ها آماده بشود و به صورت محصول کار آنها استفاده کنیم. این یک طرز تفکر بود. متأسفانه الان هم این طرز تفکر در بعضی از کشورهای استعمارزده وجود دارد. می‌گویند ما پول می‌دهیم، غربی‌ها برای ما می‌سازند... این طرز تفکر در دانشگاه‌ها هم اثر می‌کند. علوم دانشگاهی هم بر اساس همین روش شکل می‌گیرد. مهندس ما هم مبتکر و سازنده و خلاق نمی‌شود. این کاری بود که آنها آن روز کردند و مدت‌ها نتایج سوء آنها گریبان‌گیر کشور ما هم بوده و شاید در آینده هم تا زمان‌هایی باشد. (۱)

ایشان در جای دیگر برای از بین بردن چنین تفکری می‌فرماید:

نباید صرفاً مصرف‌کننده فرآورده‌های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که این روح نوآوری علمی، در محیط دانشگاه زنده بشود و زنده بماند. البته من خوش بختانه این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می‌بینم. اینها باید دست به دست هم بدهد و سطح علمی کشور را بالا ببرد. (۲)

## (و) نظریه پردازی

(و) نظریه پردازی

نوآوری و ایجاد افق‌های تازه در تولید علوم، نیازمند انواع نظریه‌پردازی‌ها متنوع در باب‌های مختلف علوم است. از این رو، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها باید با جرئت و جسارت عالمانه به ارائه نظریه و تولید دانش بپردازند و تنها به پردازش نظریه‌های گذشتگان یا نظریه‌های وارداتی بسنده نکنند و به این رهنمود رهبر فرزانه و عالم انقلاب توجه کنند که:

مدعیان لیبرال دمکراسی با استفاده از علم و فن آوری و سیاست، تبلیغات و سرنیزه در صدد فتح جهان هستند و مهم‌ترین روشی که در این راه مورد استفاده قرار می‌دهند، تئوری‌سازی و مفهوم‌سازی است که حوزه علمیه قم

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۸، صص ۲۵۷ و ۲۵۸، ۱۳/۹/۱۳۷۰.

۲- ۲ بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

می‌تواند با اهتمام به نهضت نرم‌افزاری، نظریه‌پردازی و تولید علم، به مقابله با این سلطه‌طلبی پردازد. (۱)

ایجاد فضای باز علمی از عوامل بسیار مؤثر در ایجاد انگیزه برای تولید علم است. عموم اندیش‌ورزان و دانش‌پژوهان باید احساس کنند که در ابراز نظریه جدید خود با هیچ مشکل و مسئله‌ای روبه‌رو نمی‌شوند. باید فضای نظریه‌پردازی به دور از مسائل سیاسی و جب و بغض‌های فردی و حزبی ایجاد شود و نظریه‌ها در فضایی کاملاً علمی و فارغ از تنش آفرینی ارائه شود. در کنار نظریه‌پردازی باید مناظره‌های علمی به صورت سازمان‌یافته و قاعده‌مند انجام پذیرد، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمود:

من بر پیشنهاد می‌افزایم که این ایده چه در قالب «مناظره‌های قانون‌مند و توأم با امکان داوری» و با حضور هیئت‌های داوری علمی و چه در قالب تمهید «فرصت برای نظریه‌سازان» و سپس «نقد و بررسی» ایده آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه، تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند، بلکه در کلیه علوم رشته‌های نظری و عملی و در جهت حمایت از کاشفان و مخترعان و نظریه‌پردازان در این علوم و فنون و صنایع نیز چنین فضایی پدید آید و البته برای آنکه ضریب «علمی بودن» این نظریات و مناظرات پایین نیاید و پخته‌گویی شود و سطح گفت‌وگوها نازل و عوامانه و تبلیغاتی نشود، باید تمهیداتی اندیشید و قواعدی نوشت. (۲)

رهبر فرزانه انقلاب بسیار صمیمانه از دانشجویان نیز علم‌آموزی و قالب شکنی را درخواست می‌کند، آنجا که می‌فرماید:

... حالا که هوش و استعداد و آمادگی ذهنی دارید، همت را به این کار بگمارید. به اینکه چارچوب‌های عادی را یاد بگیرید یا [به اینکه] در فلان چیز به قول شماها نمره بیاورید، فکر نکنید. به علم فکر کنید. البته این فرهنگ، حمایت از علم و پژوهش و کارهای مدیریتی را لازم دارد. عامل

۱- روزنامه رسالت، ۵/۱۰/۱۳۸۳.

۲- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه دانش‌آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

دیگر که ممکن است حتی بر عوامل قبلی غلبه کند، میل و علاقه و اراده و خواست شماست. همت کنید کشور را از لحاظ علمی بسازید. (۱)

## ز) کاربردی کردن پژوهش ها

### اشاره

ز) کاربردی کردن پژوهش ها

توجه به کارآمدی پژوهش ها در تولید علم و نوآوری بسیار مهم و کارساز است. اگر طلبه یا دانشجو بداند که رساله تحقیقاتی اش در صدد حل معضلی از مشکلات جامعه است، با حساسیت بالایی مسئله را پی می گیرد تا با نوآوری پاسخی درخور ارائه کند، برخلاف اینکه پژوهش وی تنها در پی کسب نمره و تکرار مسائل مطرح شده باشد. رهبر انقلاب در توصیه های ارزشمند می فرماید:

دو سر فصل را هم مطرح می کنم که در صحبت های خود اگر به اینها توجه کنید و درباره اینها هم سخنی بگویید، خوب است: یکی عبارت است از راه حل عمل گراتر شدن و کارآمدتر شدن پژوهش و تحقیق در کشور؛ چه از سوی استادان و برگزیدگان و چه از سوی دانشجویانی که در دانشگاه ها پایان نامه هایی را می نویسند، حین تحصیل یا در پایان تحصیل، از سوی دانشجو و استاد، ساعت های بسیار ذی قیمتی صرف تهیه یک پایان نامه یا یک پژوهش در دانشگاه می شود. آیا گزینش این عناوین، حساب شده و در جهت نیازهای کشور است؟ آیا محصول پژوهش و تحقیقی که استاد و دانشجو مشترکاً یا به طور دسته جمعی انجام داده اند، به مرحله اجرا و عمل می رسد؟ آیا به این وسیله دانشگاه ها، دانش ما و رتبه تحقیقاتی ما رشد می کند یا نه؟! (۲)

البته برای تحقق این هدف، باید آیین نامه های آموزشی و تربیتی را به گونه ای تنظیم کرد که استاد بتواند به راحتی مدافع خلاقیت و نوآوری ها باشد. سیستم آموزشی باید از مدرک گرایی صرف خارج شود و به نظامی پژوهش محور، نه اطلاعات محور تبدیل شود. (۳)

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز، آزمون سراسری ۸۰ \_ ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه ها، ۲۶/۹/۱۳۸۳.

۳- برای اطلاع و تفصیل بیشتر نک: نهضت نرم افزاری از نگاه مقام معظم رهبری، گروه مؤلفان، پژوهش گاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱، بهار ۱۳۸۶.

**فرجام سخن**

## فرجام سخن

مخاطب پیام رهبر معظم انقلاب در سال نوآوری و شکوفایی، همه افراد جامعه هستند. این امر، جز با یک عزم ملی و مشارکت مسئولانه و جهادی امکان پذیر نخواهد بود. مخاطبان خاص نهضت نوآوری نمی توانند غیر از دو نهاد فرهنگ ساز و تولیدکننده، یعنی حوزه و دانشگاه باشند. در کنار این دو مجموعه، نهاد حکومت نیز وظایف مهمی برعهده دارد.

**وظایف حکومت**

## وظایف حکومت

حکومت، مسئول اتخاذ و اجرای سیاست ها، تصمیم ها، قوانین، اعمال نظارت بر حسن اجرای آنها و مهار نابسامانی ها بوده و برای اعمال آنها نیازمند قدرت سیاسی است. حاکمیت برای تحقق هدف ها و چشم اندازهای جامعه باید تمام ظرفیت های اجتماعی اعم از امکانات، زمینه های مناسب، منابع و نیروهای انسانی را بسیج، سازمان دهی و هماهنگ سازد. در حقیقت، حکومت افزون بر مسئولیت حفظ نظم و تأمین معاش و امنیت، عهده دار سرپرستی و هدایت اجتماعی است و با تنظیم سیاست های کلان در جنبه ها و امور مختلف، جامعه را به سوی مطلوب های مورد نظر و تعریف شده هدایت کند.

طبیعی است که نظام حکومتی در راه تحقق بخشیدن به هدف ها و برنامه ریزی منسجم پیوسته با موانع، تهدیدها، آسیب ها، و نیازمندی های خاص روبه روست. طبیعی است حکومت برای رفع معضلات در فرآیند تصمیم گیری، با مشاوره و مشارکت متخصصان اقدام می کند و از اهل

فکر کمک می گیرد. کارشناسی موضوع ها و احکام اجتماعی و ارائه طرح ها، راه کارهای علمی و عملی و اطلاعات تخصصی برعهده دو نهاد حوزه و دانشگاه گذاشته می شود تا از یک سو حجیت و استناد آن به شرع مقدس تمام شود و از سوی دیگر، علوم و اطلاعات کاربردی و متناسب با هنجارهای ملی و دینی تولید شود. حوزه و دانشگاه در این امر باید با همدلی، هم فکری و همکاری با یکدیگر برای برنامه ریزی بر اساس ارزش ها اقدام کنند. اطلاعات تولیدشده در حوزه و دانشگاه باید با رویکردی عینی و کاربردی، متناسب با نیازهای جامعه باشد و به صورت تغییر در سیاست، اثرگذاری در تصمیم ها، تغییر ساختارها، تغییر نظام آموزشی، بهینه سازی وضعیت رسانه های عمومی و ایجاد دگرگونی ها و ظرفیت های جدید در فرهنگ عمومی و حرکت به سمت اصلاح چشم اندازها و سیاست گذاری های کلان نمود پیدا کند. این چرخه باید همواره نو شود و با تولید اطلاعات و نوآوری ها به نیازها پاسخ گفته شود و با رفع موانع از سوی نهادهای تولید علم و مصرف اطلاعات و به کارگیری راهبردهای ارائه شده از سوی حکومت، همواره به منظور توسعه و تکامل جامعه تداوم یابد.

### نهاد حوزه

#### نهاد حوزه

نفی الگوهای مادی، لزوم کارشناسی و موضوع شناسی بر اساس دین و منطبق بودن هدف ها و آرمان های جامعه با توسعه و تکامل ایمانی و اخلاقی؛ ضرورت حضور بالقوه حوزه را در این عرصه نشان می دهد. همچنین هماهنگی و هم سو بودن خواسته ها و آرمان های جامعه با توسعه و تکامل ایمانی و اخلاقی، ضرورت حضور بالقوه حوزه را در این عرصه نشان می دهد تا با تلاشی پی گیر در حوزه های فقهی، کلامی، اخلاقی پویا باشد.

نهاد حوزه باید با حفظ فقاہت به سبک جواهری، شناخت زمان و مکان و شناخت دگرگونی های روابط حاکم بر موضوع ها، تلاشی برای پیاده کردن اصول محکم فقه در عینیت، جهان شناسی و دشمن شناسی، نفی تفکر جدایی دین از سیاست، حضور اجتماعی روحانیان، شناخت درست حکومت و جامعه برای برنامه ریزی به نفع مسلمانان، به دست گرفتن نبض تفکر جامعه و توجه به نیازهای نسل آینده، ارائه طرح های سازنده در جهت خدمت به محرومان، ارائه اقتصاد اسلامی، علم سیاست برنامه های فرهنگی، تلاش برای پاسخ گویی به خلأهای فکری و معنوی افراد بشر، تربیت عالمان متعهد و متخصص، مطالعه برای شناخت ابعاد تازه تر اسلام و معرفی آن و روزآمد کردن بحث و ابتکار و تحقیقات را در دستور کار خود قرار دهد. حوزه باید نیازهای جدید را در قالب نظامی از نیازمندی ها و موضوع ها، تنظیم و دسته بندی کند و به ترتیب اولویت و با برنامه ریزی درست و به کارگیری همه ظرفیت ها اعم از نیروی انسانی شامل عالمان، استادان، فاضلان و طلبه های ارجمند و نیز ظرفیت های علمی و میراث گران بهای گذشتگان در امر آموزش، پژوهش و تبلیغ، به منظور پاسخ گویی به نیازهای مزبور، تولید مفاهیم جدید و تربیت نیروی انسانی مناسب اقدام کند. همچنین، با در نظر داشتن مباحث کلان و پایه ای، به ارائه طرح های کوتاه مدت بپردازد. حوزه هر چند امروزه برای برخی نیازهای اجتماعی، محصولات علمی فرهنگی مناسبی دارد، ولی غیر از ضرورت بالندگی در مفاهیم و روش های پژوهش، آموزش و تبلیغ؛ محور هایی چون روزآمد کردن آن محصولات و ترجمه آنها به ادبیات عام و خاص، امری ضروری است. لازم است تا حوزه برای همه جنبه های زندگی بشر به تولید فکر بپردازد و برای ایستادگی در برابر

سلطه طلبی و هجوم همه جانبه نظام های لیبرال دمکراسی که می کوشند از راه علم و فن آوری؛ یکسان سازی و جهانی را تعمیق بخشند، به تئوری سازی و تولید علم و نوآوری و مفهوم سازی همت کنند.

## دانشگاه

### دانشگاه

در حقیقت، توسعه دانش های کاربردی سازگار با مبانی دینی، برای تکمیل حلقه های نظام فکری و تمام شدن ارتباط میان باورها و عمل در نظام عینی جامعه و سرپرستی و هدایت اجتماعی بر اساس باورها و نظام ارزشی، تکلیفی و توصیفی مکتب وحی؛ تعیین کننده جایگاه دانشگاه در نظام اسلامی است. امر مهم برنامه ریزی اجتماعی، تنظیم و ترسیم سیاست های چند ساله و چشم انداز آینده نظام و ارائه طرح های کاربردی در زمینه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر نهادهای اجتماعی، کاری تخصصی است که عهده دار آن متخصصان دانشگاهی هستند. امری که وظیفه دانشگاه را سنگین تر می کند، توجه به روح حاکم بر این تنظیم هاست که باید با برنامه ریزی جوامع غیر الهی متفاوت باشد و بر اساس مبانی دینی طرح ریزی شود. امروز در دنیای غرب و تمدن مادی، با تکیه بر آکادمی های مجهز و نیروهای متخصص در زمینه های مختلف، با به کارگیری اندیشمندان و نخبگان جامعه خود، بلکه جوامع دیگر، نظام هم آهنگ تولید، توزیع و بهره مندی از علم را در قبضه خود درآورده اند. آنها افزون بر تولید هم آهنگ علوم برنامه تفکر و جهان بینی مادی توانسته اند، از راه طراحی نظام تخصیص ارزش های فرهنگی و اطلاعات تخصصی در سطح های گوناگون، مدارجی همچون لیسانس، فوق لیسانس، دکترا و فوق دکترا را تعریف و در عمل نیز نظام توزیع علم را مهار کنند. آنان همچنین با انجام کارشناسی و ارائه راه کارهای

علمی و عملی و با هدف تنظیم برنامه‌ها و الگوهای توسعه، جهت دهی به افکار کارشناسان را از راه آموزش‌ها و ارائه حجم انبوهی از اطلاعات به کمک ابزارهایی مانند اینترنت، به صورت جدی دنبال می‌کنند. این امر نشانه حاکمیت بی‌چون و چرای آنان بر نظام مصرف علوم است. بنابراین، نظام مادی با بهره‌گیری از صدها نظریه پرداز، هزاران استاد و میلیون‌ها دانشجو، خواسته یا ناخواسته در این چرخه عظیم و شبکه منظم علمی توانسته است، مدیریت عملی جوامع مختلف را از راه حاکمیت بر فرآیند تولید، توزیع و مصرف علم در اختیار بگیرد. در مقابل این جبهه عظیم و شبکه درهم‌تنیده علوم مادی، دانشگاه اسلامی در جامعه اسلامی باید جایگاه جدیدی برای خود تعریف کند و با ارائه تعریفی نو از توسعه و معیشت و تعیین نسبت آن با سعادت و معنویت، علوم و معادله‌های کاربردی هنجارپذیر و راه‌کارهای عملی آن را ارائه کند. دانشگاه اسلامی چاره‌ای جز تولید نرم‌افزارهای نوین در سطح تخصصی و کم‌کردن محدوده و خطر وابستگی شدید علمی به شبکه پیچیده دانش امروزی ندارد. تغییر در رویکرد کنونی در برابر ماهیت علم، سازوکار تولید آن و مبانی حاکم بر آن، امری ضروری برای سامانه دانش اسلامی در جامعه به شمار می‌رود.

با وجود این، یکی از گام‌های اساسی دانشگاه برای رسیدن به این نکته، باید تربیت نیروی انسانی هماهنگ با این هدف باشد. در طی سالیان دراز حاکمیت علم و تمدن غربی و سلطه استعماری غرب بر جامعه ما، نیروهای دانشگاهی و متخصصان تا حدودی اثرپذیرفته و به مصرف زدگی علمی دچار شده‌اند. در واقع دانشگاه در جامعه ما مصرف‌کننده اطلاعات تخصصی نظام مادی شده و به تقلید و ترجمه آثار آنان



اقدام می کند. تغییر این نگاه، آغاز جنبش عظیم علمی در عرصه تولید معادله های کاربردی اسلامی خواهد بود که در سایه همت بلند متخصصان دانشگاهی در عرصه های مختلف فن آوری و علم، این افتخار پیش گامی نیز به لطف خداوند نصیب دانشگاهیان متخصص شده است. اندیشه سازانی که در کنار تخصصشان، از تعهد ایمان لازم و منش خدمت گزاری نیز لبریزند و هیچ گاه تعامل با حوزه را نادیده نگرفته اند؛ زیرا جز با وحدت حقیقی و تعامل مقدس حوزه و دانشگاه، دست یابی به این آرمان های مقدس امکان پذیر نخواهد بود. به امید روزی که با نشر انبوه تولید علم و نوآوری در جهان اسلام و دنیای خاکی، سیطره تفکر مادی از روح و جان همگان به فراموشی سپرده شود.

**کتاب نامه**

**اشاره**

کتاب نامه

زیر فصل ها

الف) کتاب ها

ب) نشریات

**الف) کتاب ها**

الف) کتاب ها

۱. احمد پورداریانی، محمود، کارآفرینی \_ تعاریف \_ الگوها، تهران، شرکت پردیس، ۱۳۸۱.

۲. آزاد، حسین، آسیب شناسی روانی، تهران، بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۳. الوانی، سید مهدی، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.

۴. اوبری مینگ، مقدمه ای بر رفتارشناسی، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، مشهد، نیکا، ۱۳۷۲.

۵. ایروین جی، ساراسون، روان شناسی مرضی، ترجمه: بهمن نجاران، تهران، رشد، ۱۳۷۳.

۶. ایوان پترویچ پاولف، بازتاب های شرطی، ترجمه: یوسف کریمی و جواد قهرمانی، تهران، رشد، ۱۳۷۲.

۷. بال، ساموئل، انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه: علی اصغر مسدد، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۳.

۸. بی آر، هرگنهان، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه: علی اکبر سیف، تهران، دوران، چ چهارم، ۱۳۷۷.

۹. بی اف. اسکینر، فراسوی آزادی و شأن، ترجمه: علی اکبر سیف، رشد، ۱۳۷۰.

۱۰. تورکی، استانلی، روان شناسی کودک ناسازگار، ترجمه: سلما قوامی، تهران، شرکت سهامی، ۱۳۷۵.

۱۱. چریل. ال، اسپالدینگ، انگیزش در کلاس درس، ترجمه: محمدرضا نائینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران، مدرسه، ۱۳۷۷.

۱۲. حسن شعبانی، مهارت‌های آموزش و پرورش (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۱۳. رابینز، استیون، مبانی مدیریت، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۹.

۱۴. راس، آلن، روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها و مفاهیم)، ترجمه: سیاوش جمالفر، روان، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۱۵. رضا مهجور، سیامک، روان‌شناسی بازی، شیراز، راهگشا، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۱۶. رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

۱۷. صمد آقایی، جلیل، سازمان های کارآفرین، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲.

۱۸. علی قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۵۸.

۱۹. علی قائمی، خانواده و کودکان دشوار، تهران، امیری، ۱۳۷۳.

۲۰. علی اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی (نظریه ها و مفاهیم)، تهران، دانا، ۱۳۷۳.

۲۱. علی اکبر سیف، روان شناسی پرورشی، تهران، آگاه، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۲۲. فائضی، علی، جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۰.

۲۳. قاسم زاده، حبیب الله، رفتار درمانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.

۲۴. کاستلو، تیموتی، روان شناسی نابهنجاری، ترجمه: نصرت الله پورافکاری، تهران، آزاد، ۱۳۷۳.

۲۵. کرومبولتز، تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه: یوسف کرمی، تهران، فاطمی، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۲۶. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهران، ارسباران، ۱۳۷۶.

۲۷. محمدی، ناهید، سایت: [www.danaee.com](http://www.danaee.com)

۲۸. موانع رشد علمی ایران و راه حل های آن، تهران، شرکت سهامی، انتشار، ۱۳۸۱.

۲۹. میرزا آقایی، حمید، سایت فکر نو.

۳۰. نقیب زاده، میر عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، طهوری، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.

۳۱. نوایی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه های پیشگیری و درمان نابهنجاری ها، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۳۲. هومن، حیدرعلی، شناخت روش های علمی در علوم رفتاری، تهران، نشر پارسا، ۱۳۷۴.

۳۳. هیلگارد، ارنست، زمینه روان شناسی، ترجمه: براهنی و همکاران، تهران، رشد، ۱۳۶۹.

۳۴. یونگ، مایکل، تروبریاندها، ترجمه: عباس مخبر، خرمشهر، طرح نو، ۱۳۷۳.

۱. بزرگی، کورش، همسنجی تولید علم در ایران و سایر کشورها، خبرنامه آموزش عالی، شماره ۱۹، صص ۱ و ۴.
۲. به پژوه، احمد، کودکان چگونه رفتار می کنند؟ همان گونه که با آنها رفتار می شود، مجله پیوند، ش ۲۹، ۱۳۶۰.
۳. ترزام، امابایل، خلاقیت را چه - گونه از بین ببریم، ترجمه: حسین حسینیان، مجله تدبیر، شماره ۱۰۳، خرداد ۱۳۷۹.
۴. حقایق، سیروس، ویژگی های سازمان صنعتی خلاق و نوآور، مجله تدبیر، شماره ۱۱۱.
۵. دراکر، پیتر، دانش نوآوری، ترجمه: چیپ ساز، علی، مجله توسعه مدیریت، شماره ۹، سال هفتم، دی ماه ۱۳۷۸.

۶. دراکر، پیتر، رشته علمی به نام خلاقیت، ترجمه: واحدی، سید صالح، مجله تدبیر، شماره ۴۳.
۷. رهنما، پروین، نهادینه شدن علم، خبرنگارانه تحقیقات و فن-آوری، شماره ۲۵، ص ۱۳، ۱۳۸۲.
۸. زراعی، حسین، افراد خلاق چه ویژگی هایی دارند، روزنامه همشهری، بخش اجتماعی، ۲۲/۴/۱۳۷۹.
۹. علی محمدزاده، خلیل، مفهوم علم در مقوله جنبش نرم افزاری رسیدن به اوج دانایی است، (گفت و گوی معاون فرهنگی واحد علوم و تحقیقات تهران)، هفته نامه فرهیختگان، شماره ۵۲۰، ص ۴، ۱۲/۸/۱۳۸۳.
۱۰. عیوضی، علی اشرف، نقش مجمع صنفی در تبیین حقوق مادی و معنوی دانشگاهیان، خبرنگارانه تحقیقات و فن آوری، شماره ۲۵، ص ۱۲.
۱۱. گزارشی از روند تولید علم در ایران، خبرنگارانه دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم، ۱۳۸۳، شماره ۴.
۱۲. مشبکی، اصغر و وفایی، فرهاد، خلاقیت عامی سکون در سازمان، ماهنامه توسعه مدیریت، شماره ۵۰، خرداد و تیر ۱۳۸۲.
۱۳. معین، مصطفی، چالش های آموزش عالی در ایران (۱۳۸۲)، (سخنرانی وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری)، نمود، ۵ آبان، ص ۶.
۱۴. نجاتی، محمود، اطلاع رسانی و توسعه فرهنگی، مجله فرهنگ و پژوهش، ۲۲/۹/۱۳۷۹.
۱۵. نیلی آرام، علی، خلاقیت و نوآوری در سازمان، مجله تدبیر، شماره ۸۵.

**پرسش های مسابقه ای برگرفته از کتاب «نوآوری؛ بستر شکوفایی»**

۱. کدام یک از عوامل زیر در خلاقیت افراد مؤثر است؟

(الف) توانایی عقلانی )

(ب) محیط )

(ج) هر دو مورد )

۲. از موارد زیر کدام یک از پی آمدهای خلاقیت و نوآوری به شمار می رود؟

(الف) افزایش بهره وری سازمان )

(ب) وقایع غیرمنتظره )

(ج) ارایه محصول )

۳. از ویژگی های مدیر خلاق به شمار می رود.

(الف) رایج کردن نظام آموزشی مستمر و همگانی )

(ب) ایجاد امتیاز شغلی )

(ج) ابتکار )

۴. فرهنگ ارتقای بهره وری به کدام یک از گزینه های زیر مربوط می شود؟

(الف) ویژگی مدیر خلاق )

(ب) ویژگی سازمان خلاق )

(ج) ویژگی دولت کارآمد )

۵. کدام گزینه از ویژگی های افراد خلاق نیست؟

(الف) انعطاف پذیری )

ب) ریسک پذیری )

ج) اعتماد به نفس )

۶. کدام گزینه صحیح نیست ؟

الف) خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کنکاش رشد می کند . )

ب) نوآوری به بهبود رضایت شغلی یک فرد اطلاق می شود. )

ج) خلاقیت بیش تر حاصل تلاش فرد است. )



۷. از زمینه های بروز خلاقیت به شمار می رود.

(الف) فضای خلاق )

(ب) دوری از موقعیت های مبهم )

(ج) امکان گردش شغلی )

۸. در زمینه عوامل ایجاد خلاقیت نقش کدام یک مؤثرتر است؟

(الف) انگیزه )

(ب) آگاهی )

(ج) الهام )

۹. کدام گزینه صحیح است .

(الف) خلاقیت توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسایل است. )

(ب) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی از مشخصات مدیر نوآور است. )

(ج) خلاقیت امری است توسعه ناپذیر یعنی همه افراد توانایی خلاقیت را ندارند. )

۱۰. کدام گزینه درباره نوآوری صحیح است؟

(الف) نوآوری پدیده ای چشم گیر و جنجالی است. )

(ب) نوآوری، پدیده ای نادر است که تنها عده ای خاص به آن می رسند. )

(ج) هر دو مورد )

۱۱. سخن امام صادق (ع) که می فرمایند: مردم از این جهت رو به تباهی می روند که پژوهش و پرسش گری ندارند، به کدام

گزینه اشاره دارد؟

(الف) قدرت علمی )

ب) ارزش اندیشه علمی )

ج) شخصیت علمی )

۱۲. از عوامل بازدارنده پیشرفت جامعه ایرانی است.

الف) جزمیت و جمود )

ب) کنجکاوی )

ج) پیروی نکردن از اندیشمندان )

۱۳. از موانع توسعه علمی به شمار نمی رود.

الف) اهتمام به عالم پروری )

ب) حاکمیت فرهنگ طرد و مقابله با خلاقیت )

ج) شخصیت پرستی )

۱۴. دفاع از اندیشه های دینی و کشف حقیقت ناظر به کدام گزینه اند؟

(الف) از ویژگی های مدیر خلاق به شمار می روند. )

(ب) از انگیزه های تولید علم محسوب می شوند. )

(ج) هیچکدام )

۱۵. کدام گزینه صحیح است .

(الف) اندک بودن سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی از موانع توسعه علمی است. )

(ب) عظمت اندیشی نسبت به عالمان از موانع تولید علم است. )

(ج) هر دو مورد )

۱۶. بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علی(ع) کدام گزینه از شرایط تحقق علم و دانش است .

(الف) زیاد پرسش کردن )

(ب) استفاده از تجربه دیگران )

(ج) هیچکدام )

۱۷. کدام یک از موارد زیر از راهکارهای اصلاح محیط علمی و جذب نخبگان به شمار می رود؟

(الف) توسعه مراکز تحقیقاتی و تقویت انجمن های علمی )

(ب) حاکمیت مدیریت علمی و فرهنگ آموزش )

(ج) نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی )

۱۸. کدام یک از موارد زیر از موانع تولید علم نیستند؟

(الف) متناسب نبودن تولیدات علمی با نیازها )

(ب) کوتاهی و زیاده روی در حوزه خردورزی )

ج) احترام به عالمان و نخبگان )

۱۹. کدام یک از موارد زیر جزو راهکارهای بلند مدت در تولید علم و نوآوری به شمار می رود؟

الف) هماهنگی آموزش با پژوهش )

ب) رهبری پژوهش )

ج) نهادینه سازی فرهنگ تولید )

۲۰. بنابر دیدگاه رهبر معظم انقلاب، از راه کارهای تحقق تولید علم

( الف ) کارآمد بودن پژوهش ها )

( ب ) تقسیم کار )

( ج ) آگاهی از نیازها )

۲۱. کدام گزینه صحیح است.

( الف ) خلاقیت و نوآوری مترادف یکدیگرند. )

( ب ) تحجر علمی از موانع تولید علم است. )

( ج ) از ویژگی های فرهنگ علمی نهادینه شدن تکریم فرهیختگان است. )

۲۲. علل مهاجرت نخبگان ایرانی چیست؟

( الف ) هماهنگ نبودن آنان با هنجارها و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی. )

( ب ) جست و جوی امکانات بهتر برای پیشرفت علمی و شغلی. )

( ج ) هر دو مورد )

نام و نام خانوادگی: شماره شناسنامه: میزان تحصیلات:

آدرس و تلفن:

۲۳. خودباختگی و غیرپرستی و شیفتگی در برابر دیدگاه های غیرخودی ...

( الف ) از دیگر موانع تولید علم است. )

( ب ) از علل فرار مغزها به خارج است. )

( ج ) از موانع تولید علم و توسعه علمی است. )

۲۴. بنابر دیدگاه مقام معظم رهبری از موانع تولید علم است.

( الف ) ناچیز بودن نقش بخش خصوصی در فعالیت های تحقیقاتی )

ب) شخصیت زدگی )

ج) یاس و ناامیدی )

۲۵. از اصول پرورش خلاقیت به شمار می رود.

الف) ارزش قایل شدن به طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول )

ب) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان )

ج) هردو مورد )

ص: ۱۸۴

پاسخ نامه

الفب ج

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

